



وزارت آموزش پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر نشریات و فناوری آموزشی

# آموزش ابتداری

رشد

ماهانمهی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی  
برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوروی بیست و پنجم | فروردین ۱۴۰۱ | شماره‌ی بی‌دربی ۲۴ | صفحه ۴۸  
www.roshdmag.ir | رنال ۵۳۰۰۰

## روزهای برنامه‌ریزی

- جشنی برای باسوادها
- خلاقیت با تلفیق



چه بسا روزه‌داری که از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای ندارد!

امام علی (ع)

نهج البلاغه؛ حکمت ۱۴۵

# آموزشی ابتداری

رشد



ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی  
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش  
دوره‌ی بیست و پنجم | فروردین ۱۴۰۱ | شماره‌ی پی‌درپی ۱۲۰۴ | ۴۸ صفحه | ۵۳۰۰۰ ریال  
www.roshdmag.ir



نظراتان را دربارهی  
مجله اعلام کنید.

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



## فهرست

- ۲ حال خوش | کبری محمودی
- ۴ یادمان باشد | زهرا نظام‌الدینی
- ۳ حضور حداکثری | طاهره ملک‌زاده
- ۶ حرف‌های چهارخطی | زهره پیرهادی
- ۸ پستانبلی | ابراهیم اصلانی
- ۱۲ حسنی برای باسوادها | زهرا نصیری
- ۱۰ روزهای برنامه‌ریزی | عاطفه فرهادی
- ۱۴ مواظب «روند»‌ها باشیم | مرتضی مجدفر
- ۱۶ گلخانه‌ی کاغذی | شنو عزیز، آراسته کریمیان، شیوا گوران
- ۱۷ خلاقیت با تلقیق | فریبا رحمانی
- ۱۸ بازگشت از پایین‌کوه | چراغعلی کامفیروز
- ۱۹ املای خوش‌مزه | اکرم رنجبر کوهدل
- ۲۰ هنجارسازی با ورزش | مرضیه‌سادات سیدهاشمی
- ۲۲ یادگیری من و دانش‌آموزانم | شکوفه رنجبر گلشواری
- ۲۴ از روی غلطها | کبری محمودی
- ۲۶ همه چیز آرام است | لیلا سلیقه‌دار
- ۲۸ خویشتانگیزی | فاطمه دولتی
- ۳۰ هم‌آموزی از هم‌پایه و دگرپایه‌ها | معصومه فرحوش
- ۳۲ میم مشکلات را برمی‌دارم | امریم شهرآبادی
- ۳۴ چه کسی آهو می‌شود | علی‌علی بیگی
- ۳۶ راست و ناراست | سیدغلامرضا فلسفی
- ۳۸ اسکمبر | مرتضی فاضل
- ۴۲ یک‌خط در میان | تمنا رستگار
- ۴۴ وقت عمل | احمدرضا اعرابی
- ۴۶ هم بازی، هم تجربه‌آموزی | مریم شهرآبادی
- ۴۸ یا هم خندیدن | اعظم لاریجانی



اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم



فرم اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمد صالح مدنی

سر‌دبیر: کبری محمودی

شورای برنامه‌ریزی: مزگان آژیده، مهشید باستانی پورمقدم،

محمدعلی قربانی، مرتضی مجدفر و اصغر ندبری

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسائزاد

طراح گرافیک: وحیدحقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱

۸۸۸۳۱۱۶ - ۰۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱

وبگاه اختصاصی: www.eb.roshdmag.ir

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۰۲۱

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

- با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.
- قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- در حد ۱۲۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی - آموزشی باشد.
- در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راه‌های ارتباطی مجله فرستاده شود.
- روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
- محل قرارگرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.
- چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی پیوست شود.
- اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.
- لازم به ذکر است:
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.
- مقاله‌ی دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً تأمین‌رأی و نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خودنویسنده یا مترجم است.
- عکس‌های مدرسه‌ای تان‌رامنتش می‌کنیم.
- عکس‌های مدرسه‌هایی که در مجله می‌بینید، قبل از دوران شیوع کرونا گرفته‌شده‌اند.

۱ فروردین؛

آغاز سال ۱۴۰۱ شمسی

نوروز که می‌شود، از برگ‌های نوشکفته‌ی درختان تا اسکناس تانخورده در میان قرآن، همه حکایت از یک چیز دارند: نوشتن. گویی طبیعت با تمام توانش در صدد است هنرنمایی جدیدی از خالق خویش به تماشا بگذارد که خالق نوآفرینش «هماره در کاری نو و جدید است» (الرحمن/۲۹).

نسیم باد نوروزی که بوی بهار را برایمان به ارمغان می‌آورد، «تویدبخشی است که پیشاپیش خبر از رحمت پروردگارش می‌دهد» (فرقان/۴۸).

ابراهیم سرگردانی که آسمان بهاری را احاطه می‌کند، «شمارت از آبی پاک دارند» (فرقان/۴۸) که قرار است تا سرآغاز رویشی جدید همراهی‌مان کنند. و اما موسیقی بهار صدای گاه‌به‌گاه رعد و برقی است که «بیم و امید را نشانمان می‌دهد» (روم/۲۴).

باده‌ها می‌وزند، ابرها می‌آیند، بر هم می‌کوبند و فریاد می‌کشند. گاه می‌ترسانندمان و گاه لبخند بر لبمان می‌نشانند. باران رحمت از آسمان فرو می‌بارد و «زمین مرده‌مان را زنده می‌کند» (روم/۲۴) تا درهم‌تنیدگی مرگ و زندگی را نشانمان دهد و به یاد آورد که «خداوند این چنین مردگان را بر می‌انگیزاند» (اعراف/۵۷). باشد که پند گیریم!

۲ فروردین؛

روز جمهوری اسلامی ایران

آغاز سال ۱۳۵۸، اکثریت قریب به اتفاق (۹۸/۲ درصد) ملت ایران با دادن رأی موافق به جمهوری اسلامی، دفتر ۲۵۰۰ ساله‌ی نظام سلطنتی را در ایران بستند و فصل جدیدی را به روی خود گشودند که به تعبیر امام (ره) «روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت» نام گرفته است.

«مبارک باد بر شما روزی که پس از شهادت جوانان بیرومند و داغ دل مادران و پدران، دشمن غول‌صفت و فرعون‌زمان را از پای در آوردید و با رأی قاطع به جمهوری اسلامی حکومت عدل الهی را ایجاد نمودید» (صحیفه‌ی امام خمینی ره، ج ۶).

توصیفی، نوزده و بیست واقعا خواهد و برادرند و آموزگار مادر همه‌ی این نمره‌هاست. آموزگار بهترین قاضی است در سنجش آموخته‌های دانش آموز.

حال باز هم فروردین و باز هم عید نوروز و باز هم مدرسه‌ها؛ اما این عید و بازگشت به مدرسه کجا و آن سال‌ها کجا! عادت‌مان شده بود برای فروردین و ۴۵ روز طلایی مانده تا پایان اردیبهشت چنان برنامه‌ای تدارک ببینیم که بچه‌ها از خمودگی تعطیلات سیزده‌روزه‌ی نوروز درآیند، خواب‌آلودگی بهار کم‌رنگ شود، انرژی بگیرند، آماده‌ی جمع‌بندی آموخته‌ها شوند و مہیای ارزشیابی پایانی و بعد از آن هم تعطیلاتی سه‌ یا حتی چهارماهه و استراحتی و فراغتی. چه بسیار عادت کرده بودیم به این برنامه! اکنون اما سومین عید نوروزی است که آن را با شرایط کرونایی و محدودیت‌های دیدوبازدیدنی سپری کردیم! شرایط تحصیل و مدرسه نیاز به رسیدگی دارد. تحول می‌خواهیم و تحرک. شادابی و نشاط لازم داریم برای کودکان سرزمینمان که دوری از مدرسه بی‌طاقتشان کرده است. انگار غریبانی هستند در سرزمین مدرسه، همان مدرسه که خانه‌ی دومشان بود. سرگردان‌اند. هنوز به سبیری کلاسشان را و حتی چهره‌ی معلمشان را ندیده‌اند! هنوز درک کاملی از چپستی کلاس و مدرسه و حتی ارزشیابی توصیفی پایانی ندارند! هنوز آموزگار و محبت‌هایش را به‌درستی درک نکرده‌اند.

وقت آن است که در هنگامه‌ی اعتدال بهاری دست دعا بلند کنیم و از پروردگاران بخواهیم حال ما را به بهترین حال برگرداند. اواسط این ماه به رمضان هم می‌رسیم. رمضان ماه لب‌بستن از طعام و چشم دل‌گشودن به روی نعمت‌هاست؛ روزهایی عزیز که خداوند ندای یارب یارب بندگانش را مثل همیشه می‌شنود. چه خوب است فرصت را غنیمت بدانیم و نیازمندان را فریاد کنیم: به حق این ماه که مقامش را عظیم کردی و کرامت و شرافت و فضیلتش دادی بر سایر ماه‌ها، سلامت را به مردمان ما و به کودکان سرزمینمان برگردان!

# حال خوش



کبری محمودی

دانش‌آموز پایه‌ی اول ابتدایی بودم؛ عاشق درس و مدرسه. از آن بچه درس‌خوان‌هایی که هیچ کس جرئت نمی‌کند دیکته به آن‌ها بگوید. خودم از روی کتاب دیکته می‌نوشتیم، چون اگر از اعضای خانواده به من دیکته می‌گفتند و نمره‌ام کمتر از بیست می‌شد، به هیچ عنوان زبیربار نمی‌رفتم که خطا از من بوده است. این بود که کسی حاضر نمی‌شد...

در اولین دیکته‌ی بعد از تعطیلات نوروز، نمره‌ام شد ۱۹. آنچه یادم مانده این است که چنان گریه می‌کردم که کلاس را بیچاره کرده بودم. آموزگار با تجربه و بسیار عزیزم، خانم خوانساری، که هیچ اطلاعات دیگری از او ندارم، هر چه کرد آرام نشدم. در نهایت دستم را گرفت و مرا به آن کلاس اول دیگر برد. از بچه‌ها پرسید، امروز چه کسانی در دیکته نمره‌شان ۱۹ شده است؟ یادم هست صحنه‌ای را که انگار همه‌ی بچه‌ها دست بلند کرده بودند که یعنی ما ۱۹ شده‌ایم! من اما راضی نشدم.

این روزها از آن رفتار خودم تعجب می‌کنم. خجالتی بودم. چطور نمره‌ای روی مرا این‌همه باز کرده بود که آن قشقرق را راه بیندازم! چه اندازه صبور بود آموزگارمان، که بعد از کلی سعی و تلاش، مرا نشانند و برایم توجیه کرد که ۱۹ یک نمره با بیست فرق دارد و واقعا نوزده و بیست خواهد و برادرند. همین جمله آبی بود بر آتش درونم و آرامم کرد؛ خواهر و برادر.

از وقتی ارزشیابی توصیفی مطرح شده و نظام آموزشی به قصد اجرای آن برآمده است، بارها و بارها خاطره‌ی نمره‌ی کلاس اولم را مرور می‌کنم. در ارزشیابی



زهرا انظام‌الدینی

### ۲۳ فروردین؛ وفات حضرت خدیجه (س)

دستان خدیجه در دستان پیامبر خداست و چشمان اشکبار فاطمه (س) به مادر که لحظات آخرش را سپری می‌کند، دوخته شده است. خدیجه که زمانی ثروتمندترین زن عرب بود، اکنون تنها دارایی‌اش رضایت خدا و محمد(ص) است. رسول خدا (ص) به چشمان خدیجه می‌نگرد و به یاد می‌آورد که شب معراج، هنگام مراجعت، جبرئیل از او خواسته بود سلام خدا و سلام او را به خدیجه برساند. وقتی محمد(ص) سلام خدا و جبرئیل را به او ابلاغ کرد، بانوی بزرگوار فرمود: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ فِيهِ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلِيٌّ جِبْرِئِيلُ السَّلَامُ» (مجلسی، ج ۱۶: ۸).

### ۲۸ فروردین؛ ولادت امام حسن مجتبی (ع)

ماه رمضان که به نیمه می‌رسد، مژده‌ی ولادت کریم اهل بیت، امام حسن مجتبی (ع)، برکت این ماه را دوچندان می‌کند؛ مردی که با آمدنش به جود و کرم معنایی دیگر می‌بخشد و بالاترین مصداق بزرگواری و بخشش را به نمایش می‌گذارد.

کنیزی را به شاخه گلی آزاد می‌کند (مناقب، ابن شهر آشوب، ۱۸: ۴). غذایی را با حیوانی تقسیم می‌کند و می‌گوید: «شرم دارم از اینکه جانداري به صورت من نگاه کند، من در حال غذاخوردن باشم و به او غذا ندهم» (مجلسی، ۴۳: ۳۵۲). با همسایه‌ی یهودی‌اش به بزرگواری و رحمت رفتار می‌کند (تحفه‌الواعظین، ۲: ۱۰۶) و روی زمین در کنار مستمندان می‌نشیند و با نان خالی‌شان هم‌سفره می‌شود (مجلسی، ۳۵: ۴۳) راهش پر رهرو باد!



### ۱۳ فروردین؛ روز طبیعت

گاه‌شمار ایران باستان سیزدهم فروردین را روزی فرخنده می‌داند که ایرانیان پس از ۱۲ روز جشن گرفتن و شادی کردن به دشت و صحرا می‌روند تا هم به‌طور رسمی پایان جشن‌های نوروزی را اعلام کنند و هم سبزه‌های خویش را به آب بسپارند و در آن روز از خداوند طلب سالی پر از باران و برکت کنند (موسوی‌لر، ۱۳۸۹: ۹). روز سیزده فروردین فرصت پیوندی عمیق و دوستی میان انسان و طبیعت را ایجاد می‌کند. بجاست همچنان که طبیعت با طراوتش ریشه‌ی امید و سرزندگی را به ما هدیه می‌دهد، ما نیز با حفظ طبیعت جاودانگی آن را تضمین کنیم.

### ۱۴ فروردین؛ آغاز ماه مبارک رمضان

بهار قرآن با وزش عطر خوش مناجات‌های شبانه، نوای روح‌بخش قرآن، زمزمه‌ی مستانه‌ی ریتنا و کرنش و سجود و سرسپردگی‌هایش، می‌آید تا رسم درست‌بندگی کردن را به ما بیاموزد. می‌آید تا تقوا را در درونمان جاری و درس صبر را سرلوحه‌ی زندگی‌مان کند. می‌آید تا یاد بگیریم اسب سرکش زبان را مهار کنیم و پنجره‌ی چشم را بر هر چیز نگشاییم تا بر روح و قلبمان پنجره‌های دیگری گشوده شوند. حرف‌زدن با محبوب را بیاموزیم و آن‌گاه نیمه‌های شب خود را در سیاهی آسمان رها کنیم و در گوش معبود زمزمه‌کنان بگوییم: «بِکَ عَرَفْتُکَ وَ أَنْتَ دَلَّلْتَنِي عَلَیکَ» (دعای ابوحمزه ثمالی).

منابع  
۱. خمینی (ره)، روح‌الله صحیفه‌ی امام (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران.  
۲. موسوی‌لر، محمدحسین (۱۳۹۰)، جشن‌های ایران باستان، خانه تاریخ و صنوبر ایرانی، تهران.  
۳. ابن شهر آشوب، محمدحسین علی‌السنابلی، ج ۴، نسختی الکترونیکی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع)، مشهد.  
۴. شهیدی، محمدحسین (۱۳۶۵)، تحفه‌الواعظین، ج ۲، نشر محمدحسن شهیدی، مشهد.  
۴. مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، بحارالانوار، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.

# حضور حداکثری

چگونه مشارکت بیشتری جلب کنیم



طاهره ملک‌زاده  
مدیر دبستان

آرامش خاطر داشته باشند. تصمیم گرفتیم برای رفع مشکل، دست به اقدامی بزنم و در آن از حضور حداکثری معلمان بهره ببرم. بهترین روش تشکیل کارگاهی آموزشی بود. از نظر من در مدرسه‌ی مطلوب، عمده‌ی فعالیت‌ها به‌روش درس‌پژوهی یا کارگاهی انجام می‌شوند. خود من سعی می‌کنم برای اداره‌ی این کارگاه‌ها عمدتاً از حضور معلمان با سابقه‌ی بالا استفاده کنم. ذهنم به‌سمت همکاران باسابقه رفت و چند نفر از معلمان را که می‌توانستند در این مهم مرا یاری کنند، به دفتر خواستم. موضوع را برایشان توضیح دادم. در ابتدا برای همکاری و مشارکت مقاومت کردند، ولی به‌مرور با توضیحات بنده متقاعد شدند و پذیرفتند. روز موعود فرا رسید و اعلان مربوط به کارگاه با درج مشخصات، نام مدرس و نام همکاران همیار در گروه شبکه‌ی اجتماعی مدرسه پخش شد.

وضعیت متفاوت‌تر از همیشه و برای بعضی عجیب و باورنکردنی بود. حضور برخی از معلمان پیشکسوت و همراهی سایر معلمان تعجب همه را برانگیخته بود. در واقع اعتقاد من به مدیریت مشارکتی و پافشاری بر مشارکت همه‌ی معلمان، به‌ویژه باسابقه‌ها، کار خودش را کرد. حضور همکاران در فعالیت‌های کیفی باعث شد چالش با خانم ایزدی به‌طور کلی به فراموشی سپرده شود. البته از رفتار صبورانه‌ی خانم ایزدی هم باید گفت که در مشارکتی شدن فضا کمک فراوانی کرد. حسن دیگری که برگزاری این کارگاه داشت، برطرف‌شدن سوءظن‌ها، حتی از طرف خانم ایزدی، بود. خود خانم ایزدی با وجود تمام محبوبیتی که برای من داشت، باید متوجه می‌شد همه‌ی همکاران برای من در یک جایگاه قرار دارند. چند روزی بعد از برگزاری کارگاه و با توجه به اینکه اوضاع مدرسه و همکاران تا حدودی

وجود خانم ایزدی با تمام محاسنی که داشت، حساسیت معلم‌ها را نسبت به ایشان برانگیخته بود. شاید رفتار من نیز عاملی بود که این جبهه‌گیری را بیشتر می‌کرد. از این‌رو، باید کاری می‌کردم تا باعث ایجاد همدلی میان معلمان مدرسه شود. باید به همه نشان می‌دادم مدرسه‌ی مطلوب مدرسه‌ای است که با مشارکت حداکثری معلمان در مسیر اجرای فعالیت‌ها و پیشبرد اهدافش قدم بر می‌دارد. مدیریت در مدرسه‌ی ابتدایی به مراتب سخت‌تر از دوره‌های دیگر تحصیلی است. در این دوره، مدیر مدرسه باید به‌مثابه‌ی مادر خانواده عمل کند و همه‌ی معلمان را مانند فرزندان یا خواهران و برادران خود ببیند. مدیر مدرسه باید طوری عمل کند که هم‌زمان همه‌ی معلمان رضایتی نسبی و

آرام شده بود، تلفن داخلی دفترم به صدا درآمد. نماینده‌ی معلمان بود که بعد از سلام و احوال‌پرسی گفت: «خانم برازنده، اگر امکان دارد چند دقیقه‌ای به دفتر معلمان تشریف بیاورید تا در مورد موضوعی با کمک هم تصمیم بگیریم.»

زنگ تفریح در دفتر همکاران حاضر شدم. خانم موقر، نماینده‌ی معلمان، در خصوص برنامه‌ریزی برای روز معلم و گرامیداشت معلمان پیشکسوت صحبت کرد. پیشنهادهایی هم که همکاران برای بزرگداشت هر چه بهتر روز معلم داشتند، مطرح شد.

از اینکه مشارکت دادن همکاران در اداره‌ی امور مدرسه نتیجه داده بود، خوش‌حالی و شغف و صف‌ناپذیری سراسر وجودم را فراگرفت. ابتدا با تشویق و تقدیر از همه وارد بحث شدم. از وحدت نظر و وحدت رویه‌ی همکاران و معلمان در مورد اجرای برنامه‌های مدرسه و همسویبودن آن‌ها با مدیر و کارکنان مدرسه سپاسگزاری کردم. از اینکه به اهداف گروه‌های رسمی و غیررسمی اذعان دارند و سعی می‌کنند مرا یاری دهند، خوش حال شدم و به آن‌ها قول دادم از گروه‌های رسمی بیشتر استفاده کنم و از دیدگاه‌های گروه‌های غیررسمی هم که دنبال تخریب نیستند، بهره ببرم.

در پایان برای اهمیت دادن به حرف معلمان، تصمیم گرفتیم با مشارکت همه‌ی کارکنان و آموزگاران مدرسه، در شورای آموزگاران به موضوع مهم روز معلم و چگونگی باشکوه‌تر برگزار کردن مراسم این روز بپردازیم. به نظرم مراسم هفته‌ی معلم امسال متفاوت‌ترین مراسمی خواهد بود که در تمامی سال‌های مدیریتی‌ام داشته‌ام؛ مراسمی مبتنی بر تصمیم‌گیری گروهی برای گروه.

### گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

رویکرد و جهت‌گیری کلی سند برنامه‌ی درسی ملی، در بند هفتم، در توضیح نقش مدیر، تأکید می‌کند: «با برقراری روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه‌ی عوامل (کارکنان و خانواده‌ها) و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می‌کند.»



آموزشی  
ابتدایی

فروردین‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۱۴۰۱۷



# حرف‌های چهار خطی

با مهدی قیداری؛

آموزگاری از میانه



گفت‌وگواز: زهره پیرهادی

عکاس: زهرامحمدی

یکی از آموزگاران مجرب شهر میانه است که به واسطه‌ی دغدغه‌داشتن در آموزش و تبدیل ایده به مهارت درخور اعتناست. میانه شهری است خنک و خوش آب و هوا بین دو شهر زنجان و تبریز؛ از شهرهای استان آذربایجان شرقی. کشتی‌گیرانش معروف‌اند و لبنیاتش حرف ندارد. آموزگاران و معلمان‌ش هم افتخار آفرین‌اند.

مهدی قیداری که دوره‌ی اشتغال رسمی‌اش تمام شده است، خود را بازنشسته نمی‌داند و هنوز باشور بسیار در سودای یاددهی-یادگیری است. مدرک فوق‌لیسانس علوم تربیتی در شاخه‌ی آموزش و پرورش ابتدایی دارد. تألیفاتی نیز در کارنامه‌اش دیده می‌شوند، از جمله: کتاب نگارش پایه‌ی اول ابتدایی به صورت آموزش چهارخطی؛ دفتر مخصوص کتاب نگارش پایه‌ی اول ابتدایی؛ کتاب خوش‌نویسی بر اساس چهارخطی و تعدادی مقاله.

از سال ۱۳۷۷ مدرس دوره‌های آموزش ضمن خدمت و دوره‌های بدو استخدام بوده است.

مهدی قیداری در آموزش خط فارسی مبدع شیوه‌ای است که خوب است درباره‌اش بیشتر بدانیم.

آ آ آ آ - آ - او  
ر ب ب م م سد

■ شما پیگیر ایده‌ای بوده‌اید به نام «آموزش خط تحریری در چهار خط کرسی». از چگونگی آن بگویید.

در شیوه‌ی چهار خطی، حروف الفبا روی چهار خط نوشته می‌شوند. بعد از اینکه دانش‌آموز نگاره‌ها و نشانه‌ها را آموخت و دست و چشمش عادت کرد، شروع می‌کند به نوشتن روی چهار خط. تا آخر آموزش حروف، روی چهار خط می‌نویسد. در فروردین‌ماه، که حروف را کامل آموخته است، کم‌کم به او می‌آموزیم چگونه روی تک خط بنویسد. یعنی به همان شیوه‌ای که کتاب درسی گفته است.

■ این شیوه به چه کار می‌آید؟ چرا از اول روی تک خط و به همان عادت رایج ننویسیم؟

سال‌هاست نوشته‌های کتاب حاضر پایه‌ی اول به خط تحریری هستند. اما اگر دقت کنید، بچه‌ها یا به خط تحریری نمی‌نویسند یا اگر می‌نویسند، غلط می‌نویسند. در واقع هدف از تبدیل شدن خط نسخ کتاب‌های درسی به خط تحریری، خوش‌خطی دانش‌آموزان بوده است، اما این هدف محقق نشده است.

من معلم کنجکاو و مشتاقی هستم. خیلی هم سفر می‌کنم. مدام به مدرسه‌ها سر می‌زنم و درباره‌ی چگونگی نوشتن بچه‌های پایه‌ی اول می‌پرسم. به جرئت بگویم، حتی در یک مدرسه هم ندیده‌ام دانش‌آموز حروف را به خط تحریری و صحیح بنویسد. اما اگر این شیوه پیاده شود، هم معلم و هم دانش‌آموز به راهکار روشنی می‌رسند برای چگونگی صحیح نوشتن به خط تحریری.

■ اولین جرقه‌ی این کار کی و چطور ایجاد شد؟

در سال ۱۳۸۲ نگارش خط کتاب فارسی اول ابتدایی از نسخ به خط تحریری تبدیل شد. راهکار روشنی مبنی بر چگونگی نوشتن تحریری ارائه نشد. من خواستم این مشکل را حل کنم. طرحی را ابداع کردم و به‌طور آزمایشی، روی چهار دانش‌آموز بدخط



همکارانی که مایل‌اند درباره‌ی شیوه‌ی چهارخطی و چگونگی اجرای آن در مدرسه و کلاس خود بیشتر بدانند، می‌توانند با دفتر مجله تماس بگیرند تا کلیپ‌ها و فایل‌های صوتی این طرح در اختیارشان قرار گیرد.



# س ت ت ر



اجرا کردم. این چهار نفر از خوش‌خط‌ترین دانش‌آموزان آن سال شدند. بعد از آن، در طول این سال‌ها که جسته و گریخته مرا شناخته‌اند، گاهی متوجه می‌شوم از روی کتابم رونوشت برداشته شده است؛ البته متأسفانه غلط‌هایی در آن‌ها می‌بینم.

## ■ آیا طرح خود را رسمی کرده‌اید؟

بله. در سال ۱۳۸۴ روش چهارخطی را به ثبت رساندم. اول در منطقه و استان و بعد تأیید مؤلفان کتاب درسی را گرفتم. سال بعد هم در استان خودمان، آذربایجان شرقی، به‌صورت آزمایشی آن را اجرا کردیم. من یک معلم و تنها هدف و خواسته‌ام در این زمینه، کمک به آموزگاران و دانش‌آموزان است. آموزگاران با این طرح می‌توانند کمک دانش‌آموزان پایه‌ی اول باشند در صحیح نوشتن به خط فارسی.



گوشه‌ای از شیوه‌ی آموزش چهارخطی



آموزش‌های ابتدایی

فروردین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۱۴۰۱۷



## یک راز مهم!

احتمالاً می‌دانید که ایام تعطیلات و بعد از آن، یکی از عوامل اصلی بروز تنبلی است. اگر هم نمی‌دانستید، الان به راز بزرگی دست پیدا کرده‌اید. ما به‌طور معمول از تعطیلات استقبال می‌کنیم، با این توجیه که تعطیلات فرصتی برای رفع خستگی و سرحال‌شدن دوباره‌ی جسم و روان است. دو تناقض آشکار درباره‌ی این توجیه به‌ظاهر ساده وجود دارد:

اول اینکه ما چقدر کار می‌کنیم و چقدر از زمان موجودمان به‌طور کامل و مفید استفاده می‌کنیم که خسته بشویم؟! تجربه نشان می‌دهد، بیشتر ما دنبال استراحت برای کارهای نکرده و وقت‌های تلف‌شده هستیم. شاید انجام تمرین زیر به‌خوبی نشان دهد ما چقدر به استراحت و تعطیلی نیاز داریم.

می‌رسیم به تناقض دوم و اینکه در فرهنگ ما، تعطیلی بیش از آنکه در



# پساتنبلی

مروری بر

افت‌وخیزهای انگیزشی

در موقعیت‌های زمانی

ابراهیم اصلانی

روان‌شناس تربیتی



## تمرین ۱

این تمرین دو مرحله دارد. مرحله‌ی اول مختص خودتان است. با خودتان قرار بگذارید برای یک هفته این کار را انجام دهید:

- هر روز قبل از خواب و در عرض دو تا سه دقیقه حساب کنید در طول روز چند ساعت یا چند دقیقه کار مفید انجام داده‌اید.
- حالا منصفانه حساب کنید چه استفاده‌های بهتری می‌توانستید از زمان موجود بکنید.
- نسبتی ساده درست کنید. مثلاً من امروز واقع بینانه پنج ساعت فرصت داشتم کار مفید انجام دهم، اما در عمل فقط سه ساعت از این فرصت استفاده کرده‌ام.
- بعد از یک هفته می‌توانید به یک جمع‌بندی منطقی برسید و به این سؤال پاسخ دهید چقدر تلاش کرده‌اید و چقدر زمان از دست داده‌اید؟
- در مرحله‌ی دوم همین مراحل را با فرزند یا دانش‌آموزتان طی کنید. شما فقط چارچوب تمرین را یاد بدهید و بگذارید بقیه‌ی کار را خودشان انجام دهند.

«تنبلی» موضوعی است که با انگیزش ارتباط مستقیمی دارد. تنبلی در موارد زیادی مانعی برای فعالیت و تلاش محسوب می‌شود. اما گاهی هم ناشی از فشارهای انگیزشی و نتیجه‌ی آن است. بحث پیچیده‌ای نیست؛ گاهی افراد، بعد از دوره‌ای تلاش، وارد مرحله‌ی تنبلی می‌شوند. البته مدت زمان این مرحله و چگونگی خروج از آن برای همه یکسان نیست. در مورد کودکان و نوجوانان، مهارت‌های تربیتی والدین و مربیان می‌تواند کمک کند این دوره‌های تنبلی به‌شکل بهتری پشت سر گذاشته شوند.

آب‌و‌هوا

فروردین ماه  
دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۷ | ۱۴۰۱



رفع خستگی مؤثر باشد، عامل تنبلی و خستگی بیشتر است. خیلی از ما با اشتیاق به استقبال تعطیلی می‌رویم، ولی شل، وارفته و بی‌حال از تعطیلی بازمی‌گردیم. انگار خودمان هم نمی‌دانیم چه گذشت و اصلاً برای چه به تعطیلی رفته بودیم! در واقع، هر دو سر تعطیلی و اعلام زمان استراحت مشکل دارد؛ هم زمان شروع تعطیلات و هم بعد از پایان آن. با این حس به تعطیلات می‌رویم که سرحال بازگردیم، اما با بی‌حالی بر می‌گردیم و مدتی طول می‌کشد تا اوضاع عادی شود.

### تنبلی و تربیت

از اصل موضوع دور نیفتیم. نکته‌ی مهم تربیت در خانه و مدرسه شناخت موقعیت‌های خستگی و تنبلی است. بچه‌ها در طول یک سال تحصیلی همیشه حال و روحیه‌ی ثابتی ندارند. گاهی ممکن است سرحال باشند و کم‌وبیش فعالیت‌های موظف خود را به انجام برسانند. گاهی هم ممکن است حس و حال کار نداشته باشند، تنبلی نشان دهند و با ابراز خستگی از زیر وظایف خود شانه خالی کنند. شناخت افت‌وخیزهای انگیزشی و عوامل مؤثر در آن یکی از فوت‌وفن‌های تربیتی است.

مصدق‌های گوناگونی برای دوره‌های تنبلی می‌توان بیان کرد. افت انگیزشی در دوره‌هایی از زمان‌های درس خواندن قابل انتظار است. در چنین زمان‌هایی باید با دانش‌آموزان مدارا کرد. نمونه‌ای از افت انگیزشی در مورد دانش‌آموزان عادی است. بسیاری از بچه‌ها بعد از امتحانات نیم‌سال اول ممکن است از دور خارج شوند و حال و حوصله‌ی درس خواندن نداشته باشند. نمونه‌ی دیگر گذر از ایام تعطیلی است. تجربه نشان داده است، دانش‌آموزان بعد از یک دوره تعطیلی طولانی مدت مانند تعطیلات عید نوروز و تعطیلات تابستان، با کسالت و بی‌حالی به مدرسه بازمی‌گردند. در حال حاضر تعطیلی و به تعبیر دیگر خانه‌نشینی درازمدت ناشی از شیوع کرونا، علاوه بر اخلاص در فرایند آموزش و افت تحصیلی، تأثیر مهم دیگری هم بر جای گذاشت که افت انگیزشی بود.

اصولاً باید متوجه شده باشید که این دوره‌های افت انگیزشی در بیشتر موارد در چنین زمان‌هایی رخ می‌دهند:

- دانش‌آموزان یک دوره‌ی پرکاری و فشار درسی را پشت سر گذاشته باشند؛
- وضعیتی ایجاد شود که فرایند آموزش از تپ‌وتاب بیفتد و حاصل آن کم‌کاری

دانش‌آموزان باشد؛

- دانش‌آموزان بعد از یک دوره‌ی تنبلی ناشی از تعطیلات طولانی به مدرسه باز گردند.

یادآوری این نکته لازم است که چنین موقعیت‌هایی برای ما بزرگ‌ترها هم پیش می‌آید، اما گاهی ما به‌دور از واقع‌بینی، نمی‌پذیریم که بچه‌ها نیز دچار افت انگیزشی می‌شوند. درک این نکته‌ی تربیتی مهم برای والدین و مربیان ضرورت دارد که اگر پدیده‌ای برای ما بزرگ‌ترها هم پیش می‌آید و مجاز است، چرا در مورد بچه‌ها مجاز نیست؟ اگر من در موقعیت‌هایی از زندگی دچار بی‌حوصلگی، خستگی و تنبلی می‌شوم، چرا همین‌ها را برای فرزندم نشانه‌ی بدی تلقی می‌کنم؟

### چه کنیم؟

#### موقعیت‌شناسی باشیم!

به‌عنوان آدمی باتجربه، نخست باید بتوانید موقعیت‌هایی را که افت انگیزشی پیش می‌آید، شناسایی کنید تا توانایی پیش‌بینی داشته باشید. یک معلم یا مادر و پدر اگر بدانند بچه‌ها در چه زمان‌هایی یا تحت تأثیر چه شرایطی دچار افت انگیزشی می‌شوند، بهتر می‌توانند هم با موضوع کنار بیایند و هم اگر راهکارهایی دارند، در زمان مناسب به اجرا بگذارند.

#### به تفاوت‌ها توجه کنیم!

نوشتم «تفاوت‌های فردی» تا متوجه شوید ممکن است تفاوت‌های دیگری هم وجود داشته باشند. بچه‌ها همان‌گونه که در انگیزش برای درس خواندن و فعالیت‌های دیگر تفاوت‌های فردی دارند، در افت انگیزشی هم متفاوت‌اند. یکی ممکن است دوره‌های افت انگیزشی را با فاصله‌های زمانی زیاد تجربه کند. دیگری شاید پشت سر هم دچار افت انگیزشی شده و نیاز به انرژی‌یافتن مستمر داشته باشد. یکی هم پیدا می‌شود که همیشه شاداب و فعال است و اصلاً افت نمی‌کند. علاوه بر این، گاهی تفاوت‌ها گروهی است. شاید دانش‌آموزان یک کلاس یا یک مدرسه به‌دلیل وضعیت محیطی خاص و عوامل آشکار و پنهان، در انگیزش و افت انگیزشی با بقیه تفاوت داشته باشند. همچنین، ممکن است تفاوت به منطقه یا شهر و ویژگی‌های فرهنگی خاص باز گردد. برای مثال، در منطقه‌ای درس خواندن و پیشرفت تحصیلی بچه‌ها مهم است و همه روی این موضوع تمرکز دارند، اما در منطقه‌ای دیگر و به‌دلایلی دیگر، این موضوع اهمیت چندانی ندارد و انگیزش لازم ایجاد و تقویت نمی‌شود.

### منه به خشخاش نکذاریم!

شناخت موقعیت‌ها و درک تفاوت‌ها باید نتیجه‌ای منطقی به‌همراه داشته باشد. سخت‌گیری و اصرار برای تغییر ناگهانی اوضاع درست نیست. وقتی بچه‌ها از یک دوره‌ی تعطیلی برگشته‌اند و سرحال نیستند، باید به آنان فرصت داد از این دوره عبور کنند.

### باشیب ملایم حرکت کنیم!

این مسئله از همان ظرافت‌های تربیتی است که انتظار می‌رود هر مربی یا مادر و پدر داشته باشند. تغییر اوضاع با شیب ملایم یعنی حوصله‌کردن، اندکی مدارا و حفظ آرامش تا زمانی که بچه‌ها بتوانند به‌سازگاری برسند. بارها گفته‌ام و نوشته‌ام که «میل به کنترل کردن» از ویژگی‌های تربیتی ماست؛ رفتاری که در بسیاری از موقعیت‌ها جواب نمی‌دهد و با این همه باز اصرار داریم همان را به کار ببندیم. به‌جای کنترل، سعی کنید بچه‌ها بیشتر درگیر برنامه‌ی درسی شوند. به آنان فرصت بیشتری برای مشارکت بدهید و مدیریت دوگانه را بیشتر در کلاس به کار ببرید. یعنی کاری کنید بچه‌ها احساس کنند در تصمیم‌گیری‌ها مؤثرند.

### یادگیری شاد را فراموش نکنید!

یک ظرافت تربیتی دیگر این است که شادی همیشه مشکل‌گشاست، اما در ایام افت انگیزشی کارکرد مؤثرتری دارد. شادی می‌تواند بچه‌ها را زودتر به وضعیت عادی بازگرداند. پند و نصیحت، تذکر، تهدید، جریمه، سرکوفت و کارهای مشابه روش‌های خوبی برای مقابله با افت انگیزشی نیستند. به شما قول می‌دهم آموزش و فعالیت همراه با شادی روش مناسب‌تری است و بهتر جواب می‌دهد.

## تمرین ۲

۱. برای دو نکته‌ی «موقعیت‌شناسی باشیم» و «به تفاوت‌ها توجه کنیم»، لازم است چه کارهایی انجام دهید؟

۲. برای یک دوره‌ی افت انگیزشی ایده‌پردازی و برنامه‌ریزی کنید. ایده‌ها بتان را با همکاران دیگر به اشتراک بگذارید.

۳. خوب است در جلسه‌ی شورای معلمان روی موضوع افت انگیزشی و راهکارهای مواجهه‌ی درست با آن بحث شود.

آموزشی

فروردین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۱۴۰۱۷



زهرا نصیری  
آموزگار ابتدایی

در پایه‌ی چهارم، در یکی از سؤال‌های کتاب نكارش خواسته شده بود خاطره‌ی بهترین روز دوران تحصیل را بنویسند. هر کسی از روزی، خاطره‌ای و احساسی یاد کرده بود، اما پاسخ به این سؤال موجی از هیجان را در دل هم‌کلاسی‌ها و معلمش ایجاد کرد. او ضمن تشکر از معلم کلاس اولش نوشته بود: «روزی که توانستم بدون کمک دیگران کتاب بخوانم، بهترین روز زندگی من بود؛ روزی که باور کردم باسواد شده‌ام. آن روز از خوش حالی در پوست خود نمی‌گنجیدم و دلم می‌خواست دست معلم مهربانم را با تمام وجود ببوسم. به یاد روزی که توانستم اسمم را بنویسم و معلمم با برقی که در چشمش بود، دستان کوچکم را بوسید و به من تبریک گفت.»

وقتی به ماه‌های پایانی سال تحصیلی نزدیک می‌شویم، بچه‌های پایه‌اولی و والدینشان پر از شوق و هیجان می‌شوند، چون دیگر این بچه‌ها می‌توانند نام خود و پدر و مادرشان را بنویسند و داستانی برای مادران و عروسک‌هایشان بخوانند. گویی آنان وارد دوره‌ی جدیدی از زندگی خود شده‌اند، دریچه‌ای از نور و زیبایی به رویشان گشوده و ارتباطشان با دنیا و پیرامونشان گسترده‌تر شده است، زیرا علاوه بر نقاشی کردن و استفاده از شکل و صدا، روش قدرتمند دیگری به نام «خواندن و نوشتن» پیش رویشان است.

### جشن الفبا

وقتی آموزش همه‌ی حروف الفبا به پایان می‌رسد، به‌طور معمول معلمان خوش‌ذوق با همکاری دانش‌آموزان جشنی به‌نام «جشن الفبا» در کلاس برگزار می‌کنند؛ جشنی که در آن دانش‌آموزان با هدایت معلم و خلاقیت خودشان، برای حروف الفبا کاردستی‌های زیبا درست می‌کنند و آموخته‌هایشان را به نمایش می‌گذارند.

### از دنیای سندبرنامدی درسی ملی

در بخشی از توضیح چستی قلمرو حوزه‌ی «تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی» آمده است: آموزش زبان و ادبیات فارسی بر چهار مهارت زبانی گوش‌دادن، سخن‌گفتن، خواندن و نوشتن، از طریق رمزگشایی و رمزگذاری نمادهای آوایی (شنیداری) و خطی (دیداری) و مهارت‌های فرازبانی (تفکر، نقد و تحلیل) و چگونگی تأکید آن‌ها و نیز ادبیات فارسی تأکید دارد. در این حوزه، دانش‌آموزان به فهم زبان، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ساختار زبانی، جایگاه و گشتار زبان فارسی و پیکره‌ی نظام‌مند و عناصر سازه‌ای و عوامل هنری و زیبایی در منابع اصیل و ادبیات کهن و معاصر دست می‌یابند.

# جشنی

# برای باسوادها

- ارزش‌گذاری برای علم و علم‌آموزی؛
- ایجاد محیطی صمیمی با حضور اولیای مدرسه و والدین.

از این اهداف کلیشه‌ای که بگذریم، باید گفت، پیام جشن الفبا به دانش‌آموزان این است که: شما با همه‌ی تفاوت‌هایی که با یکدیگر داشتید و با سطوح گوناگون استعدادتان، توانستید پایه و اساس علم را بیاموزید. پس در طی ادامه‌ی مسیر نیز می‌توانید موفق باشید. تفاوت‌های شما اگر چه زیاد باشد، فقط روش‌های طی کردن مسیر را تغییر می‌دهد، اما در نهایت همگی با تلاش و پشتکار به هدف می‌رسید. جشن الفبا به دانش‌آموزان می‌گوید: «امروز که خواندن و نوشتن را آموخته‌ای، اتفاق بزرگی افتاده است. اتفاق‌های مهم و بزرگ و خوب فرداها را تو باید با آنچه امروز آموخته‌ای رقم بزنی.»



### آموزگار کلاس اولی‌ها

رمز موفقیت هر معلمی در آموزش و پرورش کودکان، شناسایی ویژگی‌های ذهنی، روانی و خانوادگی دانش‌آموزان و پی‌بردن به تفاوت‌های فردی در بین آن‌هاست. این موضوع در میان آموزگاران پایه‌ی اول اهمیت بیشتری دارد و به او امکان می‌دهد در اوضاع گوناگون برخورد مناسبی با کودک داشته باشد و راهکار درست را برای آموزش او در پیش گیرد. اما ما آموزگاران باید همواره به یاد داشته باشیم آنچه لازم است کودکان پیش از یادگرفتن خواندن و نوشتن بیاموزند و پس از بسوادشدن سرلوحه‌ی زندگی خود قرار دهند، این است که با علم خود جز در راه درست و خدمت به خلق و کسب رضای پروردگارشان قدمی برندارند و بسوادشدن را برای بهتر و زیباتر کردن زندگی در دنیایی سبز و آرام به کار گیرند. آموزگاران کلاس اولی، باید دست‌توان را بوسه زد و قدرت‌تان را بیش از پیش دانست. تلاش‌تان مستدام و همتان والا باد!

نمی‌شود، بلکه کسب توانایی خواندن و نوشتن یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موفقیت‌هاست که زیربنای کامیابی‌های بعدی در زندگی اوست. پس باید ارزش این موفقیت را درک و جایگاه آن را برای فرزندان تبیین کرد.

در وضعیت کنونی که به‌خاطر تهدیدی به‌نام بیماری کووید ۱۹ کلاس‌های درس با محدودیت‌هایی برگزار می‌شوند و همه‌ی دانش‌آموزان یک کلاس نمی‌توانند هم‌زمان در کلاس درس حاضر شوند، نقش همکاری والدین در آموزش و برنامه‌هایی نظیر جشن الفبا بیش از پیش نمود پیدا می‌کند. جشن الفبا نیز مانند هر فرایند آموزشی دیگر اهدافی را دنبال می‌کند. از جمله‌ی آن‌ها عبارت‌اند از:

- بانشاط‌سازی برنامه‌های مدرسه؛
- ماندگار و خاطره‌انگیز کردن اولین سال تحصیلی برای دانش‌آموزان و والدین؛
- تقدیر از زحمات یکساله‌ی مسئولان مدرسه و معلم کلاس اولی‌ها؛

سال گذشته که در بیشتر نقاط کشور آموزش به‌صورت غیرحضوری بود، جشن الفبا نیز به‌صورت مجازی برگزار شد. دانش‌آموزان به کمک والدین خود کاردستی‌های مربوط به حروف را تهیه کردند و با فرستادن تصویر آن برای معلم خود در جشن الفبا سهیم شدند. در نهایت آثار دانش‌آموزان در قالب یک نامهنگ (کلیپ) شاد گرد هم آمد.

با وجود اینکه اغلب والدین از بسوادشدن فرزند خود خرسند و خوش‌حال می‌شوند، برخی نیز کسب توانایی خواندن و نوشتن را که فرزندشان یک سال تحصیلی برای آن زحمت کشیده است، عادی می‌پندارند و واکنش مناسبی درباره‌ی آن ندارند. به نظر می‌رسد آموزگار می‌تواند اهمیت این موضوع را برای این دسته از والدین تبیین کند و به آنان توضیح دهد فقط پیروزی‌هایی مثل قبولی در آزمون‌های خاص برای فرزندان موفقیت محسوب

# روزهای برنامه‌ریزی

## تهیه‌ی جدول برنامه‌ریزی امتحانات

تهیه‌ی جدول یا برنامه‌ی مدون درسی راهی است که مرور و بازخوانی درس را راحت‌تر و منظم‌تر می‌کند. خوب است معلم گرامی با در نظر گرفتن وضعیت کلاس و حجم درس، برنامه‌ای درسی تهیه کنند. این برنامه را در اختیار دانش‌آموزان بگذارند و نمونه‌ای از آن را نیز بر دیوار کلاس نصب کنند و با استفاده از آن کلاس را پیش ببرند. این روش، با توجه به فاصله‌ی زمانی کوتاهی که از بعد از عید تا شروع امتحانات وجود دارد، به دانش‌آموزان کمک می‌کند بدون کمبود وقت تمام درس‌ها را مرور کنند و حتی فرصت کافی برای رفع اشکال نیز داشته باشند.

## برگزاری آزمون‌های کوچک

یکی از برنامه‌هایی که خوب است معلم برای مرور و بازخوانی درس‌ها در نظر بگیرند، برگزاری آزمون‌های کوچک و دوره‌ای در ایام منتهی به امتحانات نیم‌سال دوم است. این کار علاوه بر اینکه بچه‌ها را در وضعیت مشابه امتحان قرار می‌دهد و تمرینی است برای مقابله با استرس‌های ناشی از امتحان، راه‌حلی نیز برای شناسایی نقاط ضعف و قوت دانش‌آموزان و برطرف کردن آن‌هاست.

## نیت خاطرات خوش برای روزهای آخر

فقط به فکر امتحان نباشید. بعد از پشت‌سر گذاشتن روزهای مرور و آزمون، خوب است روزی به یادماندنی را در کلاس رقم بزنیم. در این روز خاص که به‌نوعی جشن پایان سال تحصیلی هم محسوب می‌شود، برنامه‌های مفرحی را در نظر بگیرید و کاری کنید بچه‌ها بدون کتاب و فارغ از استرس امتحان، فقط روز شادی را سپری کنند. از آن‌ها بخواهید خوراکی و اسباب‌بازی مورد علاقه‌شان را به کلاس بیاورند.

در واپسین روزهای باقی‌مانده از سال تحصیلی ۱۴۰۰ مهم‌ترین دغدغه‌ی معلم و دانش‌آموزان آمادگی برای امتحانات آخر سال است. به همین دلیل معلم با برنامه‌ریزی منسجم و دقیق، از زمان باقی‌مانده استفاده می‌کند تا به‌طور کامل مباحث درسی را همراه دانش‌آموزان مرور کند و به سؤال‌های آن‌ها پاسخ دهد و مشکلات آن‌ها را برطرف کند. یکی از اقدام‌های آموزگاران در این زمینه، مروری بر کتاب «راهنمای ارزشیابی توصیفی در دوره‌ی ابتدایی» است. متن کامل این کتاب در قالب پی‌دی‌اف با اسکن رمزینده‌ی همین صفحه قابل دسترسی است.

## تقسیم‌بندی آموخته‌ها

تقسیم‌بندی مطالب کتاب بین دانش‌آموزان نیز دیگر فعالیت مفیدی است که آموزگار می‌تواند انجام دهد. به این ترتیب، معلم از بچه‌ها می‌خواهد هر کدام بخش مربوط به خود را برای دوستانشان دوباره تدریس کنند و نکته‌های مهم آن قسمت را بانمودار، نقاشی یا هر روشی که در دسترسشان است، برجسته کنند و با هم کلاسی‌هایشان به اشتراک بگذارند. این مرور فعال و جمعی دانش‌آموزان باعث می‌شود مطالب کتاب درسی را به‌خوبی یاد بگیرند و فقط حفظ نکنند.



راهنمای معلم در ارزشیابی توصیفی



آموزش ابتدایی

فروردین‌ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۷ | ۱۴۰۱

۱۲



جدول پیشنهادی  
زمان بندی درس ها



عاطفه فرهادی  
کارشناس ارشد ادبیات

برای این روز انواع بازی‌های گروهی و بخش موسیقی محلی را در نظر بگیرید و با گرفتن عکس یادگاری جشن پایان سال خود را کامل کنید.



### دعوت به آرامش در روزهای پر تپش امتحان!

بالاخره پس از یک سال تحصیلی پر از فراز و فرود نوبت به روزهای امتحان رسیده است. بچه‌ها را به آرامش دعوت کنید. از آن‌ها بخواهید استراحت کافی داشته باشند. به خوبی غذا بخورند و با توکل به خدا و اعتماد به دانسته‌هایشان در امتحان شرکت کنند. ممکن است بخشی از این امتحان‌ها به صورت حضوری و بخشی از آن‌ها مجازی برگزار شود. درباره‌ی کیفیت و مقرراتی که دانش‌آموزان باید در طول امتحان رعایت کنند، به خصوص امتحان مجازی، به آن‌ها توضیح بدهید. در ساعات‌های برگزاری امتحان حضوری با لبخند خود، و پیش از شروع امتحان مجازی با بیان جملات دلگرم‌کننده، به آن‌ها آرامش و قوت قلب بدهید.



### یک کتاب مفید در این باره

۵۰ نکته برای معلمان

این کتاب حاصل تجربه‌ی نویسنده‌ای است که در حدود ۴۰ سال با دانش‌آموزان بسیاری سر و کار داشته است. نویسنده نکاتی مهم و کلیدی را برای آموزگاران بیان می‌کند.

### گزیده‌ای از کتاب

در روز آخر مدرسه با شتاب از در خارج نشوید. برای اندیشیدن در مورد سالی که گذشت، مکث کنید. چه چیزی مؤثر بود؟ چه چیزی مؤثر نبود؟ سال بعد چه کاری را به شکل دیگری انجام خواهید داد؟ تعمق اندک در خاموشی، نقطه‌ی پایان سال تحصیلی است که روح شما را برای تابستان آزاد می‌کند و شما برای آغازی دوباره و سریع در پاییز آماده می‌شوید. خدا را شاکر باشید که معلم هستید از این بهتر نمی‌شود. این مهم‌ترین سپاسگزاری است که می‌توانید به درگاه خدا داشته باشید.



عکاس: معصومه باقری

ابتدایی

فروردین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۱۴۰۱۷

۱۳

# مواظب «روند»ها باشید!

## آشنایی با رویکردها و روش‌های مورد استفاده در آینده‌پژوهی

دکتر مرتضی مجدفر

پژوهشگر مسائل آموزشی



### روندکاوی

«روند» الگوی تغییر در امری پراهمیت از دید مشاهده‌گر است که در طول زمان به‌وقوع می‌پیوندد. برای مثال آینده‌پژوه با بررسی تغییرات در تولید کتاب‌های درسی متوجه می‌شود کتاب‌های درسی در ابتدا فقط متن‌هایی کاغذی بودند که افراد مستقل با گروه‌های همگن تولید می‌کردند. سپس نگارش کتاب متمرکز می‌شود و سازمان مشخصی تولید کتاب درسی را برعهده می‌گیرد. بعد از آن، کتاب‌ها از لحاظ شکل و ظاهر (گرافیک و عکس) تغییراتی پیدا می‌کنند. به تدریج وجود منابع متنی و سپس اینترنتی (نشانی وبگاه‌ها و درگاه‌های مرتبط

و نشانی فیلم‌ها، صوت‌ها و متن‌های مشخص) رایج می‌شود. در نهایت، استفاده از زمینه‌ها شیوع پیدا می‌کند و کتابی که به‌ظاهر صد صفحه است، در عمل در حدود هزار صفحه به دست مخاطب می‌رسد. در مباحث مدیریتی به این موقعیت «روند» می‌گویند. از لحاظ تعریف، روند به حالتی گفته می‌شود که در مورد پدیده‌های هفت بار تغییر رخ بدهد. در این حالت، وقوع تغییر هشتم با احتمال ۹۹/۹ درصد اجتناب‌ناپذیر است. در این صورت، آینده‌پژوه باید روند کاوی کند. به عبارت دیگر، روند کاوی یکی دیگر از رویکردها و روش‌هایی است که در آینده‌پژوهی استفاده می‌شود. آینده‌پژوه باید به‌طور مرتب به دیده‌بانی روندها مبادرت ورزد. نخستین گام در این راه، کشف روندهایی است که هم‌اکنون در جریان‌اند. این روش در واقع پیش‌بینی آینده از روی قرائن و شواهد تاریخی است؛ شواهدی تاریخی که تغییرات یک داده در گذشته و دوره‌ی زمانی مشخصی را نشان می‌دهند. مثالی که پیش از این در مورد تغییرات روش‌های تدریس زدیم، نمونه‌ای از روند کاوی است. در وضعیت فعلی بعد از کرونا نیز شیوع روش‌های ترکیبی در تدریس و یادگیری و تغییرات مکرر شیوه‌های ارائه‌ی مطلب به دانش‌آموزان، مثالی برای روند کاوی است.

روند کاوی به‌ویژه برای سنجش کارایی سیاست‌گذاری‌ها و نمایان کردن مشکلات در حال ایجاد سودمند است. کاستی عمده‌ی این روش ساده‌انگاری نهفته در آن است. در عمل، پیش‌بینی آینده به‌سادگی و فقط با تعقیب روند گذشته‌ی یک داده به‌ندرت امکان‌پذیر است. این روش بیشتر برای نگاهبانی از داده‌هایی با تغییرات آرام همچون «اطلاعات و آمار سرشماری» مناسب است. بهتر است این روش در مورد بررسی آینده‌ی موضوعاتی

که در مقابل متغیرهای بیرونی، تغییراتی فوری و سریع نشان می‌دهند، نظیر روند و گذر دانش‌آموزان از یک پایه به پایه‌ی دیگر، صرفاً به‌عنوان بررسی مقدماتی به کار گرفته و از روش‌های دیگر به‌عنوان روش اصلی استفاده شود. یک دوره‌ی بحران که طی آن تعداد گزینه‌های واکنش محدودتر خواهند بود، می‌تواند مرحله‌ای از روندهای تغییر باشد. با توجه به این موضوع، شناسایی هرچه زودتر یک روند، میزان انعطاف‌پذیری مجموعه در تعامل با مراحل گوناگون روند تغییر را افزایش می‌دهد. شاید ذکر دو مثال آموزشی در این زمینه مفید باشد.

۱. در سال ۱۳۵۷، بعد از ۱۳ آبان و خیزش انقلابی مردم ایران، نظام شاهنشاهی از سر ترس و به‌دلیل حرکت‌های انقلابی دانش‌آموزان و معلمان مدرسه‌ها را تا یکم اسفند همان سال تعطیل کرد. وقتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدرسه‌ها باز شدند، در عمل بیش از دو ماه‌ونیم تا پایان سال تحصیلی باقی‌مانده بود. بیشتر درس‌هایی که تدریس نشده بودند، بدون توجه به ارتباط عمودی و افقی آن‌ها، حذف شدند و امتحانات فقط از درس‌های تدریس‌شده صورت پذیرفتند. «بیلمه‌های ۵۸» در این میان شهره شدند. اگر همان موقع مطالعه‌ی آینده‌پژوهانه در حوزه‌ی آموزش، وضعیت آینده‌ی این بچه‌ها را ترسیم می‌کرد، شاید می‌شد با تدابیری از افت کیفی آموزش در میان این دسته از فارغ‌التحصیلان جلوگیری کرد.

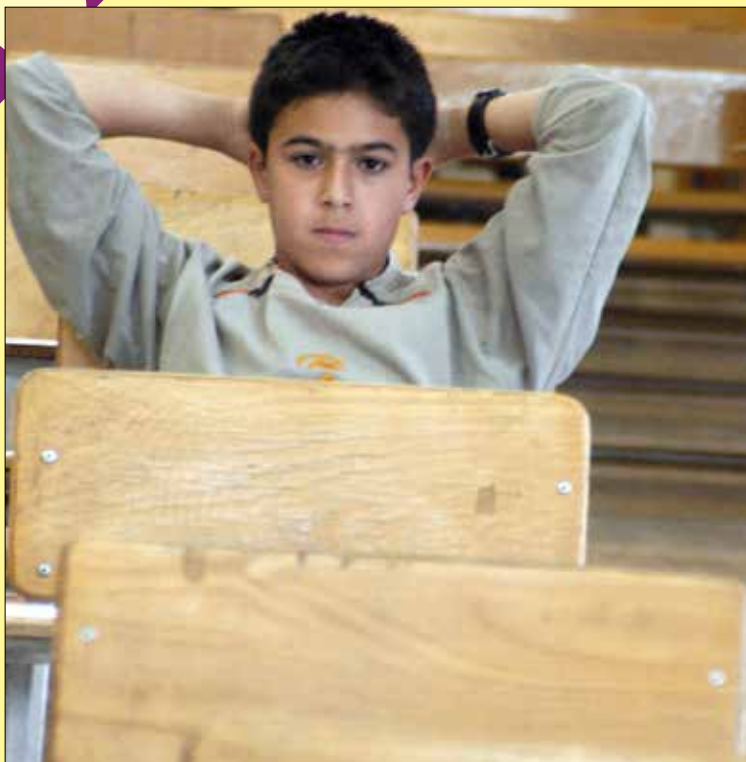
۲. مثال دوم مربوط به دانش‌آموزانی است که از مهر ۱۳۹۸ به کلاس اول ابتدایی رفتند. این دانش‌آموزان کم‌وبیش آموزش‌هایی دیده‌اند، ولی در زمینه‌ی تربیت روی آن‌ها کمتر کار شده است و از تعاملات بین معلم و شاگرد بهره‌ی کافی نبرده‌اند. این گروه ده سال دیگر فارغ‌التحصیل خواهند شد. به نظر می‌رسد یکی از وظایف حوزه‌ی ستادی آموزش و پرورش تشکیل یک گروه پایش با حضور آینده‌پژوهانی است تا با روند کاوی و پیش‌بینی روش‌هایی برای افت تحصیلی و از همه مهم‌تر افت تربیتی این گروه چاره‌ای بیندیشند.







در مسیر  
چند رسانه‌ای شدن



• **شناسایی رویدادهایی که با وجود احتمال ناچیز وقوع، اثر بسیار شدیدی باقی می‌گذارند:** برای مثال، شناسایی درس یا سرفصلی از درسی که همه یا اغلب دانش‌آموزان در فهم آن مشکل دارند. در دوره‌ی ابتدایی، دانش‌آموزان در فهم نشان دادن ضرب کسرها از طریق شکل غالباً مشکل دارند. این مبحث ظاهراً در پایه‌های سوم و چهارم نمره یا سهم چندانی را به خود اختصاص نمی‌دهد، ولی در پایه‌های بالاتر، به‌ویژه در متوسطه، برای یادگیری مبحث مساحت زیر سطح متحنی و محاسبات آماری جزو ضروریات است.

• **اسکن کردن یا رصد منابع اطلاعاتی:** برای مثال شاید ارائه‌ی نمونه‌ای از جدول‌های روند و گذر دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی برای مدرسه‌ها و مناطق خالی از لطف نباشد. در برخی سال‌ها، به‌یک‌باره با هجوم دانش‌آموزان پایه‌ای خاص به یک مدرسه یا منطقه و شهرستان مواجه می‌شویم. عده‌ای که با علم برنامه‌ریزی آموزشی آشنایی ندارند، می‌گویند: «غافلگیر شدیم!». ولی واقعیت این است که تهیه‌ی یک جدول روند و گذر از ورودی، ارتقا یا تکرار پایه‌ی دانش‌آموزان، به ما نشان می‌دهد در سال فلان، با درصد خیلی کمی انحراف از معیار چقدر دانش‌آموز در فلان پایه خواهیم داشت و چرا این قدر باید باشد و... ممکن است وقوع برخی عوامل غیرمترقبه مانند زلزله، جنگ و مهاجرت تعداد پیش‌بینی دانش‌آموزان را تحت‌الشعاع قرار دهد، ولی در شرایط واحدی متعادل و طبیعی این آمارها دقیق‌اند. سال‌ها پیش، در دو منطقه از مناطق آموزشی تهران، پیش‌بینی تعداد دانش‌آموزان در هر دوازده پایه‌ی تحصیلی که پنج سال پیش‌تر از وقوع و حضور دانش‌آموزان صورت پذیرفته بود، حداکثر دو یا سه نفر از آمار مترتب‌شده بیشتر یا کمتر بود. آن سال‌ها، به‌شوخ‌ی به مسئولان مناطق مذکور می‌گفتند: «جادوگر!»، در حالی که سحری در کار نبود و فقط یک آینده‌پژوهی ساده‌ی مبتنی بر روندکاوی صورت پذیرفته بود.

جبرانی و تقویتی را هم به‌عنوان یکی از پیشران‌ها مد نظر قرار داده است. مدرسه در یک منطقه‌ی دوزبانه قرار دارد. مدیر و تیم مدیریتی مدرسه برگزاری کلاس تقویتی ریاضیات را در دستور کار قرار می‌دهند و به‌شدت دنبال برگزاری این کلاس‌ها هستند، ولی پیشرفت چشمگیری در کار مشاهده نمی‌شود. اگر این گروه قدری دقت می‌کردند، متوجه می‌شدند مشکل عمده‌ی دانش‌آموزان این مدرسه، به‌دلیل دوزبانه‌بودن، «خواندن» است و بهتر است کلاس تقویتی خواندن و املا برای آنان برگزار شود؛ روشی که غالباً معمول نیست.

اگر انتظار وقوع اتفاقی کیفی در واحدی آموزشی را دارید، لاقلاً زمانی را به‌اندازه‌ی طول دوره‌ی تحصیلات همان مدرسه در نظر بگیرید. یعنی در یک دبستان، بهترین اتفاقات کیفی آموزشی یا تربیتی در دوره‌های شش‌ساله و در دبیرستان‌های دوره‌های اول و دوم حداقل در دوره‌های سه‌ساله رخ می‌دهند. بنابراین، اینکه می‌گویند تربیت اقدامی زمان‌بر و کند است، پربیراه نیست. اکنون فرض کنید دبستانی افزایش کیفیت آموزشی خود را در یک دوره‌ی شش‌ساله در دستور کارش قرار داده و به‌دنبال استخراج پیشران‌هاست. بعد از مدت‌ها گفت‌وگو، برگزاری کلاس‌های

### تمرین

این تمرین را به دو شکل و برای دو گروه از آموزگاران در نظر گرفته‌ایم:

- اگر بالای ده سال تجربه‌ی آموزشی دارید، یکی از تجربه‌ها، مباحث درسی، اتفاق‌های زندگی کاری، بر خوردهای مدیریتی تیم مدیریتی مدرسه یا مدرسه‌های محل خدمتتان را در نظر بگیرید و روندهای کاری رخ‌داده در ده سال گذشته را استخراج کنید. حال بگویید در همین حوزه‌ای که در نظر گرفته‌اید، اتفاق‌های احتمالی ده سال آینده چه خواهند بود.
- اگر کمتر از ده سال تجربه‌ی کاری دارید، روندهایی را پیش‌بینی کنید که حدس می‌زنید در زمینه‌ی فناوری تدریس رخ خواهند داد.

• **شناسایی پیشران‌ها:** یکی از روش‌های عمده‌ی شناسایی روندها شناسایی پیشران‌هاست. مثال دیگری این مورد را آشکارتر می‌کند. به‌طور معمول می‌گویند

آموزشی  
ابتدایی

فروردین‌ماه

نورده‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۷ | ۱۴۰۱

۱۵

# گلخانه‌ی کاغذی

شنوعزیزی، آراسته کریمیان، شیوا گوران  
آموزگار، کردستان



عید است و وقت کاشتن؛ وقت رویش و سرسبزی.

در درس ۱۱ (بکارید و بینید) از کتاب علوم پایه‌ی سوم ابتدایی، دانش‌آموزان با چگونگی کاشت دانه‌ها در خاک آشنا می‌شوند. اما متأسفانه آن‌ها مرحله‌های شکافته‌شدن پوسته‌ی دانه، جوانه‌زدن و رشد انواع ریشه‌های راست و افشان را که از مباحث اساسی این درس است، نمی‌بینند؛ چون درون خاک پنهان است و قابل مشاهده‌ی مستقیم نیست. اما با ساخت گلخانه‌ی کاغذی، با حذف خاک از محیط، دانش‌آموزان می‌توانند به راحتی انواع ریشه‌های افشان و راست گیاهان را ببینند و نوع دانه و ریشه‌ی مربوط به آن را تشخیص بدهند. همچنین، برای دیدن ریشه‌ها، دیگر مجبور نیستند گیاهان را بچینند و به طبیعت آسیب برسانند. وقتی خود دانش‌آموزان گلخانه‌ی کاغذی (فعالیت دست‌ورزی) می‌سازند، با آن ارتباط بیشتری می‌گیرند و یادگیری تجربی و معنادارتر خواهد شد. از مهم‌ترین مزیت‌های ساخت محیط گلخانه‌ای، استفاده از وسایل ساده، کم‌هزینه و دورریختنی نظیر بطری پلاستیکی شفاف، روزنامه‌ی باطله، اسفنج، پنبه، دانه، قیچی، پرگار یا وسیله‌ی نوک تیز، چسب نواری بزرگ و آب است.

این طرح در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ برای دانش‌آموزان پایه‌ی سوم مدرسه‌ی ما به کار گرفته شد و آن‌ها با توجه به دانه‌ها، چگونگی انواع ریشه‌های مربوط به هر دانه را به راحتی یاد گرفتند. برای آنکه با مراحل کار بهتر آشنا شوید، فیلم آن را تهیه کرده‌ایم. رمزینه را اسکن کنید و با ما همراه شوید.

دبستان «یازبلاغی‌سرا» مدرسه‌ای دولتی است که در منطقه‌ی سرا و ترجان روستای یازبلاغی شهر سقز در استان کردستان قرار دارد و خانم آراسته کریمیان مدیر آن است. مدرسه ۵۶ دانش‌آموز دارد. خانم‌ها شیوا گوران (آموزگار پایه‌های دوم و پنجم)، شنو عزیزی (پایه‌های اول و سوم) آموزگاران این مدرسه هستند.

آزمایشی  
ابتدایی

فروردین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۷ | ۱۴۰۱

۱۶

# خلاقیت با تلفیق



فریبا رحمانی  
آموزگار، دهلران

بین درس‌های پایه‌ی سوم، مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمان به مهارت‌های زندگی و ارزش‌های اخلاقی می‌پردازند و درس هنر نیز زیبایی‌شناسی را بهتر نهادینه می‌کند. من با روش‌هایی از جمله «استقرایی، حل مسئله، فراگیری مفهوم، همیاری، بحث گروهی، کاوشگری، تفکر انتقادی، بارش مغزی و نمایش خلاق» کوشیدم تدریس را با فرهنگ جامعه همسو کنم و ارزش‌های اخلاقی و اسلامی را به خوبی آموزش دهم.

## گزارش تجربه

پاییز آغاز شده بود و من در کسوت معلم وارد مدرسه‌ی شهید بهشتی شده بودم؛ کلاسی ۲۹ نفره با جنسیت پسر و دختر و بسیار شلوغ. روز اول سعی کردم با آنان آشنا شوم. متأسفانه یکی از سرگرمی‌های آن‌ها دیدن سریال‌های ماهواره‌ای بود. آرزوی یکی از دخترها باز یگر شدن و پسرها هم بت‌من، مردعنکبوتی، بنتن و زورو شدن. در میان الگوها هیچ نشانی از یک ایرانی نبود!

دبستان دخترانه-پسرانه‌ی «شهید بهشتی» مدرسه‌ای دولتی است در روستای «شهرک وحدت» شهرستان دهلران در استان ایلام. آقای حمزه کیادی مدیر آن است. مدرسه ۱۴۰ دانش‌آموز دارد و ۶ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۲۴ نفر است. خانم فریبا رحمانی آموزگار پایه‌ی سوم است.

شروع کردم به برنامه‌ریزی برای دادن الگویی مناسب به آن‌ها. در مرحله‌ی نخست اعلان (پوستر) شهدا و امام راحل را روی دیوار نصب کردم و دانش‌آموزان را به نام مقدس شهدا در گروه‌های چهار نفری گروه‌بندی کردم: «سردار جنگل؛ امام‌خمینی (ره)؛ شهید دکتر چمران؛ شهید خلیان فکوری؛ شهید آوینی؛ شهید فهمیده؛ شهید صیاد شیرازی؛ شهید همت؛ شهید بقایی. در میانه‌ی سال هم گل سرسبد شهدا، سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی را به‌عنوان اسطوره‌ی ایثار و شهادت در بالای گروه قرار دادم و دانش‌آموزان با نوشتن شعر، انشا، نقاشی و کاردستی درباره‌ی سردار، قهرمانی خود را از او، برای دفاع بدون چشمداشت او از میهن عزیزمان ایران انجام دادم. حالا آن‌ها با الگویی جدید و ملموس از ایثار و ساده‌زیستی آشنا شده بودند که به امروز تعلق داشت. با نصب پوستر این سردار گران‌قدر در بالای شش‌های دیگر، در حالی که مادرش را در بغل گرفته بود، به آنان درس احترام و قهرمانی از والدین، به‌خصوص مادر را که یکی از درس‌های اجتماعی بود، به‌صورت غیرمستقیم آموزش دادم.

گروه دکتر چمران، وقتی به درجه‌ی علمی ایشان پی بردند، قول دادند بهتر درس بخوانند تا مانند ایشان شوند. و چنان مفتخر شده بودند که وقتی از اداره برای بازدید می‌آمدند،

اعلام می‌کردند، ما گروه دکتر چمرانیم. گروه شهید فهمیده ایشان را الگوی خود قرار دادند و می‌خواستند ادامه‌دهنده‌ی راه ایشان باشند. برای الگوسازی بیشتر، از شهدای کربلا استفاده کردم. با تلفیق درس‌های هنر و هدیه‌های آسمان از محرم و حضرت زینب (س) گفتم. برای آموزش نقاشی از سنگ استفاده کردم. به آن‌ها گفتم سنگ کاربردهای زیادی دارد. با آن می‌شود خانه درست کرد، یا مثل بچه‌های فلسطین با دشمن غاصب جنگید. می‌شود گندم را آسیاب کرد و نان پخت. یا روی آن نقاشی کشید و از زحمات پدر و مادر و بزرگ‌ترها قدردانی کرد. نتیجه‌ی این فعالیت، کارگاهی از سنگ‌های زیبا شد که بازدیدکنندگان را شگفت‌زده می‌کرد. استفاده از سنگ، هم مفهوم ایستادگی در برابر دشمن را به‌صورت غیرمستقیم آموزش می‌داد و هم جلوه‌های زیبایی از هنر و زیبایی‌شناسی را در کلاس نمایان کرد.

پس از چندین ماه، دانش‌آموزان من هر کدام یک قهرمان واقعی داشتند و به جای بت‌من و بنتن و زورو، حاج قاسم و شهید همت و بقایی و صیاد شیرازی و فهمیده را الگو قرار داده بودند. امیدوار هستم، وقتی بزرگ شدند هم همین الگوها را خواهند داشت، چرا که اینان را در کودکی الگو گرفته‌اند.

## گزیده‌ای از سند برنامه‌ی درسی ملی

بر اساس سند برنامه‌ی درسی ملی، راهبردهای یاددهی یادگیری باید بتواند بستری لازم را برای تحقق اهداف برنامه‌های درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت و دستیابی به مراتب از حیات طیبه تدارک ببیند. برای تحقق این مهم، یکی از اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری عبارت‌است از: «فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یکپارچه و معنادار، جهت تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه‌ی شایستگی‌ها فراهم کند.»



گوشه‌ای از فعالیت‌های  
فریبا رحمانی



آموزشی

فروردین ماه  
دوره‌ی بیست و پنجم  
شماره‌ی ۷ | ۱۴۰۱

۱۷

# بازگشت از پایین کوه



محمد چراغی  
راهبر آموزشی، فارس

صبح یک روز زیبای پاییزی راهی مسیر شدم تا طبق روال هر روز از مدرسه‌های بازدید کنم. قرار بود از مدرسه‌ی وحدت روستای جیدرزوار واقع در ارتفاعات تنگ بستانک کامفیروز (استان فارس) بازدید

کنم؛ مدرسه‌های با یک مدیر آموزگار و نه دانش آموز، دانش آموزانی باهوش که هر کدام از دیگری دوست‌داشتنی‌تر هستند. چند سالی است که از این مدرسه بازدید می‌کنم و دانش‌آموزانش مرا می‌شناسند، با دیدن من خوش حال می‌شوند و دوست دارند هر کدام شعری برایم بخوانند تا نشان دهند چقدر پیشرفت کرده‌اند.

برای رسیدن به روستا باید از مسیری صعب‌العبور و کوهستانی و گاه با شیبی تند عبور کرد. جاده‌ای که از میان درختانی بلند و سر به فلک کشیده و در کنار رودخانه‌ای همیشه جاری عبور می‌کند. با وجود این طبیعت بکر و دوست‌داشتنی سختی راه به چشم نمی‌آید. صدای آواز پرندگان، شرشر آب رودخانه، سنگ‌های پوشیده‌شده از خزه، هوای پاک و روح‌نواز و وزش بادی ملایم حال هر رهگذری را از خودبی خود می‌کند. فضای اینجا عالمی دیگر دارد، مگر می‌شود این همه زیبایی را با هم و یکجا دید و به عظمت خالق یکتا پی نبرد.

بعد از طی مسیری چند کیلومتری و شوسه‌ای، ماشینم را در دامنه‌ی کوه رها کردم و پیاده به سمت بالای کوه به راه افتادم. ناخودآگاه محو زیبایی بهشت گمشده شدم. بعد از طی تقریباً یک ساعت و نیم، پیاده‌روی و کوهنوردی نزدیک روستا شدم. از میان درختان سیب و گردو گذشتم تا به روستا رسیدم؛ روستایی کوچک با منازلی بسیار زیبا و ساخته‌شده از خشت و گل به صورت پلکانی و چشمه‌ای جاری شده در کوچه‌های آن و مردمانی بسیار سخت‌کوش و مهمان‌نواز که شغل آن‌ها غالباً دامداری و باغداری است.

وارد مدرسه‌ی وحدت شدم؛ مدرسه‌ای که از دو کانکس تشکیل شده است. دانش‌آموزان با صدای بلند خوش‌آمد گفتند و من هم با معلم و بچه‌ها خوش‌وبش کردم تا خستگی راه از تن بیرون کنم. همان ابتدا زینب شعری برایم





## املاي خوش مزه

اکرم رنجبر کوهدل ، آموزگار

آموزگار پایه‌ی چهارم بودم. ابتدای سال تحصیلی و زنگ املا بود. صدای چند نفر از دانش‌آموزان به گوشم رسید: «خانم، ما اصلاً دوست نداریم. نمی‌شه املا نگین؟» باید کاری می‌کردم که به نوشتن املا علاقه‌مند شوند. گفتم: «بچه‌ها، یک نقاشی بکشید و در آن برای بیست کلمه جای خالی بگذارید.» برایشان جالب بود. همه‌ی دانش‌آموزان یک نقاشی کشیدند. بیست کلمه از متن درس را برایشان گفتم و آن‌ها در جای خالی نوشتند. کمی بدخط و بعضی از کلمه‌ها را غلط و خارج از قسمت‌های مشخص شده نوشتند و تحویل من دادند.

هفته‌ی آینده که املا داشتیم، دیدم هم نقاشی‌ها خیلی بهتر شده است و هم کلمه‌ها درست و داخل محدوده‌ی مشخص شده بودند. گفتم: «چقدر نقاشی و املا تون عالی شده!» بچه‌ها با خوش‌حالی گفتند: «خانم، اول دنبال طرحی فشنگ برای نقاشی مون گشتیم و تمرین کردیم. بعد هم دقت کردیم کلماتی رو که ممکن بود شما در املا بگید، یاد بگیریم. اندازه‌ی هر کدام رو هم به‌صورت تقریبی تو نقاشی مون کشیدیم.»

دو هفته به‌دلیل کمبود وقت به دانش‌آموزان املا نگفتم. هفته‌ی سوم زنگ املا همه‌ی دانش‌آموزان با هم گفتند: «خانم، املا یاد تون نره، راستی ما از املا نوشتن خیلی خوشمون اومده. لطفاً از نمونه‌های دیگه هم بگین. ما آماده‌ایم.»

تا پایان سال دانش‌آموزان از نوشتن انواع املاها لذت بردند و شاهد خلاقیت‌های زیبایی آنان، حتی در ایام تعطیلات، بودم.

خوانند. بعد از او به‌نوبت هر کدام از بچه‌ها رسید. با خواندن شعر و با پاسخ‌دادن به سوالات، توانایی خود را نشان دادند. آقای حسینی مدیرآموزگار مدرسه، از اهالی همین روستاست و چند سالی است ازدواج کرده و در روستای پایینی کوه ساکن شده است. هر روز این مسیر طولانی را برای آمدن به مدرسه طی می‌کند که واقعاً کار طاقت‌فرسایی است؛ به‌خصوص در فصل زمستان که گاهی برفگیر می‌شود.

از ایشان جویای حال دانش‌آموزان کلاس ششم سال گذشته شدم. فهمیدم فاطمه که امسال می‌بایست به کلاس هفتم می‌رفت، به‌خاطر شیوع بیماری کرونا و تعطیل شدن خوابگاه مدرسه‌ی شبانه‌روزی روستای پایینی کوه، در دسترس نبودن اینترنت برای شرکت در کلاس‌های مجازی و از طرفی دوربودن، سختی راه و صعب‌العبوربودن مسیر، متأسفانه ترک تحصیل کرده است.

خیلی ناراحت شدم. تصمیم گرفتم هرطور شده است شرایطی فراهم کنم که ادامه‌ی تحصیل برای او میسر شود. به‌اتفاق آقای حسینی به خانگی فاطمه رفتیم. با پدر و مادر او صحبت کردیم. با اهدای جایزه و نوشتن افزایش، فاطمه را ترغیب کردم ادامه‌ی تحصیل دهد.

قرار شد آقای حسینی هم در آموزش درس‌ها به او کمک کند. با کارشناس متوسطه‌ی اول نیز هماهنگ کردم تا ثبت‌نام در مدرسه‌ی شبانه‌روزی انجام شود و تا زمان بهترشدن وضعیت بیماری کرونا و بازگشایی خوابگاه، فاطمه از طریق بسته‌های آموزشی درسش را ادامه دهد.

فاطمه خیلی خوش‌حال بود. برق شادی در چشمان او دیده می‌شد. من هم از اینکه توانسته بودم کاری کنم تا بیماری کرونا و شرایط سخت مانع از درس‌خواندن فاطمه نشود، بسیار خوش‌حال شدم.

خوانند را به‌خاطر لطف بی‌کرانش سپاسگزارم. امثال فاطمه کم نیستند. امیدوارم همه‌ی دانش‌آموزان سرزمین همیشه سلامت و شاداب و بدون دغدغه به تحصیل مشغول باشند.

آغاز

فروردین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۱۴۰۱۷

۱۹

# هنجارسازی با ورزش

دبستان بسرا نهی شهید وفایی مدرسه‌ای است در استان اصفهان، شهرستان لنجان، شهر زرین شهر. آقای ریحان سلیمانی نژاد مدیر آن است. مدرسه ۳۶۰ دانش آموز دارد و ۱۲ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۰ نفر است. خانم مرضیه سادات سیدهاشمی آموزگار پایه‌ی دوم این مدرسه است.



مرضیه سادات سیدهاشمی  
آموزگار، اصفهان

بسیاری از ناهنجاری‌های جسمی می‌توانند در دوران ابتدایی پیشگیری، شناسایی و درمان شوند. این امکان برای آموزگاران وجود دارد که با اطلاع از چنین ناهنجاری‌هایی، از ایجاد آن‌ها پیشگیری و با توجه به ویژگی‌های ظاهری جسمانی دانش‌آموزان در سال‌های اولیه‌ی دوره‌ی ابتدایی، با آموزش چند حرکت اصلاحی ساده یا ارجاع به درمانگر، آن ناهنجاری‌ها را برطرف کنند.

ستون فقرات چهار قوس دارد. افزایش غیرطبیعی هر یک از این قوس‌ها می‌تواند یک ناهنجاری باشد. برای تشخیص اولیه‌ی ناهنجاری‌های ستون فقرات، چند بررسی ساده را انجام دهید:



## به چی نگاه کنیم؟

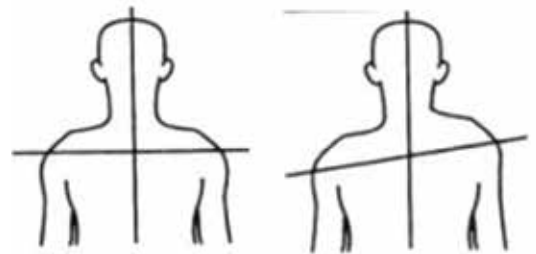
### شانه‌ها

چه ناهنجاری‌ای را تشخیص دهیم؟  
شانه‌ی نابرابر؛ فاصله‌ی شانه‌ها از خط مرجع به یک اندازه نیست.  
راه تشخیص: کمک گرفتن از خط افقی مرجع.

## به چی نگاه کنیم؟

### زانوها

چه ناهنجاری‌ای را تشخیص دهیم؟  
الف) زانوی پرانتزی؛ نگاه به زانوها و بررسی فاصله‌ی بین آن‌ها.  
راه تشخیص: نزدیک بودن مچ پاها و دور بودن زانوها از هم.  
ب) زانوی ضربدری؛ چسبیدن زانوها به هم و فاصله گرفتن مچ پاها از یکدیگر.  
راه تشخیص: نگاه به زانوها و بررسی فاصله‌ی بین آن‌ها



شانه طبیعی

شانه نابرابر

## به چی نگاه کنیم؟



### گردن

چه ناهنجاری تشخیص دهیم؟  
الف) ناهنجاری سر به جلو؛ سر و مهره‌های گردنی جلوتر از مرکز ثقل هستند و در امتداد بدن قرار ندارند.  
راه تشخیص: نگاه از نمای جانبی.  
ب) کج گردنی؛ خمیدگی سر به طرفین.  
راه تشخیص: نگاه از نمای پشت.

## به چی نگاه کنیم؟

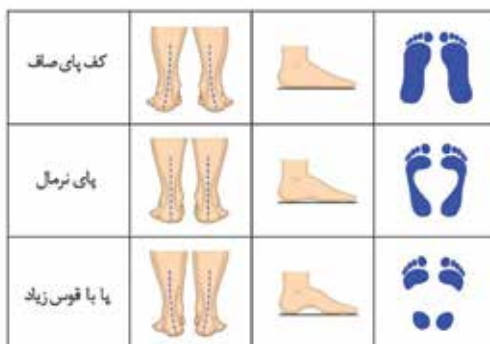
### کمر و کتف

چه ناهنجاری‌ای را تشخیص دهیم؟  
الف) کج‌پشتی یا اسکولیوز؛  
راه تشخیص: قراردادن خط شاقول از نمای پشت به موازات گردن و در امتداد ستون فقرات. بیرون زدگی کتف می‌تواند نشانه‌ی این ناهنجاری باشد.  
ب) گردپشتی یا کایفوز؛ به اصطلاح عامیانه قوز افزایش بیش از حد و انحنای رو به بیرون بدن.  
راه تشخیص: نگاه از نمای جانبی.  
ج) گودپشتی یا هایپرلوردوز؛ افزایش بیش از حد انحنای گودی کمر.  
راه تشخیص: نگاه از نمای جانبی.  
د) پشت صاف؛ کاهش میزان طبیعی قوس کمر.  
راه تشخیص: نگاه از نمای جانبی.

## به چی نگاه کنیم؟

### کف پا

چه ناهنجاری‌ای را تشخیص دهیم؟  
الف) کف پای صاف؛ کاهش یا از بین رفتن قوس طولی پا.  
راه تشخیص: ثبت نقش پا با خیس کردن پا و راه رفتن روی آسفالت.  
ب) کف پای گود؛ افزایش غیرطبیعی قوس طولی؛  
راه تشخیص: ثبت نقش پا با خیس کردن پا و راه رفتن روی آسفالت.  
ج) انگشت شست کج؛ تمایل انگشت بزرگ به سمت انگشت دوم.  
راه تشخیص: نگاه کردن دقیق به انگشت بزرگ  
د) انگشت چکشی؛ خم شدن بند میانی انگشتان و باز شدن مفصل بین بندهای دوم و سوم؛  
راه تشخیص: مشاهده‌ی پینه روی مفصل میانی انگشتان.



# یادگیری من و دانش آموزانم

## تأثیر کارآمدی آموزگار بر افزایش اعتماد به نفس و کاهش غیبت و ترک تحصیل

شکوفه رنجبر گلشواری  
آموزگار، قشم

گروه‌های سه‌نفری بفرستند و سرگروه‌ها تکلیف‌ها را، با نظارت من، بررسی و رفع اشکال کنند. به‌غیر از بررسی تکلیف و رفع اشکال درسی، رفع اشکال نرم‌افزارهایی که دانش‌آموزان با آن‌ها کار می‌کردند نیز در این گروه‌ها انجام می‌شد. با نظرسنجی از اولیا و دانش‌آموزان، یک روز در میان، ساعتی را برای آموزش کار با نرم‌افزارها و رفع اشکال گذاشتیم. کم‌کم شروع کردیم به ساخت محتوای کوتاه با صدای دانش‌آموزان. این کار برای بچه‌ها تازگی داشت. سعی می‌کردند در ساخت محتوا خلاقیت داشته باشند و حتی با هم همکاری کنند. قرار شد بچه‌ها به‌جای انجام تکلیف آخر هفته، کار جالبی انجام دهند. آخر هر هفته کتابی را تعیین و مبحثی از مباحث همان کتاب را مشخص می‌کردم که در طول هفته تدریس شده بود، مثلاً ریاضی مبحث جمع کسرها. دانش‌آموزی که امکانات تولید محتوا را با استفاده از گوشی یا رایانه داشت، این مبحث را با توجه به امکاناتش آماده می‌کرد و روز شنبه ارائه می‌داد. بچه‌هایی که امکانات فناورانه نداشتند هم با استفاده از آنچه در اختیارشان بود، مثل تخته

آموزگاری ۳۳ ساله‌ام، با ۱۷ سال سابقه‌ی کار. عاشق آموختن و یاد دادن هستم. تاکنون، در این مسیر، تلاش کرده‌ام خودم هم با بچه‌ها آموزش ببینم. از این‌رو، همیشه همراه با سؤال‌هایی که دانش‌آموزان می‌پرسند و برای رفع کنجکاوی آن‌ها، من هم شروع به مطالعه می‌کنم. اگر سؤالی پرسیده می‌شد و من درباره‌ی آن اطلاعاتی نداشتم، در حضور بچه‌ها، با استفاده از سیستم هوشمند مدرسه، در مورد همان سؤال تحقیق می‌کردم و از این طریق، روش درست جست‌وجو کردن در اینترنت را هم به آنان یاد می‌دادم. علاوه بر این، خودم با آموزش‌های جدید به‌روز می‌شدم، دانش‌آموزانم را نیز تشویق می‌کردم در زمینه‌ی نرم‌افزارهای مهم و کاربردی مثل «کامتاز، اینشات، پاورپوینت و ویسوا» آموزش ببینند و با استفاده از این نرم‌افزارها محتوایی درسی با صدا و تصویر خودشان برای کلاس آماده کنند. این موضوع تأثیر بسیار خوبی در افزایش اعتماد به نفس آن‌ها داشت.

امسال، در آموزش مجازی، همین روش را ادامه دادم. راه بسیار سختی بود. نخست نرم‌افزارهای مناسب را به دانش‌آموزانم معرفی کردم، اما قبل از آن، خودم روی این برنامه‌ها تسلط لازم و کافی را یافتم.

سپس بچه‌ها را در گروه‌های سه‌نفری قرار دادم. قرار شد آن‌ها تکلیف‌هایشان را در همان

دبستان پسرانه‌ی شهید مطهری مدرسه‌ای است که در استان هرمزگان، شهرستان قشم قرار دارد و آقای جمالی مدیر آن است. مدرسه ۴۵۰ نفر دانش‌آموز دارد و ۱۳ کلاس درس. جمعیت تقریبی هر کلاس ۳۴ نفر است. خانم شکوفه رنجبر آموزگار پایه‌ی چهارم است و در کلاسش ۳۹ دانش‌آموز دارد.





## پرسش‌نامه

بسمه‌تعالی  
دانش‌آموزان عزیز  
پرسش‌نامه‌ای که در اختیار دارید،  
به‌منظور «سنجش میزان تأثیر روش  
تدریس و مدیریت معلم بر افزایش  
رغبت دانش‌آموزان در کلاس برخط»  
طراحی شده است. خواهشمند است  
با دادن پاسخ‌های صادقانه در زمینه‌ی  
عملکرد خود و آموزگار در کلاس،  
همکاری لازم را مبذول فرمایید.  
با عبارتهای «خیلی زیاد، زیاد،  
متوسط و کم» به سؤالات پاسخ بدهید.

جنسیت: .....

پایه‌ی تحصیلی: .....

سال تحصیلی: .....

رضایت شما از روند برگزاری کلاس  
برخط امسال چقدر است؟

یادگیری شما در زمانی که خودتان  
درس را ارائه داده‌اید، تا چه اندازه  
عمیق بوده است؟

روش تدریس معلم چقدر در حضور  
به‌موقع شما در کلاس درس مجازی  
تأثیرگذار بوده است؟

اخلاق معلم چقدر در میل و رغبت شما  
برای شرکت به‌موقع در کلاس مجازی  
تأثیر داشته است؟


یادگیری شما از درس‌هایی که  
هم‌کلاسی‌هایتان ارائه کرده‌اند، تا چه  
اندازه بوده است؟

آموزش نرم‌افزارهای کاربردی چقدر در  
یادگیری درس‌ها به شما کمک کرده  
است؟

استفاده‌ی معلم از نرم‌افزارهای  
کاربردی چقدر در یادگیری درس‌ها به  
شما کمک کرده است؟

به‌روزرسانی اطلاعات معلم و تسلطش بر  
موضوع تدریس تا چه میزان بر سرعت  
یادگیری شما مؤثر بوده است؟

با سپاس فراوان

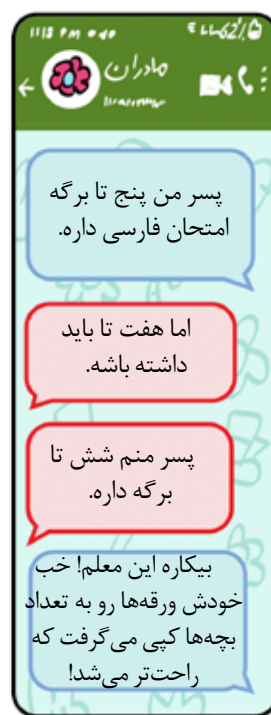


و حتی صفحه‌ی دفتر، لگو،  
نمد و اسباب‌بازی‌هایشان، تدریسی  
عالی را انجام می‌دادند. آن‌ها از خودشان  
فیلم می‌گرفتند و می‌فرستادند. دانش‌آموزانی  
که در آن هفته نوبت تدریسشان نبود، باید  
موضوع مشخص‌شده را مطالعه می‌کردند تا  
بتوانند در روز شنبه در پرسش‌وپاسخ شرکت  
و به دوستان هم‌گروهی خود در فهم بیشتر  
مطلب کمک کنند. در این بین اولیا هم به  
کمک ما آمدند و در تدریس ایده‌های جالبی  
را پیشنهاد دادند که بر جذابیت کار افزود. این  
مسیر تمرینی شد برای افزایش اعتمادبه‌نفس،  
مسئولیت‌پذیری، نظم و تمرین سخنوری  
دانش‌آموزان. بازخوردهای مثبتی که بچه‌ها از  
من و هم‌کلاسی‌های خود دریافت می‌کردند،  
آنان را برای ادامه‌ی کار ترغیب می‌کرد، تا آنجا  
که خودشان می‌توانستند در آموزش نرم‌افزارها  
به دوستانشان کمک کنند.  
از آنجا که دانش‌آموزانم در زمینه‌ی نرم‌افزارها  
آموزش دیده‌اند، در مسابقات به‌خوبی شرکت  
می‌کنند و از این طریق انگیزه‌ی بیشتری برای  
یادگیری به دست می‌آورند.  
این‌گونه است که شاگردان من به‌راحتی مقابل  
دوربین می‌روند، خیلی خوب صحبت می‌کنند  
و سخنرانی و تدریس می‌کنند.  
با این فعالیت‌ها، دانش‌آموزانم تا حد مطلوبی  
به کلاس درس علاقه‌مند شده‌اند و غیبت‌های  
آن‌ها به‌حداقل رسیده است. در پایان سال  
هم پرسش‌نامه‌ای را به‌منظور سنجش روند  
کار امسال طراحی کردم تا میزان رضایت و  
موفقیت کارم را بسنجم.

# از روی غلطها

کبری محمودی

تصویرگر: سام سلماسی



۷

پسر شما باید پنج برگه‌ی فارسی و هفت برگه‌ی ریاضی و شش تا هم علوم داشته باشد!

۸

همین دیگه. گیج شدن بچه‌ها!

۹

هر بچه‌ای به تعداد امتحان‌های کلاسی که داده، برگه داره. قراره هر کسی برگه‌هاش رو مرور کنه و ببینه جواب‌های غلطش کدوما بودن؟

حالا می‌خواین غلطای بچه‌ها رو به روشن بیارین؟

۱۰

روزهای پایانی و جمع‌بندی آموخته‌هاست. روزهای نتیجه‌گیری. اگر ارزشیابی توصیفی درست انجام بشه، بچه‌ها خودشون متوجه می‌شن چی رو یاد گرفتن و چی رو نه.

مهارت‌های خوانداری: گوش دادن، سخن گفتن و خواندن  
مهارت‌های نوشتن: درست نویسی و املا، نگارش و انشا

فارسی

۱۱

فکر می‌کردم خیلی خوب یاد گرفتیم معلمی کنم، اما انگار حالا خیلی راه مونده!

این طوری معلوم می‌شه این بچه چرا تو فارسی ضعیفه؟

خانم معلم چه کمکی از دست ما برمی‌یاد؟

۱۲

با بچه‌ها همراهی کنید، اما به جاشون مسئله حل نکنید.

۱۳

ای بابا! چرا توی هر سه تا برگه‌ی فارسی، کلمه‌های «خواننده و خاهر» رو غلط گرفته خانمون؟! بذار ببینیم درستشون چه شکلیه؟! وای! صحبت رو هم نوشتیم «صبحث»! عجب حواس پرتیم من!

حالا خوبه فهمیدی. تو امتحان بعدی دیگه غلط نمی‌نویسی.

برم برگه‌های ریاضیم رو هم ببینم، شاید فهمیدم کجاها غلط دارم؟

# همه چیز آرام است!

## آموزگار و مهارت مدیریت هیجان در کلاس درس



لیلا سلیمه دار  
برنامه‌ریز درسی

وجود معلمی متبسم و دانش‌آموزانی با روان آرام از جمله ویژگی‌های خوب کلاس درس است. این موضوع وقتی بیشتر حس می‌شود که با معلمی عصبی و دانش‌آموزانی ملتهب مواجه شویم. در کلاسی که ظرفیت رفتاری محدودی دارد و به اصطلاح مدیریت هیجان در آن جاری نیست، دانش‌آموزان احساس امنیت روانی کمتری دارند و به همین دلیل، ارتباط که مهم‌ترین عنصر در فرایند یاددهی یادگیری است، دچار مشکل می‌شود. از این رو، مدیریت هیجان در کلاس بسیار ضروری است.

### هیجان

هنگامی که از هیجان سخن به میان می‌آید، چه رفتارهایی در ذهن شما شکل می‌گیرند؟ به‌طور حتم، تصویر ایجادشده برای هر از مخاطبی می‌تواند متفاوت باشد، زیرا گستره‌ی هیجان، باز و پدیده است. با نگاه بر تعریف‌هایی که در متون و منابع از هیجان آمده است درمی‌یابیم، زندگی بدون هیجان، شبیه فیلمی بدون داستان است. به‌نوعی هیجان همان همراه دائمی انسان در فراز و فرود زندگی است. برای مثال، در تعریفی آمده است: «هیجان واکنشی است که تعامل بین عوامل ذهنی محیطی و فرایندهای عصبی و هورمونی را شامل می‌شود.» در تعریف دیگری می‌خوانیم: «هیجان پاسخ‌های کاراندام‌شناختی (فیزیولوژیکی) و روانی است که ادراک یادگیری و عملکرد ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.» به نظر شما و با این نگاه هیجان‌ها در چه زمانی و چگونه باید مدیریت شوند؟

### هیجان خوب و بد در کلاس!

به‌طور معمول در مدیریت هیجان این تصور ایجاد می‌شود که هیجان دو جنبه و شکل خوب و بد دارد، به‌گونه‌ای که هیجان بد باید مدیریت و

کنترل شود، ولی هیجان خوب این‌طور نیست. دسته‌بندی هیجان‌ها به این صورت منطقی نیست، زیرا اگر بپذیریم هیجان توجه فرد را کنترل می‌کند و بر انگیزش او برای یادگیری، انتخاب راهبردهای یادگیری و خودتنظیمی یادگیری اثر می‌گذارد، بنابراین باید بپذیریم که هیجان‌ها بخشی از هویت دانش‌آموزانند و بر رشد شخصیت، سلامت روان‌شناختی و سلامت جسمانی آنان تأثیر می‌گذارند. از این رو نمی‌توانند در دو دسته کلی خوب و بد قرار گیرند. به برشی از سفر هیجانی دانش‌آموزان در فرایند یاددهی یادگیری توجه کنید:

فرایند یاددهی یادگیری موقعیتی سرشار از رخدادهای هیجانی است. برای مثال، ممکن است دانش‌آموزان با مطالعه برانگیخته شوند یا با کسب موفقیت بسیار امیدوار شوند و نسبت به دستاوردهایشان احساس غرور کنند، از کشف راه حل مسئله‌ای شگفت‌زده شوند، به‌هنگام شکست در امتحانات اضطراب و نگرانی را تجربه کنند، از کسب نمره‌ی پایین شرم‌منده یا در خلال درس بی‌حوصله شوند، هیجان‌های اجتماعی مانند تحسین، همدلی، عصبانیت، بی‌احترامی یا حسادت را نسبت به هم‌کلاسی‌ها تجربه کنند.

با این اوصاف تمام هیجان‌ها بر یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارند و نمی‌توانیم آن‌ها را به دو دسته‌ی خوب و بد تقسیم‌بندی کنیم. در عین حال اهمیت دارد معلم هیجان‌ها را در کلاس به‌شیوه‌ی درستی هدایت کند.

### هیجان در نگاهی دیگر

هر چند هیجان‌ها را نمی‌توان به‌شکل منفی و مثبت طبقه‌بندی کرد، اما بدیهی است هیجانی مانند ترس در کنار شادی و خوشحالی نمی‌تواند قرار بگیرد و هر کدام از آن‌ها به مدیریت خاصی نیاز دارند. به‌منظور شناسایی بهتر مواجهه‌ی

### هیجان مثبت



### هیجان منفی



معلم با هر یک از هیجان‌ها، در ادامه به‌طور مختصر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### شادی

از آنجایی که این هیجان موجب می‌شود علاقه‌ی بیشتری به بودن در کنار دیگران داشته باشیم، بنابراین لازم است در کلاس تجربه‌ی این هیجان برای دانش‌آموزان افزایش پیدا کند. این عاطفه‌ی مثبت از طریق «کسب موفقیت تحصیلی» یا دریافت نشانه‌های مثبتی بر یک «رابطه‌ی خوب اجتماعی» ایجاد می‌شود و کلاس درس و رخدادهای مرتبط با آن می‌تواند زمینه‌ی این تجربه‌ها را فراهم آورد. برای این منظور کافی است دانش‌آموز و توانایی‌هایش در مقایسه با خود او بررسی شوند و معلم تلاش کند هم‌روزه طعمی از پیشرفت یا موفقیت‌های خرد و بزرگ را برای دانش‌آموزان نمایان کند. ارائه‌ی تکلیف‌ها و فعالیت‌های یادگیری در سطح‌های گوناگون که به دانش‌آموز حق انتخاب می‌دهد، نمونه‌ای از این تلاش است تا بر اساس آن، یادگیرنده مطابق با توان خود، موفق شدن در انجام فعالیت یادگیری را تجربه کند.

### خوش‌بینی و امید

«خوش‌بینی» نشان‌دهنده‌ی نگرش مثبت یا آمادگی برای رخ دادن اتفاقات خوب است و به‌موجب آن رفتارهای هدفمند آشکار می‌شوند. در چنین حالتی، دانش‌آموز می‌تواند تلاش



درباره‌ی تفکر انتقادی



نقش هیجان در یادگیری



کلاس مربوط است، مواردی نیز وجود دارند که به طراحی آموزشی و عملکرد معلم مربوط می‌شوند. نمونه‌هایی از این موارد در ادامه آمده‌اند:

- تغییر برنامه‌ها بدون اطلاع قبلی؛
- نداشتن برنامه‌ریزی و زمان‌بندی درست؛
- پایبند نبودن به قول داده‌شده؛
- مقایسه‌ی بین دانش‌آموزان؛
- ایجاد رقابت ناسالم در کلاس؛
- نشنیدن و توجه‌نکردن لازم به دانش‌آموزان؛
- مورد بی‌اعتنایی قرار دادن؛
- مورد انتقاد نادرست قرار گرفتن.

زمانی که دانش‌آموز دچار هیجان «خشم» است، تنها به‌هدف از بین بردن عامل خشم فکر می‌کند و نمی‌تواند به راه‌حل درست موضوع بیندیشد. به همین دلیل خشم از موانع یادگیری و پیشرفت تحصیلی به حساب می‌آید.

### غم

غم یکی از منفی‌ترین و آزاردهنده‌ترین هیجان‌ها محسوب می‌شود که معمولاً به‌دلیل حس از دست‌دادن یا شکست به وجود می‌آید. یکی از دلایلی که از معلمان خواسته می‌شود دانش‌آموزان را با یکدیگر مقایسه نکنند، حس غمی است که ایجاد می‌شود. در مسیر یادگیری چیزی به‌عنوان شکست وجود ندارد، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی بسیار اهمیت دارد معلم باور کند مسیر برای آموختن کودک باز است. بسیار به هنرمندی معلم وابسته است که چگونه فرایند یاددهی‌یادگیری را طراحی کند تا دانش‌آموز بتواند به تناسب توان خود، سهمی از یادگیری را بردارد.

### کوتاه سخن

شناخت هیجان‌ها توسط دانش‌آموزان، دعوت به بیان هیجان خود، تعاملات با یکدیگر و خودارزگاری درست در زمینه‌ی هیجان‌ها از جمله مواردی است که علاوه بر فرایند یاددهی‌یادگیری مبتنی بر طراحی آموزشی، می‌تواند به معلم کمک کند تا مدیریت هیجان را در دانش‌آموزان نیز رشد دهد. دانش‌آموزان با راهبری معلم خود می‌آموزند، به‌جای سرکوب هیجان خود یا نادیده گرفتن آن، لازم است متوجه هیجان خود شوند و تلاش کنند از آن به‌درستی استفاده کنند، مانند زمانی که حس خشم دارند. به‌طور قطع توجه به دلایل خشم ایجادشده به او کمک می‌کند آن را مدیریت کند.

شاید اصلی‌ترین کار معلم در ارتباط با فرایند یاددهی‌یادگیری، ایجاد علاقه‌ی دانش‌آموز به یادگیری، محتوای درسی، فعالیت یادگیری و دیگر اجزای آن است. به این ترتیب از طریق این هیجان مثبت، سازندگی در یادگیری و نیز پیشرفت تحصیلی به دست می‌آید.

### ترس

هنگامی که احساس کنیم در موقعیت خطرناکی قرار داریم که آن موقعیت امنیت جسم یا روانمان را تهدید می‌کند، دچار هیجان «ترس» می‌شویم. شاید شما هم تجربه کرده باشید، در حین ترس، ممکن است واکنش مناسبی به موقعیت ندهیم، زیرا این هیجان مانعی در مسیر یادگیری و یادآوری است. هر چند در خصوص برخی تهدیدها نقش هشدار را بازی می‌کند، اما فرد را به موضع دفاعی می‌برد. در واقع این شرایط چندان با مسیر یادگیری سازگاری ندارد. بدیهی است رفتارهایی که در آن مقایسه، تهدید، تحقیر، تخریب شخصیت و مواردی از این جنس است، موجب ایجاد هیجان ترس می‌شود و مسیر یادگیری را با اختلال مواجه می‌کند.

### خشم

خشم گاه با پرخاشگری، جاروجنجال، دعوا و ناسزاگویی همراه است. این هیجان به‌طور معمول بر موقعیتی مبتنی است که در آن اوضاع آن‌گونه نیست که باید باشد. برای تعیین اینکه چگونه خشم در کلاس درس ایجاد می‌شود، به‌جز مواردی که به اتفاقات خارج از

برای دریافت نتیجه‌ی مناسب را به‌عنوان راهکاری در دسترس تصور کند و از این طریق از تسلیم شدن دوری می‌کند.

گفتار و برخی از رفتارهای معلم می‌تواند این هیجان را در دانش‌آموزان تقویت کند. به نمونه جمله‌های زیر توجه کنید:

- مهم این است که تلاش کنیم؛
- قبلاً هم توانسته‌ای شبیه این کار را انجام دهی؛
- از اینکه تمام تلاشت را می‌کنی، خیلی خوش‌حالم.

این قبیل جمله‌ها بیش از هر چیزی حس خوب امیدواری را همراه دارند. در کنار این رفتار لازم است معلم با طراحی درست آموزشی، گام‌های اجرایی مناسبی را برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم کند. از این طریق، تجربه‌ی موفقیت در یادگیری و حس خوب آن موجب می‌شود آن‌ها با امیدواری بیشتری به ادامه‌ی راه بپردازند. در این میان، جملات تأییدی و تشویقی و فعالیت‌های مبتنی بر ایجاد انگیزه نیز کارکرد تقویت هیجان «امیدواری» را دارند.

### علاقه

کلاس درس مبتنی بر خلاقیت، کارهای عملی، فعالیت‌های یادگیری کاربردی و نیز اقداماتی که برای دانش‌آموزان جذاب و جالب هستند، تأثیر بسزایی در افزایش علاقه‌ی آن‌ها به درس و تحصیل دارند. از این طریق هیجان «علاقه‌مندی» را نشانه‌گیری می‌کنند. علاقه‌ی فرد به یک فعالیت تعیین می‌کند چه مقدار به آن توجه نشان دهد و اطلاعات مربوط را چگونه پردازش و درک کند. با این نگاه،



# خویش‌انگیزی



فاطمه دولتی

کارشناس تعلیم و تربیت

گاهی اوقات آدمی با اینکه می‌داند چه کاری درست است و زمینه‌ی توسعه‌ی فردی و اجتماعی او را فراهم می‌کند، اما انگیزه‌ی کافی برای انجام کار ندارد یا نمی‌داند چطور کار خوب را به عادت تبدیل کند. در مطالب پیشین، شش ساحت تربیتی معرفی و توضیح داده شدند. حال می‌خواهیم به این مطلب بپردازیم که چگونه و چطور پایبند به انجام این ساحت‌ها باشیم و آن‌ها را به فراموشی نسپاریم.

## قدم به قدم

می‌گویند سنگ بزرگ علامت نزدن است، پس اگر یک فهرست بلندبالا از اهداف داشته باشید، تنها اتفاقی که می‌افتد این است: استرس می‌گیرید و رسیدن به هدف را به بعد موکول می‌کنید. اما اگر قدم‌به‌قدم و یکی‌یکی به اهدافتان فکر کنید، شدنی‌تر خواهند بود. می‌توانید روی یکی تمرکز کنید، به آن برسید و سراغ بعدی بروید. اگر نتوانید روی یک هدف خاص تمرکز کنید، نمی‌توانید روی خودتان متمرکز شوید پس انگیزه‌ای در کار نخواهد بود. مثلاً در رابطه با ساحت تربیت علمی و فناوری، ابتدا از خواندن کتاب‌های کم‌حجم علمی و دیدن مستندهای جذاب شروع کنید. اگر ابتدای کار به سراغ چند مبحث پیچیده بروید، هیچ‌وقت در این ساحت رشد نمی‌کنید و به‌زودی دلسرد خواهید شد.

## جایزه‌های کوچک

در بعضی مواقع رسیدن به هدف انتخابی ماه‌ها طول می‌کشد. پس تا رسیدن به احساس رضایت از خودتان راه درازی وجود دارد. از آنجایی که آدمی حوصله‌ی کمی دارد، شما باید برای خود احساس رضایت و خشنودی فوری درست کنید. پس برای ادامه‌ی راه به خودتان بگویید: «حالا که زندگی فوراً چیزی را به ما نمی‌دهد تا خوش‌حالمان کند، پس خودمان به خودمان پاداش بدهیم.» نقاط هدف تعیین کنید و به هر کدام که رسیدید به خودتان جایزه بدهید. مثلاً در ساحت تربیت زیستی و بدنی، اگر توانستید دو هفته خوردن مواد غذایی ناسالم را کنار بگذارید، خود را به





یک رستوران سنتی دعوت کنید. یا اگر بیست روز پیاده‌روی تان ترک نشد، برای خودتان بلوز، روسری، عطر یا کتاب دلخواهتان را بخرید.

#### همراه و هم‌پا

شخصی را پیدا کنید تا برای رسیدن به هدف، شانه‌به‌شانه‌ی شما حرکت کند. اگر برای ایجاد عادت‌های خوب در خودتان چنین کسی را پیدا کنید، شما را نسبت به هدفی که دارید متعهد نگه می‌دارد و شما هم او را در رسیدن به هدف یاری خواهید کرد. حس رقابت می‌تواند موتور انگیزه شما برای تلاش کردن روشن نگه دارد. اگر رفاقت در کنار رقابت وجود داشته باشد، می‌توانید تجربه‌های خودتان را به طرف مقابل منتقل کنید و او هم همین کار را انجام بدهد. به این ترتیب، رقابت باعث تلاش بیشتر و انتقال تجربه‌ها باعث زودتر رسیدن به هدف می‌شود. مثلاً در ساحت اقتصادی و حرفه‌ای، اگر دوستی داشته باشید که با هم برای خرج‌های ماهیانه‌تان برنامه بریزید و با هم به فکر پس‌انداز، کمک به خیریه، یا یادگرفتن مهارتی جدید

در انتظار شماسست، انگیزه‌تان را تقویت خواهد کرد.

#### دفتر چه‌ی همیشه همراه

انسان‌ها به‌طور طبیعی تمایل به عینی کردن همه‌چیز دارند. اگر شما بدانید چه اندازه پیشرفت کرده‌اید، انگیزه‌ی بیشتری خواهید داشت. پس یک دفترچه‌ی مخصوص برای هدف‌تان داشته باشید. کارهای انجام‌شده را یادداشت و مدام اوضاع را بررسی کنید تا پله‌پله به هدف‌تان برسید. مثلاً در ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، همین که توانسته‌اید چند داستان کوتاه بخوانید یا کمی از خاطرات روزانه‌تان را بنویسید، امیدبخش است، برای امروز چه برنامه‌ای دارید؟ رفتن به طبیعت؟ دیدن یک نمایش؟ تماشای یک اثر ساخت دست؟ امروز را آن‌طور که هست درک کنید و کارهایی را که می‌خواهید، انجام دهید. بجنید و تنبلی نکنید! فردا هم کارهای دیگری برای انجام دادن وجود دارد.

#### خب که چی؟

وقتی انرژی ندارید یا بی‌انگیزه هستید، به‌راحتی علت انجام کارها را فراموش می‌کنید و حین شروع یا انجام کار مدام از خود می‌پرسید: «خب که چی؟» پس بهتر است هر چند روز، دو دقیقه وقت بگذارید و سه دلیل اصلی برای انجام کار مورد نظرتان را بنویسید. این نوشته را جایی بگذارید که بتوانید هر روز ببینید یا آن را در گوشی خود ذخیره کنید. علت و چرایی اهداف‌تان را همیشه به خود یادآور شوید. مثلاً در ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی به خود یادآوری کنید که چرا نماز اول وقت می‌خوانید؟ چرا به دنبال رعایت حقوق دیگران هستید؟ و به چه علت می‌کوشید صبوری، مهربانی، گذشت، عدالت و... را در خود نهادینه کنید؟ پاسخ به این سؤال‌ها و اینکه بدانید چه نتیجه‌ای

معصومه فروش  
برنامه ریز درسی



# هم آموزی از هم پایه و دگر پایه

نگاهی به راهبردهای یاددهی یادگیری  
در کلاس های چندپایه

انتخاب راهبردهای یاددهی یادگیری و روش های تدریس، متأثر از رویکردهای گوناگونی است که معلمان برای توسعه دانش، مهارت و نگرش دانش آموزان به کار می گیرند. این امر شامل همه فنون متعددی است که برای تسهیل یادگیری در کلاس استفاده می شوند. در این مقاله، ابتدا رویکردهای یاددهی یادگیری در کلاس های چندپایه و در ادامه انواع راهبردهای یاددهی یادگیری مبتنی بر این رویکردها معرفی می شود. این راهبردها شامل روش هایی است که انعطاف دارند و به معلم اختیار بیشتری می دهند.

## رویکردهای یاددهی یادگیری در کلاس های چندپایه

الف) رویکرد آموزش مستقیم (توضیحی): در این رویکرد از روش توضیحی یا سخنرانی بهره گرفته می شود و به طور معمول در کلاس های چندپایه فراوان مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش معلم صحبت می کند و دانش آموزان گوش می دهند. پس از سخنرانی معلم، دانش آموزان تکلیف های فردی را کامل می کنند. نقش یادگیرنده در تدریس توضیحی معمولاً منفعل است، مگر زمانی که به سؤال های معلم پاسخ می دهد. از این روش برای توضیح، توصیف یا نشان دادن مهارت عملی، انتقال اطلاعات و روشن سازی مفاهیم استفاده می شود.

هنگام آموزش در کلاس های چندپایه، اگر موضوع مورد نظر مشخص باشد، استفاده از رویکرد توضیحی امکان پذیر است، به شرط آنکه معلم مدت کوتاهی را صرف تشریح موضوع کند. توصیه می شود معلمان برای توضیح موضوع در یک پایه چند دقیقه وقت بگذارند. سپس اجازه دهند که دانش آموزان آن پایه تکلیف های فردی خود را انجام دهند. در این هنگام معلم می تواند با پایه دیگری کار کند. در این رویکرد معلمان باید





● دانش‌آموزان در پایان درس باید بتوانند چه کاری انجام دهند؟ (اهداف و انتظارات)  
 ● چه تجربه‌هایی از یادگیری باعث می‌شود دانش‌آموزان بتوانند به این اهداف برسند؟ (برنامه‌ها، فعالیت‌های یادگیری و ...)

● چقدر زمان نیاز است تا دانش‌آموزان بتوانند یاد بگیرند و به اهداف دست یابند؟

● چگونه معلم بر فرایندهای یادگیری نظارت می‌کند؟ (ارزشیابی)  
 ● چگونه معلم مطمئن شود که دانش‌آموزان به اهداف یادگیری دست پیدا کرده‌اند؟ (ارزشیابی)  
 با پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها راهبردهای متفاوتی را می‌توان انتخاب کرد، برخی از این راهبردها برای کلاس‌های چندپایه عبارت‌اند از:

- راهبرد محوری، گروهی و ترکیبی؛
- راهبرد یادگیری مشارکتی؛
- راهبرد طراحی آموزشی مبتنی بر هدف مشترک؛
- راهبرد طراحی آموزشی تلفیقی بر مبنای مفاهیم همگن<sup>۱</sup> دوره اول و دوم ابتدایی؛
- راهبرد یادگیری و کلاس معکوس؛
- راهبرد طراحی بسته‌ی یادگیری خودآموز و ویژه‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی دوم ابتدایی؛
- آموزش راهبردهای یادگیری به دانش‌آموزان<sup>۲</sup> با رویکرد کمک به معلم در مدیریت زمان.

در شماره‌ی بعد راهبردهای «محوری، گروهی و ترکیبی» را معرفی خواهیم کرد.

**پی‌نوشت‌ها**

۱. مفاهیم همگن مفاهیم اصلی و مشترک موجود در مواد درسی دوره‌ی اول یا دوم ابتدایی هستند. به‌گونه‌ای که در همه یا حداقل دو ماده‌ی درسی از چند پایه‌ی متعدد (دو پایه یا بیشتر) به آن پرداخته شود و مضمون مشخص و به‌نسبت محدود و قابل طراحی آموزشی برای یک واحد یادگیری داشته باشد.

۲. منظور آموزش راهبردهایی به دانش‌آموزان است که به آن‌ها کمک می‌کند خودیادگیری با بسط و عمق بیشتری صورت بگیرد.

را یاد بگیرند. برخی از نمونه‌های روش‌های کاوشگری شامل انجام پروژه‌ها، نوشتن خلاق، گردش علمی و همچنین آزمایش و تجربه است. رویکرد کاوشگری به برنامه‌ریزی و آماده‌سازی دقیق توسط معلم نیازمند است (همان، ص ۳۰).

**راهبردهای یاددهی‌یادگیری در کلاس‌های چندپایه**

به‌دلیل فرصت کمی که در کلاس‌های چندپایه برای هر پایه در یک جلسه‌ی آموزشی وجود دارد، لازم است معلم محیطی را برای یادگیری طراحی کند تا شرایط و موقعیتی را فراهم سازد که دانش‌آموزان بتوانند حداکثر استفاده را از زمان یک جلسه‌ی آموزشی ببرند. اتخاذ دو رویکرد توضیحی و کاوشگری به مدیریت زمان در کلاس‌های چندپایه کمک می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که رویکردهای متفاوت برای سازماندهی فرایند یاددهی‌یادگیری به راهبردهای گوناگونی نیاز دارد. ضروری است معلمان برای تشخیص و برنامه‌ریزی راهبردهای مورداستفاده ابتدا این سؤال‌ها را از خود بپرسند:

منابع را آماده کنند تا دانش‌آموزان بتوانند به‌طور مستقل کار کنند. با این حال یکی از محدودیت‌های مهم این رویکرد این است که امکان دارد، خودانگیز نباشد، زیرا دانش‌آموزان را به فعالیت و خلاقیت در یادگیری تشویق نمی‌کند (راهنمای عمل معلمان کلاس‌های چندپایه‌ی گامیبا، ۲۰۰۸).

**ب) رویکرد آموزش غیرمستقیم (کاوشگری):** کاوشگری به‌معنای پیدا کردن اطلاعات و یافته‌های بیشتر در مورد چیزی است. در این روش به دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود تا در مورد مفهومی خاص با راهنمایی معلم اطلاعات بیشتری پیدا کنند. دانش‌آموزان از طریق انجام دادن یاد می‌گیرند. آن‌ها می‌توانند مهارت‌هایی چون تفکر، طرح پرسش‌های واضح و روشن درباره‌ی موضوعات، شناسایی موضوع، شناسایی منابع اطلاعات، جست‌وجو، ثبت اطلاعات از منابع اولیه و ثانویه، مشاهده کردن، بررسی و تجزیه و تحلیل شواهد و مدارک، مقایسه و طبقه‌بندی اطلاعات، نتیجه‌گیری و استفاده از دانش برای حل مشکلات

**خلاصه‌ی رویکردهای یاددهی‌یادگیری**

نقش معلم	نقش یادگیرنده	نمونه‌هایی از راهبردهای یاددهی‌یادگیری	رویکرد
<ul style="list-style-type: none"> <li>● در خلال درس استقلال بیشتری دارد.</li> <li>● براساس توانایی یادگیرندگان درس را انتخاب می‌کند.</li> <li>● معلم خلبان است. بر فرایند یاددهی سلطه دارد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● منفعل است.</li> <li>● شنونده است و سعی می‌کند دانش را بر اساس آنچه توسط معلم و کتاب ارائه شده است، فراگیرد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● استفاده از روش نمایشی.</li> <li>● سخنرانی.</li> <li>● گفت‌وگوی گروهی</li> </ul>	<p><b>رویکرد آموزش مستقیم (توضیحی)</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● بر فرایند یادگیری کنترل مستقیم کمتری دارد.</li> <li>● در فرایند یادگیری به جست‌وجو و کاوشگری یادگیرندگان کمک می‌کند.</li> <li>● با طرح کردن سؤال‌های مناسب علاقه‌ی یادگیرندگان را به جست‌وجو و کاوشگری جلب می‌کند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● فعال است.</li> <li>● یادگیرندگان بر فرایند یادگیری کنترل بیشتری دارند.</li> <li>● یادگیرندگان با استفاده از پرسشگری و کشف پاسخ کاوشگری می‌کنند.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>● پروژه‌ها (طراحی، ساخت، نمایش).</li> <li>● پروژه‌های تحقیقی.</li> <li>● آزمایش‌ها و تجربه‌ها.</li> <li>● گردش علمی.</li> <li>● مشاهدات.</li> </ul>	<p><b>رویکرد آموزش غیرمستقیم (کاوشگری)</b></p>

# میم مشکلات را برمی دارم



مریم شهرآبادی  
کارشناس ابتدایی



صدای شیرین و پرشورش را تلفنی شنیده بودیم. با عشق و علاقه از فعالیت‌هایی که در مدرسه انجام می‌دهد، عکس یا فیلم می‌گیرد و از طریق فضای مجازی برای مجله می‌فرستد. بیش از بیست سال است که مجلات رشد را می‌شناسد و با چاپ مقاله با آن‌ها در ارتباط است. معمولاً برای هر مناسبتی برنامه‌ای دارد و کلیبی آماده می‌کند و ما را هم در جریان کارش می‌گذارد. حتی همین تابستان گذشته، مرمت، بازسازی و رنگ‌کاری جدیدی را که در مدرسه انجام شده بود برایمان فرستاد. با هیجان از استعداد دانش‌آموزانش صحبت می‌کنند و نمونه‌های زیبایی برایمان می‌فرستند.

نجمه دائمی، ۴۷ ساله، فارغ‌التحصیل دوره‌ی کارشناسی آموزش ابتدایی از تربیت‌معلم است و هم‌اکنون با ۲۹ سال سابقه، در آموزش و پرورش تدریس می‌کند. وی علاوه بر تدریس، مسئولیت گروه‌های آموزشی و فناوری استان گلستان را نیز بر عهده داشته است. دریافت جایزه، لوح تقدیر و دیپلم افتخار در زمینه‌های گوناگون با عنوان معلم نمونه، معلم مؤلف، شاعر و فیلم‌نامه‌نویس از افتخارات ایشان به حساب می‌آید.

سه سال است مدیرآموزگار مدرسه‌ی دخترانه‌ی پسرانه‌ی ۲۲ بهمن در روستای چوپلاتی از توابع شهر گرگان است. علاقه به بچه‌ها و طبیعت، سرسبزی روستا و آرامشی که از محل تدریسش می‌گیرد، دلایلی هستند که روستا را برای تدریس انتخاب کرده است.

## ■ در کلاس چند پایه از تباط با دانش‌آموزان چگونه است؟

مدیرآموزگاری در مدرسه‌ی چند پایه برایم تجربه‌ی شیرین و مایه‌ی افتخار است. همیشه سعی کرده‌ام میم مشکلات را بر دارم و از آن شکلات خوشمزه و شیرین بسازم. کلاس درس من شلوغ و برای دانش‌آموزان پر از راحتی و صمیمیت است. درس‌ها را با زندگی واقعی بچه‌ها پیوند می‌دهم تا یادگیری ساده‌تر شود.

## ■ کرونا بر کار و فعالیت کلاس شما چه تأثیری داشت؟

هر بار که برنامه‌ریزی می‌کردیم، بخشنامه‌ی

تعطیلی مدرسه می‌رسید؛ یعنی بین باز و بسته‌بودن مدرسه معلق بودیم. برنامه‌های مدرسه را از طریق شورای مدرسه به اطلاع والدین می‌رساندیم، اما متأسفانه، با تغییر رنگ‌های کرونا در سطح کشور، برنامه‌های ما نیز تغییر می‌کرد. البته جمعیت مدرسه‌ی ما زیر پنجاه نفر بود و به‌خاطر همین تقریباً بیشتر روزها در مدرسه حضور داشتیم.

از مشکلات دیگر توان مالی پایین دانش‌آموزان برای خرید گوشی یا رایانک (تبلت) بود. آن‌ها باید از گوشی والدینشان استفاده می‌کردند، اما روزها والدین گوشی‌ها را در اختیار بچه‌ها نمی‌گذاشتند و غروب هم بچه‌ها انگیزه‌ای برای درس خواندن نداشتند. هیچ‌یک از این مشکلات باعث نشد ما دست از کار بکشیم. گاهی درس‌نامه‌ی را که خودم و همکارانم تهیه کرده بودیم، به در خانه‌ی دانش‌آموزان می‌بردیم و آن‌ها را بیشتر به دیدن برنامه‌های آموزشی از تلویزیون تشویق می‌کردیم. گاهی هم همان تکالیف تلویزیون، مشق شب بچه‌ها بود. در این دوران بچه‌ها را برای شرکت در جشنواره‌ی «فرصت یادگیری جابربن حیان» تشویق کردم که نتیجه‌ی آن دریافت رتبه در سطح منطقه در زمینه‌ی داستان‌گویی، داستان‌نویسی و روان‌خوانی بود. اما با وجود تمام سعی و تلاشی که در این دوران داشتیم، معتقدم، به‌دلیل نداشتن آمادگی لازم، آموزش مجازی به‌صورت کامل و معکوس صورت نگرفته است.

## ■ مطالعه و کتاب‌خوانی برای شما اهمیت دارد. این مسئله را چطور به دانش‌آموزانتان منتقل می‌کنید؟

مدرسه‌ی ما کتاب‌خانه‌ای کوچک دارد. بچه‌ها هر وقت دوست دارند، می‌توانند به آنجا بروند و مطالعه کنند. رنگ کتاب‌خوانی و مسابقه داریم و اگر آن‌ها خلاصه‌نویسی کتاب انجام دهند، جایزه می‌گیرند. در گروهی به اسم «معلمان قصه‌گو» که مسئولیت آن به عهده‌ی خود من است، کتاب‌های خوب و مناسب انتخاب و به دانش‌آموزان معرفی می‌کنیم. در سال گذشته، دانش‌آموزانم در رشته‌ی روان‌خوانی که در استان زنجان برگزار شد، تقدیرنامه و جایزه گرفتند. دانش‌آموز وقتی متوجه می‌شود مدیر یا آموزگارش روحیه‌ی کتاب‌خوانی دارد یا اسم آموزگارش را روی کتاب می‌بیند، کتاب برایش اهمیت پیدا می‌کند. در بسیاری از مواقع دانش‌آموزانم کتاب من را می‌خوانند و غلط‌های املائی آن را به من می‌گویند یا پیشنهاد



یک روز یک دفعه دیدم بچه‌ی بازیگوش کلاس من بیرون دوید و با داد و بیداد و از ته دل گفت: «اجازه... اجازه... دلم ریخت.» گفتم خدایا ببین چی شده! گفتم چیه؟! چرا داد می زنی؟ چی شده؟ با آب و تاب گفت: «اجازه، مهدیه... اجازه، به چیزی آورده!»

اول فکر کردم لواشک آورده. گفتم خب، حالا باهانش صحبت می کنم دیگه نیاره. گفت: «نه اجازه...» باز هم با آب و تاب گفت: «اجازه...» گفتم ای بابا، چی آورده؟ اصلاً برویم کلاس ببینم چی شده! به کلاس رفتم. دیدم مهدیه دارد لب‌هایش را گاز می گیرد و سرش را پایین انداخته است. بچه‌ها هم ساکت بودند و هی وای وای می کردند. آخر حسن حرفش را زد. گفت: «اجازه، تو کیفشو نگاه. لاک آورده، لاک.» دخترهای کلاس هم به هم نگاه کردند. انگار گناهی انجام داده باشند، منتظر عکس العمل من شدند!

گفتم مهدیه جان چی آوردی مگه؟! گفت: «اجازه، مراسم بودیم، این لاک سبز تو کیفم جا مانده.» حسن بلاجه گفت: «تو مگر با کیف مدرسه رفته‌ای مراسم؟» دخترها با نگاهشان می‌خواستند حسن را بزنند. حسن هم انگار بر قله‌های رفیع موفقیت و پیروزی ایستاده باشد، منتظر عکس العمل من شد. من گفتم خب، مهدیه جان! اشکالی نداره اگر حواست نبوده، ولی باید بدونی این جور چیزها مخصوص بیرون از مدرسه است.

لاک را از مهدیه گرفتم و گفتم، ساعت آخر موقع رفتن بیا از دفتر بگیر. حسن گفت: «اجازه، یعنی شما دعواش نمی کنی؟!» گفتم نه، مگه چکار کرده... تو جووری داد زدی که من ترسیدم و گفتم خدای ناکرده اتفاق بدی افتاده!

حسن از قله آمد پایین و مهدیه هم خاطرش جمع شد. داشتیم با خودم فکر می‌کردم، بعضی از بچه‌های ما چه چیزها را بد می‌دانند. اما از اینکه بچه‌های باصفای کلاس ما این قدر بگردند، خوش‌حالم.



استان گلستان عروس هفت رنگ ایران است؛ سرزمینی که از کوه شروع می‌شود و به دامنه، دشت، صحرا، کویر و سپس به دریا ختم می‌شود. روستای زیبای چوپلانی در ۱۳ کیلومتری شهرستان گرگان قرار دارد. بیشتر مردم این روستا از مهاجران سیستانی هستند که از بومیان زمین خریده و در همین جا مانده‌اند. در قدیم مردم این روستا با چوب پالان درست می‌کردند و در چاه آب می‌گذاشتند تا به وسیله‌ی آن داخل چاه بروند و آن را لای‌روبی و از آب آن برای آشامیدن و کشاورزی استفاده کنند. مدرسه‌ی ما در کنار زمینی پر از علف قرار گرفته است که به آن «علف‌چر» می‌گویند؛ اصطلاحی سیستانی که به معنی محلی برای چرای گوسفندان است.

مدرسه‌ی دخترانه ۲۲ پسرانه‌ی ۲۲ بهمن در سال ۱۳۶۵ تأسیس شده است. ۳ کلاس درس و ۴۵ دانش‌آموز دارد و قرار است ۳ دانش‌آموز مهاجر هم به جمع آن‌ها اضافه شود. یک مدیر آموزگار به همراه دو همکار، هر کدام دو پایه را تدریس می‌کنند. خانم دائمی در پایه‌های پنجم و ششم تدریس می‌کند و ۱۳ دانش‌آموز در کلاس درسش دارد؛ ۸ نفر در پایه‌ی پنجم و ۵ نفر در پایه‌ی ششم.

یکی از مراسم‌های عاشورا است. این کتاب ریشه در خاطرات کودکی من دارد. کتاب دیگرم به اسم «هماز کلید بهشت» در مورد جشن عبادت دختران نُه‌ساله است. موضوع کتاب «تمشخانه» که یک اصطلاح محلی گرگانی است، به معنای تمشک فراوان یا رفتن به جایی پر از تمشک برای چیدن، خاطرات دوران معلمی من است. آخرین کتاب به نام «خرچنگ آبی» داستانی است کودکانه با موضوع خودخواهی و غرور که در قالب یک ضرب‌المثل نوشته شده است.

### ■ بازنشستگی شما نزدیک است. آیا برای بعد از بازنشستگی برنامه‌ای دارید؟

قصد دارم کار نویسندگی را ادامه دهم و کتاب‌هایی را به چاپ برسانم که در زمینه‌ی کودک و نوجوان نوشته‌ام. در صورت امکان در مدرسه به‌عنوان جانشین معلم خدمت کنم و اگر نشد، با توجه به مهارت خودم، کلاس‌های مربوط به آزمون پرلز (سنجش مهارت خواندن و نوشتن) به‌صورت رایگان برای آموزگاران برگزار کنم.

### ■ بفرمایید از طرف چه کسانی حمایت شدید و از چه کسانی تشکر می‌کنید؟

از حمایت‌های پدر، مادر، همسر و همه‌ی دوستانی که مشوقم بوده‌اند، تشکر می‌کنم. از مدیر نشر «مقسّم» هم که برای چاپ اولین کتابم از طرف ایشان حمایت شدم، سپاسگزارم.

تصویر می‌دهند. در هفته‌ی کتاب‌خوانی از آن‌ها می‌خواهم داستان بنویسند. البته در این زمینه آموزش‌های ساده‌ای به آن‌ها داده‌ام. اگر استعدادی کشف کنم، آن را تشویق و هدایت می‌کنم. هدیه‌دادن کتاب، به‌مناسبت هفته‌ی کتاب‌خوانی یا حتی بدون مناسبت، همیشه در برنامه‌ی زندگی من وجود دارد. در نظر دارم، اگر خدا خواهد، در مراسم عقد پسرم به عروس و پسر، علاوه بر هدیه، کتاب نیز بدهم.

### ■ کلیپ‌ها و فعالیت‌های زیادی در زمینه‌ی رنگ‌آمیزی و مرمت مدرسه، طرح هجرت و... از شما دیده‌ام. آیا از کسانی کمک فکری و مالی می‌گیرید؟

فکر مربوط به خودم است. مثلاً ابتدای ورودم به مدرسه، متوجه شدم نقاشی‌ها و نوشته‌های دیوار مدرسه در سطح بچه‌های ابتدایی نیست، به همین خاطر تصمیم گرفتم آن‌ها را عوض کنم. از لحاظ کمک مالی، چون افراد روستا بیشتر کارگر و کشاورزند و وضعیت خانواده‌هایی دانش‌آموزان طوری نیست که از آن‌ها انتظار کمک مالی داشته باشیم، با سرانه‌ی مدرسه یا کمک افراد خیری که البته ثابت هم نیستند، این کار انجام می‌شود.

### ■ نویسنده هم هستی؟

بله. تاکنون چند کتاب نوشته و چاپ کرده‌ام. «سیب‌های روی علم» نام اولین کتابم و در مورد

# چه کسی آهو می شود؟



علی علی بیگی

بهادر افشار وارد دبستان ابتدایی «غنچه‌لر» می شود. شال و کلاه کرده و همه‌ی دکمه‌های پالتوش را بسته است. کیف مشکی‌اش را که با چکمه‌های ساق کوتاهش هماهنگ کرده، در دست دارد. از زیر درخت توت بزرگی رد می شود که به جای برگ کلی برف در شاخه‌هایش یخ بسته‌اند. وارد سالن می شود. مش‌اصلان، آن دور، در انتهای سالن با سطل آشغالی ور می رود. بهادر داد می زند: «سلام. صبحتون بخیر.»

منتظر جواب نمی ماند، کلید می اندازد و داخل اتاق معاونت پرورشی می خزد؛ اتاقی گرم و لذت‌بخش. دانه‌های برف حالا دیگر با اکراه و ناز خودشان را به پنجره می زنند و می خندند. بهادر اول از شر شال گردن و کلاه خلاص می شود و بعد پالتو را می آویزد. پشت پاهایش را به شوقاژ می چسباند، به دیوار تکیه می دهد و دستانش را به هم می ساید. سپس از روی میز نمایش‌نامه‌ی «کرگدنی که سیب نداشت» را بر می دارد و ورق می زند. مش‌اصلان در را باز می کند، ضمن سلام و احوال‌پرسی می گوید: «دیروز نبودی پسر. سهم تخم‌مرغ مونده، خواستی بخور، بزن به رگ، نخواستی پنیر هم هست.»

مش‌اصلان می رود، سپس انگار که پشیمان شده است، برمی گردد: «دادگاه چطور شد؟»

همونجور، هیچی.

شما جونید بالام‌جان. تو کوتاه بیا. هر چی باشه برادرت.

مش‌اصلان، من به جون این‌لزام اضافه نمی‌خوام که. من می‌گم همه‌چیز مساوی تقسیم بشه. دادگاه آگه بگه حق من نیست، من دو دستی تقدیم داداش می‌کنم! سروصدای بچه‌ها در سالن می‌پیچد.

xxx

آقای افشار عینکش را از چشمانش بر می دارد. بچه‌ها دورش نشسته‌اند و حلقه‌ای

داره؟ آهو نقشش پررنگ‌تره. الان شرایط فرق کرده. من ازت خواهش می‌کنم آیدین.» آیدین سری به نشانه‌ی «نه» بالا می‌اندازد. تایماز ملتسمانه به آیدین نگاه می‌کند.

آقای افشار: «آیدین!»

آیدین: «نه آقا.»

تایماز پیراهن سیاهش را مرتب می‌کند و بلند می‌شود.

آقای افشار: «کجا تایماز جان؟»

تایماز به سمت در می‌رود و هر چه آقای افشار صدایش می‌زند، اعتنایی نمی‌کند. صدای گریه‌ی تایماز، وقتی از در خارج می‌شود، بلند می‌شود.

آقای افشار: «همینو می‌خواستی آیدین؟! بابا اون بچه پدرش تازه فوت شده، چرا درک نمی‌کنی؟ شما که بچه نیستین. الان همه‌تون ششم می‌خونید.»

آیدین: «آقا اجازه، آقا می‌دونم تازه فوت شده. ولی آخه...، خب یه نقش دیگه بدین...، فیل رو بدین یا زرافه یا روباه...»

بچه‌های دیگر ساکت‌اند. نقش‌هایشان به خطر افتاده است.

آقای افشار: «بابا نمی‌شه که آیدین! دو هفته بعد اجراست...، تنها راهش اینه که تو آهو بشی.»

آیدین: «آقا من حق خودمو می‌خوام. آگه کرگدن حق من نیست، بدین به تایماز، من حرفی ندارم.»

شهریار: «بابا حقته. تو از همه‌ی ما بهتر بازی می‌کنی. از حقت بگذر دیگه!»

آیدین چیزی نمی‌گوید. زنگ تفریح به صدا در می‌آید. همه بلند می‌شوند.

xxx

مارال از آشپزخانه داد می‌زند: «ناسلامتی تو معلمی داداش! تو کوتاه بیا دیگه، کوتاه بیا. بی خیال شو.»

بابا چی چی رو کوتاه بیا مارال! من باغ به اون درندشتی رو می‌خوام چی کار؟ من به‌خدا زور نمی‌گم که. من می‌گم آپارتمان هم نصف، باغ هم نصف.

مارال دانه‌های انار را که در ظرف بزرگ شیشه‌ای پُر کرده است، روی میز می‌گذارد. صدای بازی بچه‌ها از اتاق خواب به گوش می‌رسد. مارال ابتدا پیاله‌ای از انارهای دانه‌شده برای دنیز، زن بهادر، می‌کشد، سپس پیاله‌ای دیگر برای بهادر پُر می‌کند.

دنیز: «والا! مارال جان، من به خدا بعد چهلم آقاجون صد بار گفتم. خداروشکر خونه هم

ایجاد کرده‌اند. نمایش‌نامه‌ی «کرگدنی که سیب نداشت» در دستان بچه‌ها خودنمایی می‌کند. بهادر کلافه به نظر می‌رسد.

خب، بچه‌ها یه بار دیگه نقش‌هاتونو بگید. آراز بگو.

کلاغ خبرچین.

روباه.

زرافه.

فیل.

کرگدن.

کرگدن.

من واقعا کلافه شدم دیگه، نمی‌دونم چی کار کنم؟

آیدین و تایماز هر دو سرشان را پایین می‌اندازند.

آراز: «آقا اجازه، آقا نمی‌شه دو تا کرگدن داشته باشیم؟»

آقای افشار زیرچشمی و با تمسخر به آراز نگاه می‌کند.

شهریار می‌گوید: «دیوانه! اون موقع آهو چی می‌شه؟»

آقای افشار انگشتش را جلوی دهانش می‌گیرد و می‌گوید: «حرف بد قدغنه! سیس!»

آراز: «آقا اجازه، آقا اینا دو تاشون هم کرگدن بشن، من به پاشایی بگم بیاد آهو بشه؟»

اتابک: «راست می‌گه آقا، پاشایی کوچولو هم هست، به درد آهو می‌خوره.»

آقای افشار لبخند می‌زند. همه می‌خندند به‌جز آیدین و تایماز.

شهریار: «پاشایی بازیگری بلد نیست که. آقا تست می‌گرفت ازش یادتون نیست؟»

می‌خواهد ادای پاشایی را در بیاورد که آقای افشار ابرو بالا می‌اندازد. ثانیه‌هایی به سکوت می‌گذرند. آیدین سرش را بلند می‌کند:

«آقا اجازه، مگه شما تست نگرفتید آقا؟ مگه ما قبول نشدیم؟ مگه قرار نشد ما نقش کرگدن رو بازی کنیم آقا؟ خودتون تو همین نمازخونه پیش همه گفتید من کرگدمن. الان چرا می‌گید نقش آهو رو باید بازی کنم؟»

آقای افشار با بی‌حوصلگی می‌گوید: «بابا! من گفتم آیدین، درسته، ولی آخه چه اشکالی

داریم. داداشت واجبه. اون الان پسرش نامزد داره. آپارتمان براش واجبه...»

بهداد پیاله‌ی انار را می‌گذارد روی میز: «لاله‌الله! دنیز! مگه ما بچه نداریم؟! دو روز دیگه اونم بزرگ می‌شه.»

مارال: «وووووه! تا اون بزرگ شه، خدا کریمه.»  
بهداد کتش را برمی‌دارد که دنیز زیرچشمی نگاهش می‌کند: «کجا!؟»

بهداد سرش را تکان می‌دهد و کت را سر جایش می‌گذارد.

دنیز می‌گوید: «لان که کار به دادگاه کشیده، می‌گه یک‌سوم اموال رو دادگاه برا خودش برمی‌داره. بقیه رو هم مساوی تقسیم می‌کنه.»

مارال با تعجب: «نه! آره داداش؟»  
بهداد سرش را پایین می‌اندازد.

xxx

بهداد دستگاه «دست‌آزاد» (هندزفری) انداخته و دارد به فیلم‌های آقا جان در گوشی‌اش نگاه می‌کند. اشک در چشمانش حلقه زده است. آقا جان نازلی را به گردش سوار کرده. در باغ هستند. او سعی می‌کند نازلی را بلند کند تا دستش به سیب‌های درخت برسد. در، تق‌تق صدا می‌کند. سریع دستگاه دست‌آزاد و گوشی را جمع می‌کند و می‌چپاند داخل کت.

- آقا اجازه.

آیدین است که وارد می‌شود. بهداد دستمال کاغذی را برمی‌دارد و به چشمانش می‌رساند. نفس عمیقی می‌کشد.

- بفرما. سلام.

بهداد با انگشتانش بازی می‌کند و سرش پایین است: «آقا اجازه، آقا شما باشید از حقتون می‌گذرید؟»

بهداد دماغش را می‌کشد و می‌گوید: «خُب، ببین آیدین جان، بالاخره...»

- آقا ول کنید. ما آهو می‌شیم. آقا به تایماز بگید بیاد.

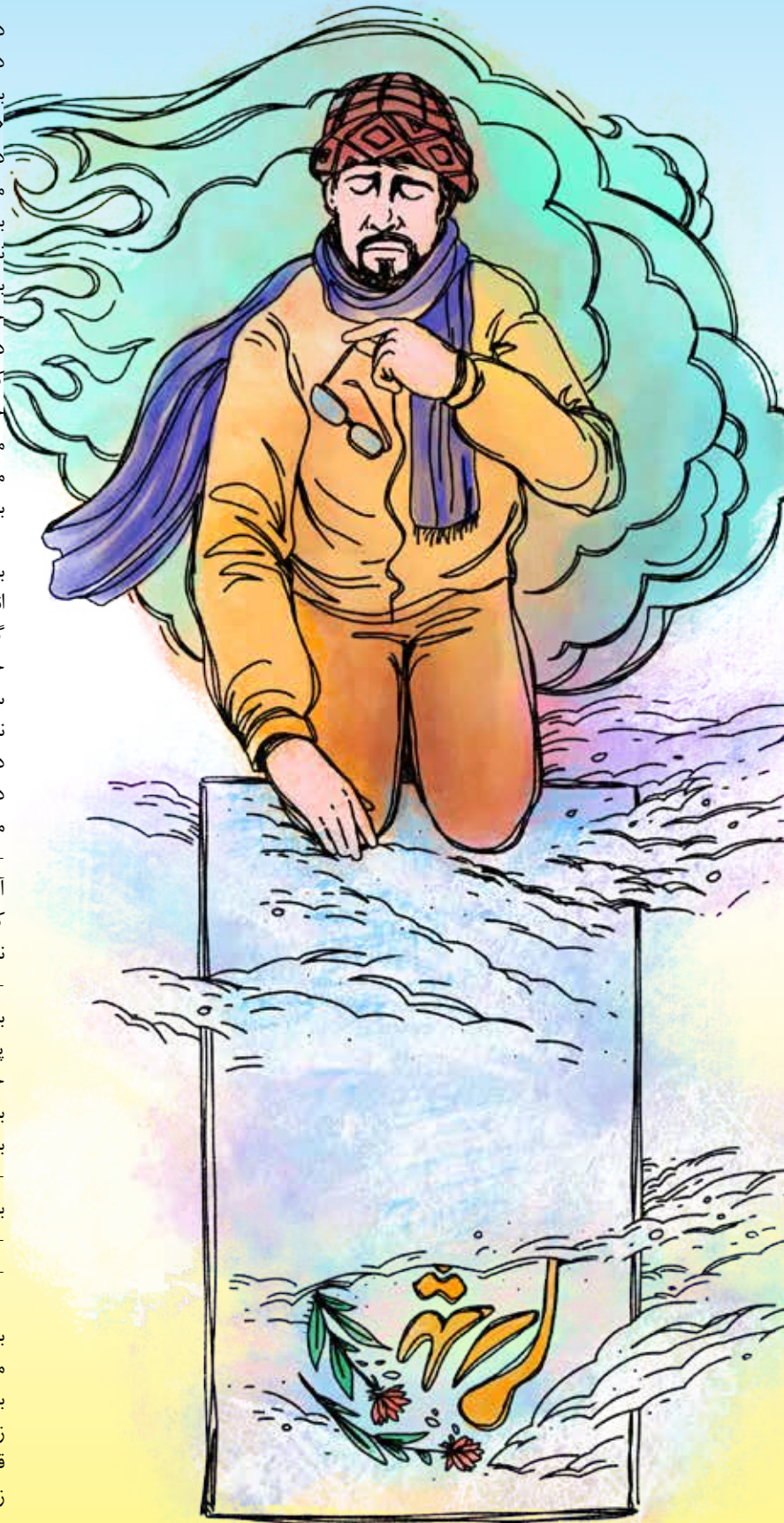
- واقعا؟ چرا؟

- می‌شیم دیگه آقا، اشکال نداره.

xxx

بهداد عینکش را در می‌آورد و روی قبر پدرش می‌گذارد. دست به ریش‌هایش می‌کشد. برف‌های روی قبر را با دست پاک می‌کند و زانو به زمین می‌گذارد، صورتش را روی سنگ قبر پدر می‌گذارد و های‌های گریه می‌کند.

زیر لب زمزمه می‌کند: «ما آهو می‌شیم آقا. منم آهو می‌شم آقا جون.»



# راست و ناراست



سیدغلامرضا فلسفی  
ارتباط پژوه

به ششمین پرسش کلیدی سواد خبری می‌پردازیم: «آیا مدارک و شواهدی مبنی بر درستی آنچه خبر می‌خواهد بگوید، وجود دارد؟»

اگر خبر درست نباشد، مردم اندک‌اندک اعتماد خود را به خبرنگار و رسانه از دست می‌دهند و منبع خبری خود را عوض می‌کنند. البته به همان میزان که خبرنگار و رسانه در ارائه‌ی خبر درست مسئولیت دارند، کاربر نیز در تشخیص اطلاعات و اخبار درست و واقعی مسئول است. برای این کار باید منابع و مدارک را بررسی کنند.

در این باره می‌توان از همه یا تعدادی از پرسش‌های زیر کمک گرفت:

- گستره‌ی جغرافیایی خبر یا گزارش چیست؟ (استانی، ملی و جهانی)
- آیا خبر تاریخ دارد؟ تاریخ آن جدید است؟
- رسانه‌ی منتشرکننده‌ی خبر را می‌شناسید؟ از اعتبار رسانه اطمینان دارید؟

- آیا خبر آن رسانه از منبعی دیگر نقل شده است؟ منبع اولیه‌ی خبر را می‌شناسید؟
- این خبر کدام عناصر خبری را دارد؟
- آیا برای هرچه باورپذیرتر شدن خبر از عکس، فیلم، گرافیک اطلاع‌رسان، چانک و... در آن استفاده شده است؟

- کدام بخش از خبر در عکس، فیلم و گرافیک اطلاع‌رسان منعکس شده است؟

- آیا جست‌وجوی معکوس عکس به خبر، از طریق «ایزی‌تور»<sup>۱</sup>، گوگل‌ایمیج<sup>۲</sup> و تین‌آی<sup>۳</sup> ثابت می‌کند که عکس واقعی و مربوط به همان خبر است؟

- آیا نکاتی مانند نور، انعکاس‌ها و غیره را برای اطمینان از جعلی نبودن عکس کنترل کرده‌اید؟





در حوزه‌ی تولید صداهای جعلی با روش دیپ‌فیک نیز محققانی که روی تولید صدا پژوهش می‌کنند، با استفاده از سه تا پنج دقیقه از صدای یک فرد که به‌طور زنده ضبط شده یا از یوتیوب یا رادیو به‌دست آمده است، توانسته‌اند صدایی جعلی تولید کنند که نه تنها انسان‌ها بلکه سیستم‌های ایمنی زیست‌سنجی (بیومتریک) را فریب دهد. با این روش فناوری‌ها می‌توان با صدای مادر یک فرد برای خود آن فرد پیام گذاشت یا شخصی را با انتشار فایل صوتی بدنام کرد.

محققان هوش مصنوعی یکی از شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای به‌تازگی توانسته‌اند بر اساس داده‌های دریافتی از صدها ساعت سخنرانی‌های انجام‌شده در تِد و کتاب‌های صوتی، در چارچوب مدل‌های صوتی به جعل هویت صوتی فرد موردنظر خود اقدام کنند؛ به‌طور مثال از طریق این سامانه توانسته‌اند عبارت «گرفتگی عضلات در شنا خطری کوچک نیست» را با صدای چهره‌های مشهور جهان تولید و منتشر کنند.

در انتهای این مطلب، لطفاً درستی یا نادرستی عنوان‌های خبری زیر را بیان کنید و دلایل لازم را ارائه دهید:

۱. خوردن سیب‌های واکس‌زده سرطان‌زاست؛
۲. خوردن هم‌زمان دارو با گریپ‌فروت موجب بروز واکنش‌های خطرناک شیمیایی در بدن تا سر حد مرگ می‌شود؛
۳. برای عرضه‌ی مجدد آجیل‌های کهنه در بازار از وایتکس رقیق‌شده استفاده می‌شود؛
۴. هفت سال طول می‌کشد تا آدامس در معده هضم شود؛
۵. رنگ چشم می‌تواند در چند ثانیه از قهوه‌ای به آبی تغییر کند.

بسیاری از کاربران اینترنت برای جعل عکس از روش‌های ساده‌تر استفاده می‌کنند. یکی از روش‌ها این است که تصویری قدیمی را که به اتفاقی قدیمی مربوط است، به اتفاقی جدید ربط دهند. اگر با دیدن عکس مردد شدید که عکس موردنظر قدیمی‌تر از آن است که در زیرنویسش آمده یا نه، برای بررسی آن باید از جست‌وجوی معکوس تصویر در «گوگل ایمیج» یا وبگاه‌های مشابه آن بهره ببرید. اگر عکس موردنظر پیش‌تر در موقعیتی دیگر برداشته شده باشد، این قبیل ابزارها آن را مشخص می‌کنند.

نرم‌افزارهای کاربردی مانند Truepic نیز می‌توانند با استفاده از فناوری مخصوص خود عکس‌هایی را که به‌شدت دستکاری شده‌اند، تشخیص دهند.

باید بپذیریم، از این به بعد هرچه را که می‌بینیم و می‌شنویم، با احتیاط بیشتری باور کنیم. برای روشن‌تر شدن موضوع به مطلبی با عنوان «آینده‌ی اخبار جعلی یا هرچه را که می‌بینید، می‌شنوید یا می‌خوانید باور نکنید!» اشاره می‌کنیم. در بخشی از این مطلب آمده است، در عصر فتوشاپ، فیلترها و وبگاه‌های شبکه‌ی اجتماعی، دیدن عکس‌های دستکاری‌شده عادی است، اما اکنون نسلی تازه از ابزارهای دستکاری و تغییر ویدئو و صدا راهی بازار شده‌اند که با پیشرفت در هوش مصنوعی و گرافیک رایانه‌ای اجازه‌ی خلق ویدئوهای جعلی از هر چهره‌ای را فراهم می‌کنند. این روش دیپ‌فیک<sup>۵</sup> به معنی جعل عمیق است. در این روش بر مبنای هوش مصنوعی، فیلم، صوت، عکس و متن نوشتاری جعل می‌شوند. این فناوری ابتدا مانند فتوشاپ برای استفاده‌های شغلی و ایجاد نوآوری در صنعت سرگرمی اختراع شد و توسعه پیدا کرد، اما در ادامه، با اینکه سازنده‌ی آن سوءنیتی از طراحی یک نرم‌افزار ویرایش ویدئویی نداشت، از آن بسیار سوءاستفاده شد. در تولید ویدئوهای دیپ‌فیک ابتدا تصویر هدف به سامانه معرفی می‌شود و سپس بر اساس بانک داده‌ای از تصویرها و صداهای موجود پیشین و استفاده از هوش مصنوعی، سامانه بر مبنای تصویرهای فرد تصویر هدف را می‌سازد و در نهایت شخصیتی جعلی دیده می‌شود که در حال انجام عملی است که روح فرد حقیقی از آن عمل بی‌خبر است.

- آیا خبر غلط املایی یا دستوری دارد؟
- آیا واژگان نژادپرستانه (کاکا سیاه، برده، چشم‌بادامی و...) در خبر وجود دارد؟
- آیا در خبر برای اشاره به اقوام، ادیان، مذاهب یا مسائل مربوط به آن‌ها از واژگان نامناسب (مسلمانان افراطی و...) استفاده شده است؟
- چه مواردی در خبر جنبه‌ی تبلیغی دارند؟
- آیا خبر موضع‌گیری متعصبانه‌ای را درباره‌ی رنگ پوست، نژاد، مذهب، قومیت، جنسیت و... آشکار می‌کند؟
- آیا در خبر از دیدگاه خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... پشتیبانی می‌شود؟
- آیا اعتبار خبر را با استفاده از وبگاه‌هایی مانند فکت‌یار، فکت‌نامه یا گروه شبهه و شایعات خبرگزاری فارس سنجیده‌اید؟
- دیدگاه‌ها و نظرات چه فرد یا افرادی در خبر مطرح شده‌اند؟
- دیدگاه‌های مطرح‌شده در این خبر درباره‌ی چه مواردی هستند؟
- آیا ممکن است دیدگاه‌ها و نظراتی مهم از خبر حذف شده باشند؟ چه مواردی؟

### عقل آدم به چشمش است

امروزه تقریباً هرکس می‌تواند تصویری جعلی بسازد، در اینترنت بارگذاری کند و به اشتراک بگذارد. برای به‌اشتباه‌انداختن مردم در اینترنت، هیچ چیز بهتر از عکس یا فیلم نیست؛ چراکه به قول معروف «عقل آدم به چشمش است»؛ ضرب‌المثلی که گروهی از جوانان آمریکایی حامی ترامپ برای اثرگذاری در انتخابات ریاست جمهوری فرانسه در سال ۲۰۱۷ از آن بهره‌ها بردند. این گروه به‌طور برخط با یکدیگر ارتباط برقرار کردند تا بر انتخابات مذکور تأثیر بگذارند. آن‌ها فایل‌هایی از میم‌های اشتراک‌پذیر را نشر دادند تا حتی کسانی که به زبان فرانسه آشنا نبودند، بتوانند محتوای تصویری آن را در هشتگ‌های روز وارد و دنبال کنند. این کار موجب شد گروه‌های دور از هم با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلفن همراه به‌راحتی با هم هماهنگ شوند. هنگامی که ارسال چنین پیام‌هایی هماهنگ و مداوم باشد، به‌دلیل انبوه پیام‌هایی که هر روز دیده می‌شوند، ذهن بسیار خسته می‌شود و به‌راحتی فریب می‌خورد.

# S

## ← جایگزینی

در بحث جایگزینی باید روی موضوعاتی تمرکز کنید که می‌توانید آن‌ها را با جایگزین کردن یا تعویض بهبود ببخشید. مثلاً باید فکر کنید آیا می‌توانید فرایند تدریس را ساده‌تر و سریع‌تر انجام دهید؟ آیا می‌توانید زمان یا مکان فعالیت آموزشی را به گونه‌ای جایگزین کنید که آن فعالیت سریع‌تر و بهتر انجام شود؟ فرض کنید می‌خواهید مبحثی را تدریس کنید. آن را به بخش‌های متعددی تقسیم کنید و ببینید آیا می‌توانید هر کدام از بخش‌های آن را با کارهای بهتر جایگزین کنید؟

با توجه به شرایط کرونا می‌توانید زمان و مکان تدریس را تغییر دهید؛ مثلاً تدریس خود را در مکان دیگری مانند کتابخانه، باغچه و موزه انجام دهید. همچنین، یکی از روش‌های جذاب در این زمینه، جابه‌جایی تدریس معلم و دانش‌آموز است؛ یعنی به‌جای اینکه شما تدریس کنید، از دانش‌آموزان متعددی بخواهید بخش‌هایی از درس را تدریس کنند. گاهی جابه‌جایی بخش‌هایی از مطالب درسی نیز می‌تواند جذابیت بیشتری ایجاد کند؛ مثلاً درس پنجم کتاب، اگر پیش‌نیازی نداشته باشد و شرایط مرتبط با آن فراهم باشد، می‌تواند قبل از درس سوم تدریس شود. یکی دیگر از نمونه‌های جایگزینی، استفاده از وسایل آموزشی جایگزین است؛ مثلاً اگر مکعب‌های کوئیز برای آموزش ریاضی در دسترس نیست، می‌توانید از چوب کبریت استفاده کنید که ارزان‌تر و در دسترس‌تر است.



# اسکمپر

مر ترضی فاضل  
مشاور خانواده



خلاقیت و دبعه‌ای الهی در وجود همه‌ی انسان‌هاست. موهبتی که هم خودش استعدادهای گوناگون را می‌پرورد و هم استعدادهای گوناگون آن را تقویت می‌کنند. به عبارت بهتر، خلاقیت در آموزش و پرورش هم وسیله است و هم هدف. تکنیک «اسکمپر» روشی جذاب برای پرورش خلاقیت است که به راحتی می‌توان آن را در کلاس درس و فعالیت‌های آموزشی به کار گرفت. اسم اسکمپر از هفت حرف انگلیسی تشکیل شده است که در ادامه به این حروف و معنای هر کدام می‌پردازیم:

**S:** نماینده‌ی کلمه‌ی "Substitute" به معنای جایگزین کردن؛  
**C:** نماینده‌ی کلمه‌ی "Combine" به معنای ترکیب کردن؛  
**A:** نماینده‌ی کلمه‌ی "Adapt" به معنای سازگار کردن، تطبیق دادن و مناسب کردن برای هدفی دیگر؛  
**M:** نماینده‌ی کلمه‌ی "Modify" به معنای اصلاح کردن؛  
**P:** نماینده‌ی عبارت "Put to another use" به معنای استفاده‌ی دیگر؛

**E:** نماینده‌ی کلمه‌ی "Eliminate" به معنای حذف کردن؛  
**R:** نماینده‌ی کلمه‌ی "Reverse" به معنای معکوس کردن.

این هفت تکنیک در واقع می‌توانند به خلق ایده‌ای جدید ختم شوند. تکنیک اسکمپر قرار نیست به جای شما فکر و ایده‌پردازی کند، بلکه فقط چارچوبی است که به ذهن کمک می‌کند در زمینه‌ی تدریس و فعالیت‌های تحصیلی در آن چارچوب مشخص فکر کنید و به راهکارهای جدید برسید. هدف این تکنیک دقیقاً منظم کردن جریان‌های فکری است. از این طریق انرژی فرد ذخیره می‌شود و بیهوده هدر نمی‌رود. در ادامه، معنای واقعی هر کدام از هفت راهکار موجود در تکنیک اسکمپر در فضای تدریس و آموزش بررسی می‌شود.



# A

## ← سازگار کردن

سازگاری به این معناست که محتوا و فعالیت‌های درسی‌تان با شرایط و نیازهای دانش‌آموزان متناسب باشد. در این بخش، محصولات یا فرایندهای آموزشی با کمی تغییر در وضعیت دیگری می‌تواند استفاده شود؛ یعنی ماهیت و کاربرد آن عوض نشده است، اما دامنه‌ی استفاده از آن گسترده می‌شود. در این مرحله از تکنیک اسکمپر، باید بررسی کنید چه چیزهایی را بر طبق چه اصولی باید هماهنگ یا سازگار کنید؟ منظور از سازگار کردن حتماً فعالیتی اساسی و بنیادی نیست، بلکه تغییرات جزئی را هم شامل می‌شود. لازم است فعالیت‌های درسی کنونی خودتان را با تجزیه و تحلیل‌هایی که از نیاز دانش‌آموزان دارید، تطبیق دهید و ببینید کجای کار ایراد دارد. ممکن است با تغییری ساده بتوانید توجه مخاطب را جلب کنید؛ مثلاً با توجه به اوضاع کرونا، دانش‌آموزان به تکلیف‌های دست‌ورزانه، تکلیف‌های تصویری یا صوتی، ارزشیابی عملی، ارزشیابی تصویری یا صوتی بیشتر توجه و از آن استقبال می‌کنند. گاهی برای اطمینان از انجام فعالیت توسط خود دانش‌آموزان، می‌توانید از آنان بخواهید از روند انجام کار فیلم یا عکس تهیه کنند. همچنین استفاده از قسمت‌هایی از پویانمایی‌های مناسب که مورد علاقه کودکان هستند، در بخش‌هایی از تدریس می‌تواند توجه کودکان را افزایش دهد.



# C

## ← ترکیب کردن



گاهی برای به‌دست‌آوردن بازدهی و انگیزه‌ی بیشتر، بهتر است به ادغام و ترکیب چند کار یا چند فرایند در کلاس درس روی آورید. یعنی چند هدف متعدد را با هم ترکیب کنید تا هدفی بزرگ‌تر شکل بگیرد یا با ترکیب چند ایده، ایده‌ی جدیدی ایجاد کنید یا حتی چند فرایند گوناگون را به فرایندی واحد تبدیل کنید. در این مرحله باید فرایند کار خودتان را به چند بخش تقسیم و فکر کنید آیا می‌توانید دو یا چند مورد از این بخش‌ها را با هم ترکیب و به یک بخش تبدیل کنید. تلفیق چند موضوع درسی با یکدیگر هم یکی از بهترین روش‌های ترکیب در کلاس درس است، معمولاً کودکان درس‌های هنر و ورزش را دوست دارند و از آن لذت می‌برند. لذا می‌توانید مثلاً درس ریاضی، ادبیات یا پیام‌های آسمانی را با درس هنر ترکیب کنید. از دانش‌آموزان بخواهید نقاشی زیبایی بکشند و در کنار نقاشی، چند مسئله‌ی ریاضی را حل کنند یا کلمات و ترکیبات تازه‌ی درس را روی کلبک‌های رنگ‌آمیزی‌شده‌ی گلی زیبا بنویسند. از آن‌ها درخواست کنید برای عبارت‌های قرآنی یک نقاشی بکشند. در ترکیب درس ورزش و ریاضی، با شماره‌گذاری دانش‌آموزان به اعداد زوج و فرد، از آن‌ها بخواهید اعداد زوج در جهت مخالف اعداد فرد حرکت کنند. شکل انواع مثلث یا انواع چهارضلعی‌ها را در وسط میدان ورزشی با کمک تعدادی از دانش‌آموزان بسازید. به دانش‌آموزان بگویید در حال شعرخواندن طناب بزنند. نمونه‌ی دیگر از ترکیب‌های مناسب در حیطه‌ی آموزش و پرورش ساخت کتاب صوتی یا دوره‌های آموزش صوتی از ترکیب کتاب و فایل‌های صوتی است.

# P



## ← استفاده‌های دیگر (تغییر کاربری)

کارکردها یا استفاده‌های دیگر یک وسیله یا فرایند یکی از روش‌های مهمی است که در تکنیک اسکمپر بررسی می‌شود. گاهی مواقع فعالیت یا محصولی می‌تواند کارکردهای متفاوت و پنهانی داشته باشد. استفاده از کارکردهای گوناگون یک فعالیت آموزشی و حتی وسایل آموزشی باعث توسعه و تعمیق یادگیری می‌شود و یادگیری را معنادار می‌کند؛ مثلاً همیشه از بازی کارکرد خاصی انتظار دارید. بازی در ذهن‌تان غالباً با تفریح و لذت همراه است، در صورتی که می‌تواند کارکردهای دیگری نیز داشته باشد. از بازی به‌عنوان وسیله‌ای آموزشی استفاده کنید. برای مثال با بازی «هپ» در کلاس ریاضی می‌توانید ضرب‌های گوناگون اعداد را آموزش دهید. همچنین ممکن است برخی از مباحث آموزشی کارکردهای دیگری نظیر کارکردهای تفریحی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند. مثال دیگر در این زمینه استفاده از وسایل دورریختنی و ضایعات برای ساخت کاردستی است؛ مثلاً از کاغذهای مصرف‌شده‌ی دفترچه‌های تکالیف برای کاغذتایی (اورینگامی) استفاده کنید.

# M

## ← اصلاح کردن (بزرگ‌نمایی، خردنمایی)

در تکنیک اسکمپر، روش اصلاح شباهت‌های زیادی به روش سازگار کردن دارد، ولی ممکن است برخی آن را کاملاً متفاوت بدانند. در این روش باید ببینید چگونه می‌توانید با اصلاح فرایندی خاص از طریق کوتاه‌تر کردن، فشرده‌تر کردن یا متراکم‌تر کردن آن فرایند یا بزرگ‌نمایی آن از طریق اغراق، بسط و افزایش، کار گروهی را سرعت ببخشید یا از سرعت آن بکاهید؟ آیا این امکان وجود دارد تغییراتی ایجاد کنید تا کل فرایند با بازدهی و سرعت بیشتری پیش برود؟ در روش اصلاح کردن از روش‌های کوچک‌نمایی و بزرگ‌نمایی به‌خوبی استفاده کنید تا تدریس و فعالیت‌های آموزشی تأثیر بیشتری داشته باشند؛ مثلاً در بزرگ‌نمایی، وسایلی آموزشی با ابعاد خیلی بزرگ بسازید و ظرفیت، حجم، ابعاد و وزن وسایل را افزایش دهید. در فرایندهای تدریس زمان آموزش را طولانی‌تر کنید؛ مثلاً برنامه‌ی «یک روز با ریاضیات» را برای تقویت نقاط ضعف ریاضی کودکان اجرا کنید. این برنامه‌ی طولانی‌مدت به شما امکان می‌دهد به تمامی دانش‌آموزان به‌طور انفرادی توجه کنید. در کوچک‌نمایی می‌توانید ظرفیت، حجم، ابعاد و وزن وسیله‌ای آموزشی را کاهش دهید یا مثلاً در فرایندهای تدریس، آموزش‌های یک دقیقه‌ای یا آموزش‌های یک نکته‌ای کوتاه را برای کودکان طراحی کنید. همچنین، در ارزشیابی از ارزشیابی تک‌سؤالی هر روزه در پایان درس استفاده کنید تا هم ارزشیابی مستمر خوبی برای خودتان و دانش‌آموزان داشته باشید و هم از این طریق توجه و تمرکز آنان را به کلاس درس بیشتر کنید و به‌راحتی و با سرعت ارزشیابی همه‌ی دانش‌آموزان را نیز تصحیح کنید. در مدل بزرگ‌نمایی ارزشیابی، برای مثال، یک یا چند سؤال از هر درس را روزانه یا هفتگی در یک صفحه و هم‌زمان در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید. یکی دیگر از روش‌های اصلاح کردن در نظام آموزشی، استفاده از رمزبندی سریع پاسخ در کتاب‌های درسی و آموزشی است که معلمان می‌توانند این شیوه را به همه‌ی آموزش‌های خود گسترش دهند.

# R

## ← معکوس کردن،

### سازمان دهی دوباره یا وارونه سازی

برای تولید محصولی یا ایجاد خدمتی مثل یادگیری در کلاس درس، فرایندهای متعددی باید انجام شوند. این فرایندها را بررسی کنید و ببینید تمام آن‌ها ضروری هستند یا خیر؟ با این روش در ایده پردازی می‌توانیم شاخص‌ها را وارونه کنیم، چیدمان فرایندها را عوض کنیم، اهداف را برعکس کنیم و... تا ایده‌های جدید شکل بگیرند. برخی مواقع، اگر بخشی از این فرایندها به صورت معکوس انجام شوند، سرعت و بازدهی یادگیری بالاتر می‌رود. در سال‌های اخیر این روش خلاقانه نقش زیادی در بازنویسی کتاب‌های درسی داشته است. برای مثال استفاده از صندلی صمیمیت به جای صندلی داغ یا تغییر در داستان چوپان دروغگو و تبدیل آن به داستان چوپان راستگو یا تغییر ماهیت داستان دوکاج (که نمایشگر نبود همدلی و بی‌توجهی بود) به داستان کاجستانی که کاملاً نقش همدلی را به خوبی نمایش و نگاهی مثبت‌اندیشانه را به کودکان یاد می‌داد. همچنین، یکی از سبک‌های جدید تدریس که کاملاً بر اساس این ایده طراحی شده است، سبک یادگیری معکوس است. یادگیری معکوس یک الگوی تدریس خلاق است که معلم از شاگردانش می‌خواهد مطالب و فعالیت‌های درسی را ابتدا در خارج از کلاس مطالعه و بررسی کنند، سپس برای تکمیل فعالیت‌های یادگیری و عمیق‌تر شدن یادگیری در کلاس حاضر شوند و در فعالیت‌ها شرکت کنند. از دیگر نمونه‌های این الگوی خلاقیت، الگوی تدریس کودک به والدین یا املائی دانش آموز به ولی خود است. همچنین، گاهی چنین روشی را می‌توان برای بهبود وضعیت یادگیری به کار بست و سؤال‌های خلاقانه‌ای را به شیوه‌ی وارونه‌سازی مطرح کرد، مثلاً چه کار کنیم که دانش‌آموزان ترک تحصیل کنند؟ چه کار کنیم دانش‌آموزان تکالیفشان را انجام ندهند؟ چه کار کنیم دانش‌آموزان توجه و تمرکزشان ضعیف شود؟ این‌ها نمونه‌سؤال‌هایی هستند که برای بررسی علت‌های ترک تحصیل، انجام ندادن تکالیف مدرسه و افزایش توجه و تمرکز دانش‌آموزان به شکل خلاقانه مطرح شده‌اند.

# E

## ← حذف کردن

یکی از روش‌های موجود در تکنیک اسکمپر حذف کردن است. فرایندی خاص را در نظر بگیرید و آن را به بخش‌های متفاوت تقسیم کنید. سپس روی هر کدام از این بخش‌ها تحقیق کنید و ببینید اگر بخش خاصی از یک فرایند حذف شود، آن فرایند چه تغییری می‌کند؟ گاهی با حذف یک بخش خاص، نه تنها فرایند آسبیبی نمی‌بیند، بلکه بازدهی آن چند برابر می‌شود. لذا با استفاده از این روش می‌توانید به تدریج مهم‌ترین بخش یا عملکرد کارتان را مشخص کنید و فقط برای آن بخش سرمایه‌گذاری کنید. در کلاس درس و در فرایند تدریس و یادگیری بخش‌هایی را می‌توان حذف کرد تا یادگیری لذت‌بخش‌تر و عمیق‌تر شود؛ مثلاً حذف اضطراب و رقابت از آموزش گاهی لذت یادگیری را بیشتر می‌کند. آزمون‌هایی که به صورت گروهی گرفته می‌شوند و اعضای گروه با همکاری هم آزمون و فعالیتی را انجام می‌دهند یا زمان و سرعت از آزمون حذف می‌شود یا دانش‌آموزان چندین بار می‌توانند در یک آزمون شرکت کنند و فرد تا رسیدن به سرحد یادگیری باید در آن شرکت کند، نمونه‌های آزمون‌های خلاقانه‌ای هستند که از حذف اضطراب و رقابت در نظام آموزشی نهایت بهره را برده‌اند و به‌ویژه در شرایط فعلی بسیار اجرایشان هستند.



# یک خط در میان

تمنارستگار  
طراح بازی آموزشی

دانش آموزی که هنگام خواندن، خطی را که می خواند فراموش می کند یا خط بعدی را جا می اندازد، بی دقت نیست. او دچار نوعی اختلال است. اگر اختلال او را بشناسیم، می توانیم با چند بازی آموزشی، به بهبود او کمک کنیم.

اختلال یادگیری نوعی اختلال عصب شناختی است که به شکل مستقیم به مغز آدمی مربوط است. این اختلال به مجموعه ای از نارسایی ها در فرایند دریافت، ادراک و پردازش مغز اطلاق می شود که مانع از یادگیری، کسب مهارت و به کارگیری آن در فرد و همچنین برقراری ارتباط مؤثر او با دنیای اطراف می شود.

اختلال یادگیری سبب می شود با در نظر گیری رده ی سنی و سطح هوش بهر، میزان دستیابی انسان به پیشرفت تحصیلی کمتر از حد انتظار باشد و غالباً در افرادی دیده می شود که از نظر بهره ی هوشی بالاتر یا پایین تر از سطح متوسط هستند. بنابراین، دانش آموزان درگیر با این گروه از اختلالات را نمی توان در زمره ی «دانش آموزان با نیازهای ویژه» (استثنایی) تلقی کرد.

اختلال یادگیری، با وجود شیوع فراوان، هنوز به طور کامل شناخته نشده است. عوامل بروز این اختلالات متعدّدند، اما به چند گروه اصلی تقسیم می شوند:

## الف) عوامل کار اندام شناختی (فیزیولوژیک)

• تأخیر در رشد کامل برخی از اجزای دستگاه عصبی مرکزی، به خصوص مغز، در طول دوران جنینی؛

• عوامل زیست شیمیایی (بیوشیمیایی) و اختلالات سوخت و سازی (متابولیکی) مثل هایپوگلیسمی و کم کاری تیروئید در هنگام تولد یا قبل و بعد از آن؛

• آسیب دیدگی ها، ضربه ها و صدمه های وارد شده به دستگاه عصبی و مرکزی، به خصوص مغز، که در عملکردهایی روانی مثل ادراک و حافظه تأثیر گذارند؛

• تولد زودرس؛

• ابتلای مادر به بیماری های عفونی، مزمن و همچنین داشتن اعتیاد؛

• تغذیه و بهداشت نامناسب مادر هنگام بارداری و زایمان.

## ب) عوامل ژنتیکی

• وجود نمونه های درگیر با اختلالات یادگیری در خانواده به شکل ارثی.

## ج) عوامل محیطی

• تغذیه و بهداشت نامناسب؛

• قرار داشتن در محیط پر استرس و اضطراب که در فرایند رشد کودک تأثیر منفی دارند. برخی از این عوامل عبارت اند از:

• نارسایی رشد اجتماعی و عاطفی کودک به دلیل نبود امنیت طبیعی یا نبود ثبات محبت در محیط خانه یا مدرسه؛

• بدسرپرستی و بی توجهی والدین؛

• رفتارهای ضد اجتماعی در خانواده.

• رشد کلامی ناکافی؛

• ابتلای کودک به بیماری های مزمن، مشکلات تنفسی، حساسیت های شدید و نیز وارد آمدن صدمه ها و آسیب های جدی به کودک، به ویژه در ناحیه ی سر؛

• محرومیت ها و کمبودهای شدید در محیط و منطقه ی زندگی.

## د) عوامل آموزشی

• تدریس ناکافی و ناصحیح؛

• برخوردار نبودن فرد آموزش دهنده از مهارت های تخصصی یاددهی؛

• نبود فعالیت های جانبی و برانگیزنده در یادگیری؛

• نپرداختن به اصل کسب مهارت های اجتماعی، کلامی و نیز مهارت های حرکتی و جسمی به موازات آموزش؛

• استفاده ی نادرست از روش ها و الگوهای یاددهی و یادگیری.

عوامل آموزشی موضوع مهمی است که در شرایط امروز به یکی از اصلی ترین عوامل «اختلالات پنهان یادگیری» مبدل شده است.

با فراگیری بیماری کرونا و تعطیل شدن ناگزیر مدرسه ها، بخش اعظمی از فعالیت های آموزشی و تحصیلی کودکان به «خانه ها» انتقال یافته است. بنابراین، بسیاری از نشانه های اختلالات یادگیری یا نامکشوف می مانند یا به بی توجهی، بازگوشی و کم کاری دانش آموزان نسبت داده می شوند. این اتفاق به طور قطع نه تنها به ایجاد وقفه و رکود پیشرفت تحصیلی آن ها منجر می شود، بلکه با تأخیر در کنترل و کم کردن نشانه های اختلال، در آینده ی تحصیلی و سرنوشت دانش آموزان نیز پیامدهای سوء و منفی به جامی گذارد.

راهکار مقابله با این نتیجه های ناخواسته، مداخله ی بهنگام و طراحی فعالیت های جبرانی از طرف معلمان است. یکی از بهترین و مؤثرترین راهکارها در این زمینه بازی درمانی از طریق استفاده از بازی های آموزشی هدفمند است، لیکن قبل از هر اقدامی باید به ارتقای دانش تشخیصی و مهارت و آگاهی معلمان و مربیان در ارتباط با اختلالات یادگیری پرداخت، زیرا مؤثر واقع شدن اقدامات درمانی و جبرانی نیاز دارد به:

• آشنایی کامل و کافی معلم با مقوله ی اختلال یادگیری؛

• همراهی خانواده؛

• نبود هر نوع پیش داوری و قضاوت غیر تخصصی نسبت به فرایند یادگیری کودک.

• آشنایی کامل و کافی معلم با مقوله ی اختلال یادگیری؛

• همراهی خانواده؛

• نبود هر نوع پیش داوری و قضاوت غیر تخصصی نسبت به فرایند یادگیری کودک.

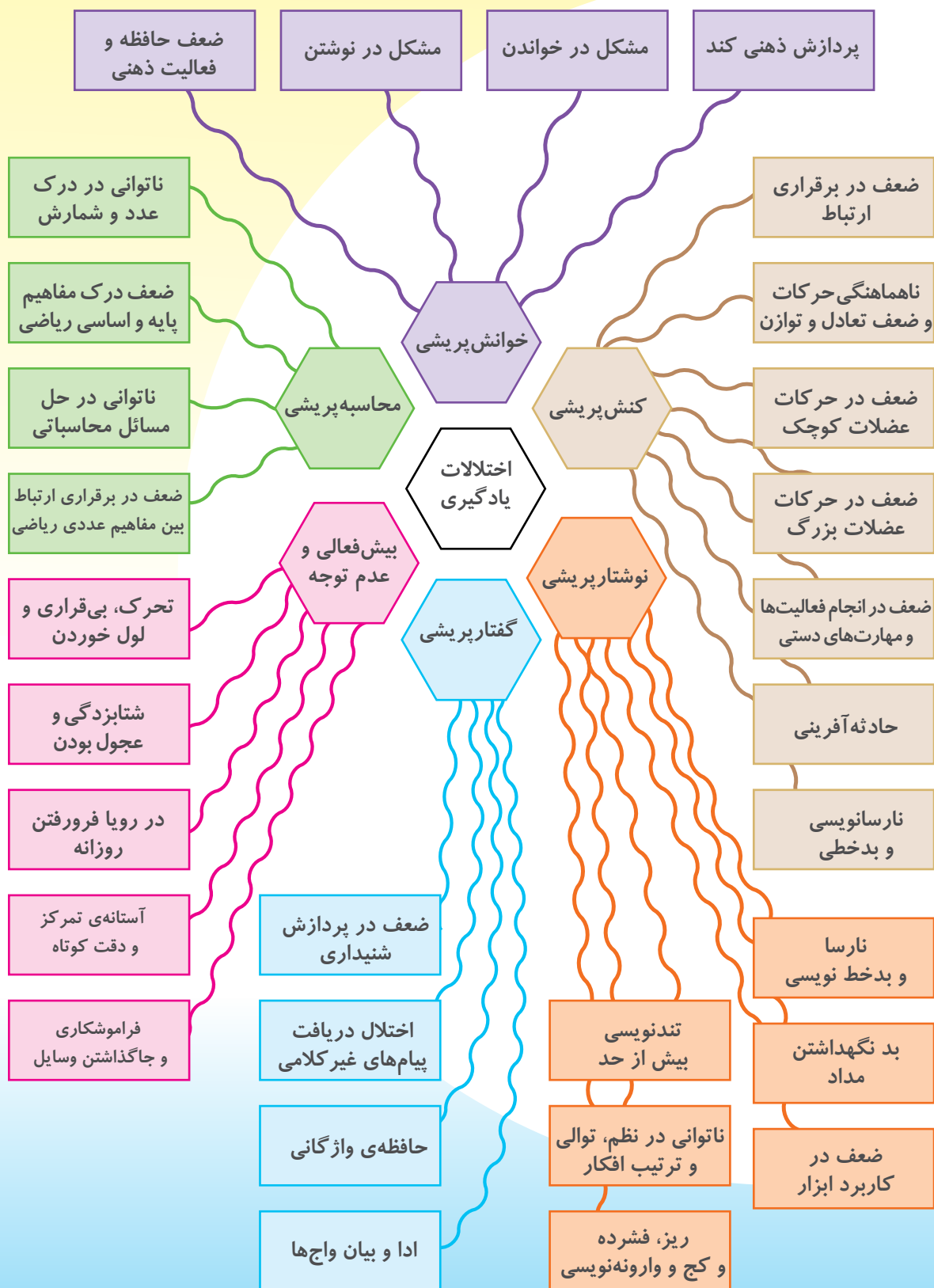
## انواع شایع و پرتکرار تر اختلالات یادگیری

اختلالات یادگیری در سه گروه اصلی طبقه بندی می شوند:

۱. خواندن یا خوانش پریشی؛
۲. نوشتن یا نوشتار پریشی؛
۳. ریاضی یا محاسبه پریشی.



## نشانه‌های اختلالات اصلی یادگیری



منبع:  
 ۱. شعبانی، حسن (۱۳۷۱). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). سازمان سبست تهران.  
 ۲. هیکل‌داد، ارست و پینکوت (۱۳۲۷). زمینه‌ی روان‌شناسی. ترجمه‌ی حسن رفیعی. ارجمند. تهران.

# وقت عمل

احمد رضا اعرابی  
دبیر فیزیک



علوم چهارم دبستان مجموعه‌ی جالبی از مطالب علمی و مفید است. این مفاهیم در قالب‌های متفاوتی از علوم فیزیکی، زمین‌شناسی و زیست‌شناسی ارائه شده‌اند. از این رو لازم است آموزگار محترم این درس به این مفاهیم احاطه‌ی خوبی داشته باشد تا بتواند هنگام آزمون سؤال‌های مناسبی را از دانش آموز بپرسد. سؤال‌های زیر می‌توانند نمونه‌هایی راهگشا برای آموزگاران باشند. در درس اول، کتاب با ارائه‌ی آزمایشی جالب، روش کار علمی را برای دانش آموز مطرح می‌کند. در این درس تنظیم جدول و ثبت نتایج علمی آزمایش‌هایی که ارائه می‌شوند، بسیار مهم است. بنابراین، می‌توان داده‌هایی را در اختیار دانش آموز قرار داد و از او خواست این موارد را در جدولی مناسب قرار دهد. به این سؤال‌های توجه فرماید:

۱. حسین لیوان آب جوشی از مادرش می‌گیرد و دماسنجی را درون لیوان قرار می‌دهد. دماسنج در ابتدا دمای ۸۰ درجه و پس از ده دقیقه ۶۵ درجه را نشان می‌دهد. پس از گذشت بیست دقیقه، دمای آب درون لیوان ۴۵ درجه می‌شود. این داده‌ها را به صورت مناسب در جدولی قرار دهید.

۲. در آزمایش ساخت حباب، اگر بخواهیم حباب‌ها به صورت یک کره در آیند، سیم را چگونه باید شکل دهیم؟ (شکل مناسب سیم را رسم کنید).

۳. برگه‌ای سفید و برگه‌ای مشکی را پشت پنجره و مقابل آفتاب قرار می‌دهیم. پیش‌بینی می‌کنید دمای کدام یک بیشتر باشد. چرا؟

در درس دوم، کتاب به مفهوم مخلوط و محلول می‌پردازد. دانش آموز باید تفاوت دقیق این دو مفهوم را از یکدیگر تشخیص دهد. در این مورد می‌توان برای دانش آموز چنین سؤال‌هایی را مطرح کرد:

۴. برای هر یک از مفاهیم زیر مثالی ذکر کنید و چگونگی تهیه‌ی هر یک را بنویسید.  
الف) مخلوط مانند.....  
برای تهیه‌ی آن.....  
ب) محلول مانند.....  
برای تهیه‌ی آن.....  
۵. نام هر ترکیب را بنویسید؟  
یک بشقاب سبزی خوردن - دوغ - شربت  
۶. کدام موارد زودتر در آب حل می‌شود؟  
دلیل آن را بگویید؟



شانه نبات



نبات خرد شده



پودر نبات

۷. یک قاشق شکر در کدام یک از لیوان‌های زیر سریع‌تر حل می‌شود؟ چرا؟



آب داغ



آب نیم گرم



آب سرد



لیوان شکر



قاشق

۸. کدام مخلوط را با صاف کردن و کدام را با روش تبخیر از هم جدا می‌کنیم؟  
مخلوط آب‌نمک، مخلوط نخود و آرد

- در درس سوم، کتاب به مفهوم مهم انرژی می‌پردازد. درک و شناخت انواع انرژی از هدف‌های مهم این فصل است. دانش آموز پس از مطالعه‌ی این فصل باید با انواع انرژی اعم از جنبشی، گرمایی، نورانی و صوتی آشنا شود. بنابراین، پرسش‌های زیر نمونه‌های خوبی برای آزمون هستند:  
۹. در هر یک از شکل‌های زیر، نوع انرژی جسم را در زیر آن مشخص کنید.



۱۰. آنچه را از شکل زیر دریافت می‌کنید، در سه خط توضیح دهید؟



۱۱. در تصویر زیر چه نوع انرژی به کدام انرژی تبدیل می‌شود؟



۱۲. هنگامی که دو دست خود را به هم می‌مالید، چرا دست شما گرم می‌شود؟

۱۳. حمید با چکش روی میخی که تا نصفه درون چوب فرو رفته است ضربه می‌زند. چرا میخ گرم می‌شود؟

۱۴. انرژی‌های باد، آب جاری و سوخت‌ها از کدام منبع انرژی به دست می‌آیند؟

۱۵. درباره‌ی جمله‌ی زیر در سه خط توضیح دهید؟

- «انرژی خورشیدی پاک، ارزان و بی‌پایان است.»  
۱۶. چرا با عبور هواپیما از بالای یک خانه، به‌طور معمول شیشه‌های پنجره‌ها می‌لرزند؟ آیا می‌توانید موارد دیگری را ذکر کنید که باعث لرزش شیشه‌های پنجره‌ها می‌شوند؟

۱۷. نام سه وسیله را بنویسید که در منزل شما وجود دارد و می‌تواند به شما انرژی بدهد. نوع انرژی هر یک را مشخص کنید.

- در فصل چهارم، کتاب به موضوع انرژی الکتریکی

می پردازد. در واقع دانش آموز باید به اهمیت این انرژی آگاهی کامل یابد. کتاب، آزمایش های مهمی را در طول فصل برای دانش آموز بررسی می کند. بنابراین، می توان این پرسش ها را از دانش آموز پرسید:

۱۸. در هر یک از وسایل زیر انرژی الکتریکی به چه نوع انرژی تبدیل می شود؟

۱. لامپ ۲. آسان بر (آسانسور) ۳. اتو ۴. ماشین لباسشویی

۱۹. با کمک یک باتری، لامپ، کلید و مقداری سیم، مداری برای روشن کردن لامپ رسم کنید.

۲۰. با رسم شکل یک مدار متوالی و یک مدار موازی رسم کنید. این دو مدار چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

۲۱. در مدار شکل زیر، با قرار دادن کدام یک از مواد درون جدول، لامپ روشن خواهد بود و با قرار دادن کدام ماده لامپ خاموش می شود؟

۱. پاک کن ۲. میخ ۳. سکه ۴. خط کش فلزی ۵. خط کش پلاستیکی



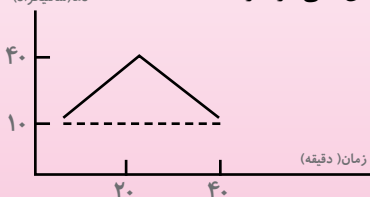
در فصل ۵، کتاب به بررسی دما و گرما می پردازد. پس از تدریس این فصل، دانش آموز باید تفاوت این دو مفهوم را به خوبی درک کند. سؤال های این فصل می توانند به صورت زیر بیایند:

۲۲. آزمایشی طراحی کنید که نشان دهد حس لامسه روش خوبی برای اندازه گیری دما نیست.

۲۳. هر یک از دماسنج های زیر برای اندازه گیری دمای چه اجسامی مناسب است؟



۲۴. دمای یک لیوان آب به صورت زیر است. در چه زمان هایی لیوان گرما گرفته و در چه زمان هایی گرما از دست داده است؟ (دما سانتیگراد)



۲۵. اگر بخواهید قابلمه ای برای پختن غذا درست کنید، از کدام یک از مواد زیر استفاده می کنید؟ دلیل خود را بگویید.

الف) پلاستیک ب) مس ج) چوب ۲۶. دو ماده ای رسانای خوب گرما و دو ماده ای نارسنای خوب گرما را نام ببرید.

۲۷. چگونه با کمک یک بطری آب معدنی و مقداری پارچه می توان یک دمابان (فلاسک) آب ساخت؟

۲۹. چرا درون یک فلاسک می توان هم آب سرد را سرد و هم آب گرم را گرم نگاه داشت؟

در درس ششم، کتاب انواع سنگ ها و مواد معدنی را بررسی و علاوه بر آن کاربردهای هر یک از سنگ های معدنی را نیز بیان می کند. بنابراین، برای پرسش از دانش آموز می توان سؤالی مانند سؤال زیر را پرسید.

۳۰. جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید: سنگ مرمر - ذره هایشان - زبری - سنگ های رسوبی - رودها - سنگ های آذرین - سنگ های دگرگونی

سنگ ها از نظر ویژگی های ظاهری مانند رنگ، صافی، سختی و اندازه ی..... با هم متفاوت هستند. .... هنگام سرازیر شدن از کوه، سنگ ها و ذره های ریز و درشت را با خود به حرکت در می آورد. سنگ های ریزتر و گل ولای پس از ورود به دریا یا دریاچه در ته دریاچه لایه لایه ته نشین می شوند و سنگ های..... را ایجاد می کنند. سنگ های درون زمین به دلیل گرمای زیاد به حالت مذاب هستند. این مواد مذاب پس از سرد شدن..... را تشکیل می دهند. برخی از سنگ ها نیز بر اثر گرما و فشار زیاد تغییر می کنند. به همین سبب به آن ها..... می گویند. به عنوان مثال، سنگ آهک به..... تبدیل می شود.

کتاب، در درس هفتم، آهن را با معرفی و در ابتدا ویژگی های آن را بررسی می کند. سپس به کاربردهای آن می پردازد. در این مورد می توان پرسش های زیر را ارائه کرد:

۳۱. با کمک مقداری براده ای آهن چگونه می توانید قطب های آهن را مشخص کنید؟

۳۲. هر آهن را چند قطب دارد؟ این قطب ها را با رسم شکل نشان دهید.

۳۳. دو آهن را با مطابق شکل های زیر به هم نزدیک می کنیم. در کدام حالت یکدیگر را جذب و در کدام حالت یکدیگر را دفع می کنند؟

الف) N S S N ب) N S N S ج) S N S N د) S N N S

۳۴. چگونه با کمک یک آهن ربا و یک سوزن می توانید یک قطب نما بسازید؟

۳۵. مطابق شکل زیر مقداری سیم را دور یک پیچ آهنی می پیچیم و دو سر سیم ها را به باتری وصل می کنیم. این وسیله چیست و چه کاربردهایی دارد؟



در فصل هشتم، کتاب به تدریس موضوع ستارگان و سیارات می پردازد و تفاوت آن ها را بیان می کند. سپس سیارات متفاوت منظومه ی شمسی را معرفی می کند. پرسش های زیر برای این فصل مناسب به نظر می رسند:

۳۶. نزدیک ترین ستاره و سیاره به کره ی زمین را نام ببرید و تفاوت آن دو را بنویسید؟

۳۷. اگر خورشید دایره ی سمت چپ باشد، درون دایره ها نام های سیاره ها درون منظومه ی شمسی را بنویسید.

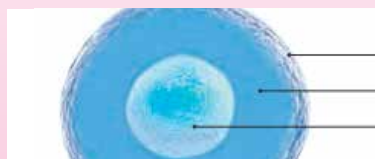


در فصل های ۹ تا ۱۳، کتاب به بررسی بدن ما، حیوانات بدون مهره، گیاهان و زیستگاه اطراف دانش آموز می پردازد. شاید به نظر برسد این فصل ها که زیرمجموعه ی علم جالب زیست شناسی هستند، حتماً مجموعه ای از حفظیات اند؛ در صورتی که این گونه نیست. آموزگار با اندکی حوصله می تواند سؤال هایی را از دانش آموز بپرسد که این مفاهیم به درستی در ذهن دانش آموز جای بگیرند:

۳۸. سلول های زیر مربوط به کدام قسمت از بدن هستند؟



۳۹. در شکل زیر قسمت های گوناگون سلول را نام گذاری کنید؟



# هم بازی، هم تجربه آموزشی



مریم شهرآبادی

کارشناس آموزش ابتدایی

## دانشنامه‌ی اسباب‌بازی‌های طهران قدیم

نویسنده: زردشت هوش‌ور

عکاس: علی خوش‌جام

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

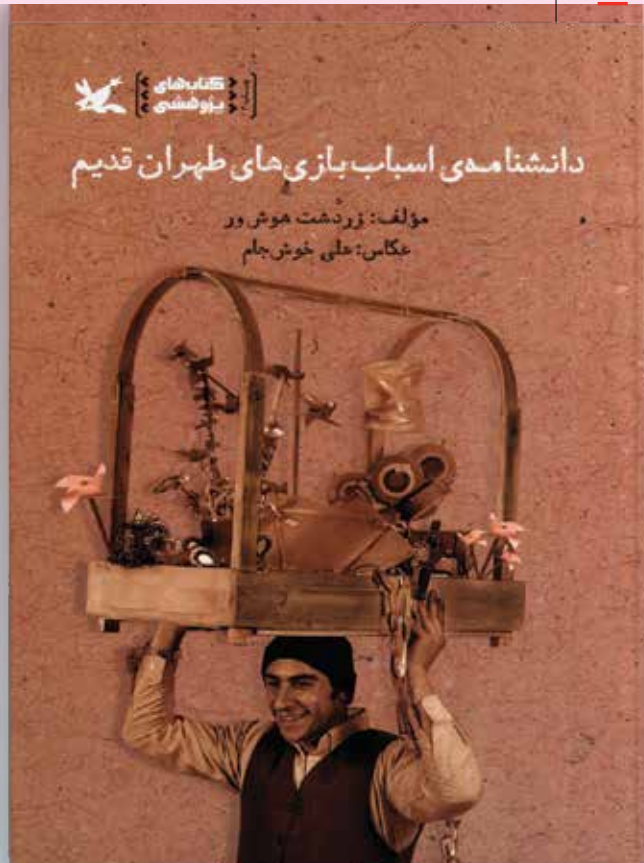
«از شما درخواست می‌کنم، اگر اسباب‌بازی قدیمی‌ای را می‌شناسید که در این کتاب نیامده است، نام، مشخصات، کروکی، عکس یا نقشه‌ای از آن را برایم بفرستید تا بازسازی کنم و به نام فرستنده در موزه به ثبت برسانم. ممکن است افراد کهن سال بین اشیای قدیمی خود اسباب‌بازی‌هایی داشته باشند که شکسته، فرسوده و ناکارآمد باشد. می‌توانم آن‌ها را تعمیر و به نام صاحب اثر در موزه به ثبت برسانم. حتی می‌توان آن را به امانت گرفت و پس از الگوبرداری، به صاحب آن برگرداند. در صورت تمایل می‌توانید با نشانی زیر تماس بگیرید. با تشکر: زردشت هوش‌ور»

وبگاه: [www.hooshvar.com](http://www.hooshvar.com)

رایانامه: [zardosht@hooshvar.com](mailto:zardosht@hooshvar.com)

چند سطری که خواندید، بخشی از مقدمه‌ی کتابی است نه‌چندان نوپدید که به‌تازگی، در سال ۱۴۰۰، دفتر سامان‌دهی منابع مکتوب وزارت آموزش و پرورش از آن تقدیر کرده است. نویسنده‌ی خوش‌ذوق کتاب، پس از آنکه کار بازسازی اسباب‌بازی‌ها در کارگاهش به پایان می‌رسد، ترجیح می‌دهد این دست‌ساخت‌ها را به‌شکلی معرفی کند و بشناساند. بنابراین دست‌به‌کار نگارش کتابی می‌شود که پر است از اسباب‌بازی‌های ساده و ساختنی؛ همان‌ها که دوستشان داریم و شاید اصلاً بلد نباشیم آن‌ها را بسازیم.

کتاب در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول کلیات است و بازی را تعریف می‌کند. تاریخچه‌ی اسباب‌بازی در ایران و جهان را نیز بررسی می‌کند. بخش دوم شناسنامه‌ی اسباب‌بازی‌های قدیمی استان تهران است. جالب است که هر اسباب‌بازی شناسنامه‌ای دارد. خواننده در این بخش با ۱۹ ویژگی اسباب‌بازی آشنا می‌شود؛ از جمله: وجه تسمیه، اجزای ساز، مشخصات ظاهری، روش بازی، مراحل بازسازی، کاربری اسباب‌بازی مثل مقررات استفاده، جنسیت بازی‌کنندگان، سن و تعداد آن‌ها.



آیندازی

فروردین‌ماه  
دوره‌ی بیست‌ونهم  
شماره‌ی ۷ | ۱۴۰۱

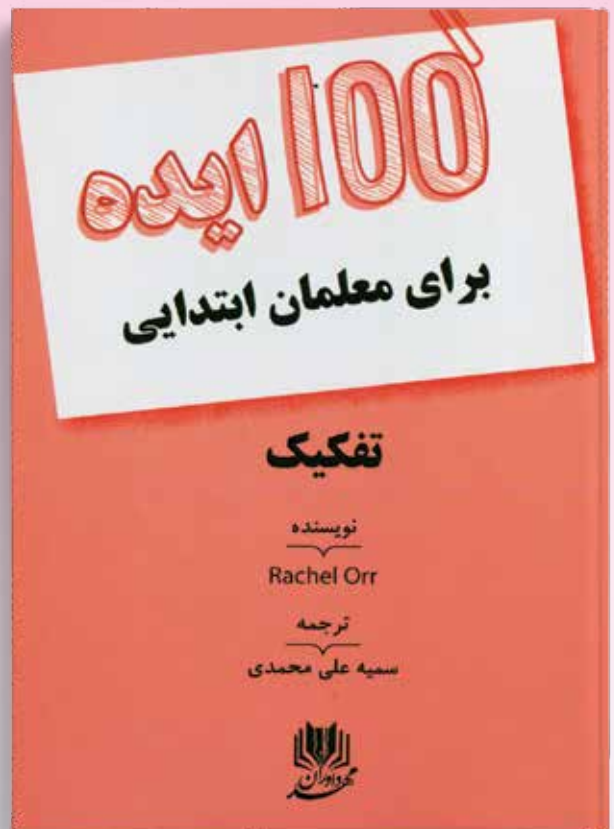
۴۶



## ۱۰۰ ایده برای معلمان ابتدایی

نویسنده: آر، ریچل  
مترجم: سمیه علی محمدی  
ناشر: مهد داوران (۱۳۹۸)

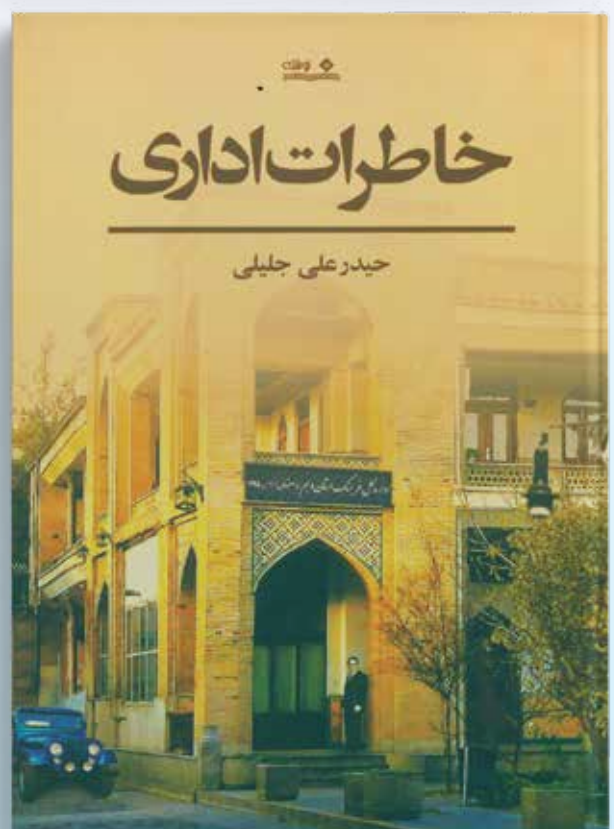
تفکیک موضوعی است کاملاً بحث‌برانگیز در سطح آموزش. تفکیک در دوره‌ی ابتدایی باید روی نیازهای فردی متمرکز شود و به‌منظور پاسخ‌گویی به نیازهای همه‌ی دانش‌آموزان صورت گیرد. این کتاب مجموعه‌ای از روش‌های گوناگون برای سازمان‌دهی و تفکیک و نیز مجموعه‌ای از نکته‌ها درباره‌ی چگونگی سکوسازی، ساختار یادگیری و نحوه‌ی استفاده از نتایج برای پیشرفت بیشتر در دوره‌ی ابتدایی است. ایده‌هایی آسان و کاربردی در کتاب ارائه شده‌اند که نکته‌های آموزشی، کاربرد بیشتر و ایده‌ی پاداش را در بر می‌گیرند. پیشنهاد می‌کنیم نکته‌های آموزشی و ۳۱ ایده‌ی کتاب را حتماً بخوانید و از کاربردهای آن‌ها در کلاس‌هایتان برایمان بنویسید. لازم به یادآوری است، ایده‌های مربوط به هر فصل، از متخصصان ابتدایی جمع‌آوری و ارائه شده‌اند.



## خاطرات اداری

نویسنده: حیدرعلی جلیلی  
ناشر: نوشته (۱۳۹۹)

کتاب حاضر تجربه‌های فردی است که خود آموزگار، مدیر مدرسه، رئیس آموزش و پرورش کوهپایه و کارشناس مسئول آموزش ابتدایی استان اصفهان بوده است. این خاطرات ضمن آنکه تجربه‌های زیسته‌ی یک مدیر را در اختیار معلمان و مدیران کشور می‌گذارد، تصویری از سختی‌ها و دشواری‌های کار نیروها و کارشناسان فرهنگی را، به‌خصوص در استان‌ها، ترسیم می‌کنند. کتاب را بخوانید، به قصد آنکه ایده بگیرید و شما هم با زبان ساده و بی‌تکلف، تجربه‌ها و خاطره‌های کلاس‌های خود را ثبت کنید. تجربه‌های شما ارزشمندند و همکارانتان را بهره‌مند می‌کنند. اگر دست به کار ثبت تجربه‌ها شدید، دفتر مجله‌ی خودتان را هم در جریان بگذارید.



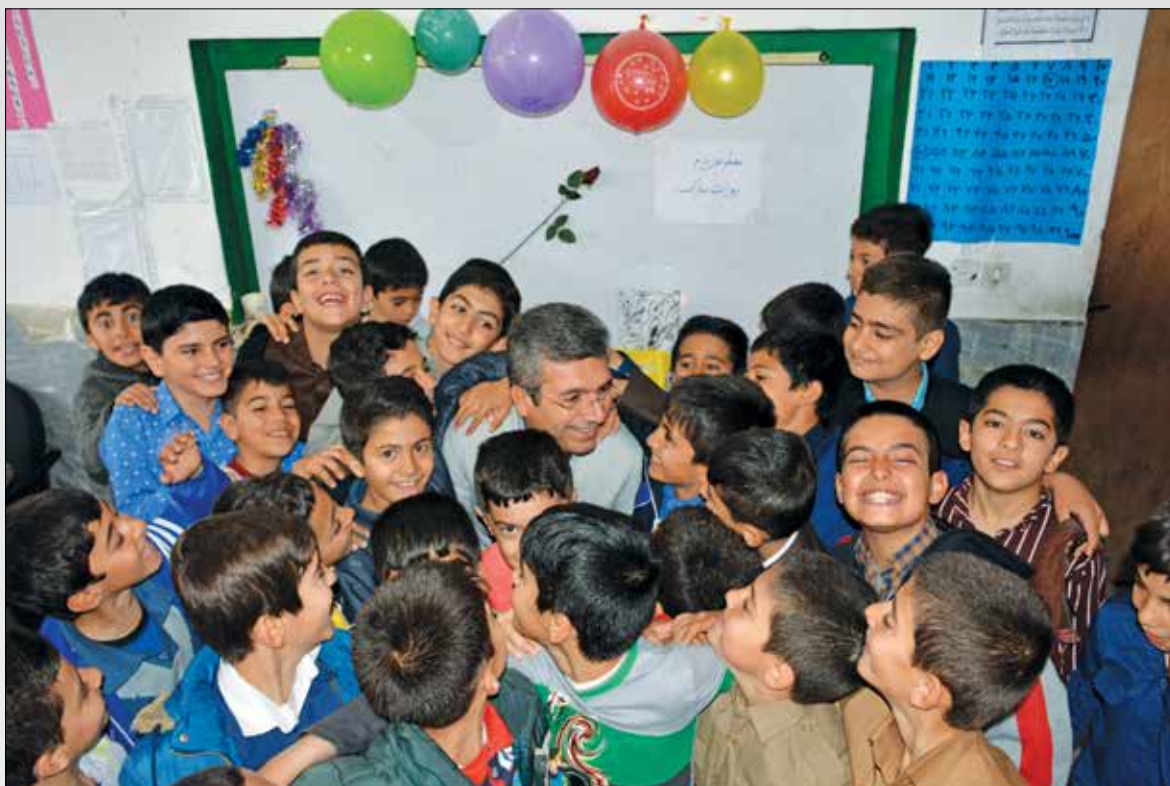
آموزشی  
ابتدایی

فروردین ماه

دوره‌ی بیست و پنجم

شماره‌ی ۱۴۰۱۷

۴۷



## با هم خندیدن

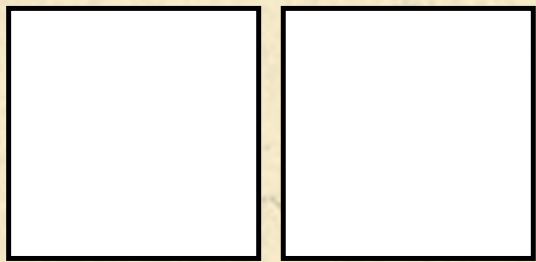
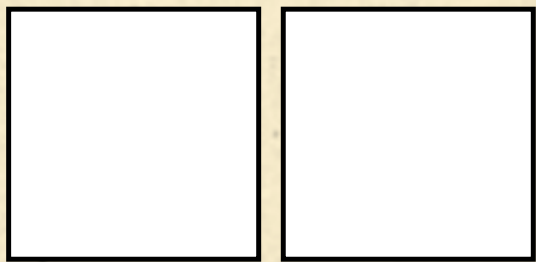
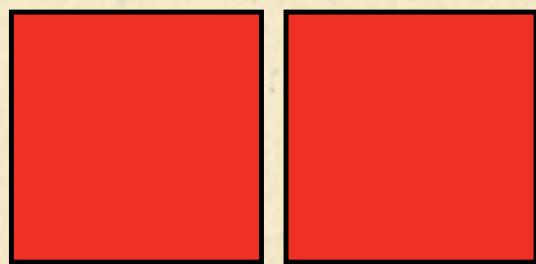
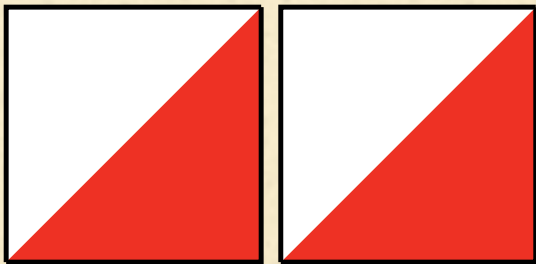
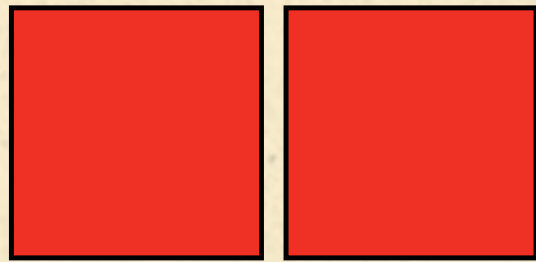
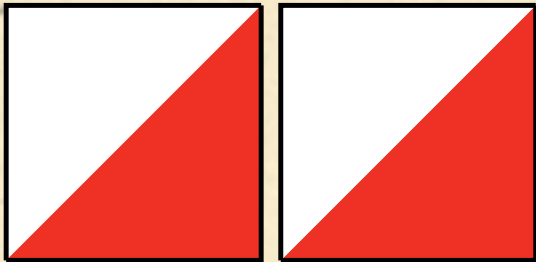


اعظم لاریجانی

هر معلمی در جست‌وجوی راهی برای ایجاد انگیزه‌ی بیشتر و افزایش علاقه و مشارکت گسترده‌تر دانش‌آموزان است. یک راهبرد مهم برای دستیابی بهتر به این هدف، استفاده از ابزار طنز در کلاس است. معلمان شوخ‌طبع یادگیری را لذت‌بخش و سرگرم‌کننده می‌کنند. هنگامی که دانش‌آموزان در کلاس با هم می‌خندند، احساس می‌کنند با هم کلاسی‌ها و معلم خود پیوندی قوی دارند. همین باعث می‌شود حس رفاقت و تجربه‌ی عاطفی مشترکی بین آن‌ها ایجاد شود. این حس اختلافات و ناسازگاری‌ها را کاهش و توجه و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، طنز می‌تواند فضای یادگیری مثبتی ایجاد کند تا دانش‌آموزان در کلاس احساس راحتی بیشتری داشته باشند. این جو مثبت دو سویه عمل می‌کند؛ از یک سو یادگیری را مؤثرتر و از سوی دیگر لذت‌بخش‌تر خواهد کرد.

چنین کلاس‌هایی همان‌هایی هستند که دانش‌آموزان برای ورود به آن‌ها بی‌تابند و برای خروج از آن‌ها عجله‌ای ندارند. کودکانی که حضور در کلاس‌هایی با فضای شاد را تجربه می‌کنند، علاوه بر اینکه مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی قوی‌تری دارند، خلاق‌تر هم می‌شوند.





بازی مربع‌ها

